



بیان

کتاب کارمعلمان تدبیر در قرآن برای
گروه سنی نوجوانان



عنوان: بیان
نویسنده: مر
تهیه و تدوین: اداره علوم قرآنی آستان قدس رضوی
تنظیم و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
طراح جلد و صفحه آرایی: عباس پرچمی
ویراستاری:
چاپ:
ناشر:
نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

پیشگفتار

قرآن، این هدایت الهی آمد تا انسان به آن تمسک کند، به جبل متین الهی در آویزد، از خویش به درآید و در آیینۀ جمال و کمال، به نظارۀ خدای خود، دل آرام دارد.

خدای حکیم کتابش را شفای دل‌ها قرار داد و به مردم را فرمود که در آیات آن کتاب مبارک تدبّر کنند: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

روایات خاندان وحی نیز در هماهنگی با آیات کلام الله، ما را به تدبّر فرا می‌خواند؛ آنگاه که رسول خاتم ﷺ در واقعۀ غدیر، خطاب به مردم می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ ...»^۱

هنوز طنین هشدار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در گوش جانمان است: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهَا تَدَبُّرٌ...»^۲ رهبر کبیر انقلاب اسلامی (علیه السلام)، رهبر انقلابی که بر پایه اصول و معارف قرآن بنیاد شده است، به تدبّر در قرآن تأکید دارند: «به دخترم می‌گویم در قرآن، این سرچشمۀ فیض الهی تدبّر کن؛ هرچند صرف خواندن آن که نامۀ محبوب است، به شنونده محجوب، آثاری دلپذیر دارد؛ لکن تدبّر در آن، انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند...»

از سوی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) نیز مکرر به موضوع تدبّر در قرآن تأکید شده است؛ از جمله فرموده‌اند: «اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبّر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی‌اثر خواهد شد.»

امروزه با گذشت بیش از ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و انجام فعالیت‌های قرآنی درخور تقدیر، با جمع زیادی قرآن‌آموز، به‌ویژه در میان قشر تحصیل‌کرده مواجه‌ایم که مراحل آغازین انس با قرآن را گذرانده‌اند و می‌خواهند فراتر از قرائت، تجوید، صوت و لحن و حتی ترجمه و مفاهیم قرآن، اندکی نیز به فهم این کلام الهی بپردازند.

خادمان شما در اداره علوم قرآنی آستان قدس رضوی، ضمن سرلوحه قراردادن آیات و روایات و اهتمام به پیگیری منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌ها و نشست‌های تدبّر در قرآن کریم، تلاش می‌کنند که در نهضت عمومی‌سازی فهم قرآن کریم در جامعۀ اسلامی، نقشی مؤثر داشته باشند. در این زمینه، سنت و سیرۀ قرآنی ولی نعمتشان امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را نصب العین خویش قرار داده‌اند و سعی دارند گروه‌های مختلف مردم را از این فعالیت مهم قرآنی بهره‌مند کنند که بحمدالله تاکنون هم تجربیات موفقی در این زمینه داشته‌اند.

پُر واضح است که گروه نوجوانان برای بهره‌مندی از این فعالیت، اولویّت دارند. امید است با متنعم ساختن این نوجوانان از خوان فهم و تدبّر در قرآن، در آیندۀ نزدیک، جوانان برومندی را شاهد باشیم که با تجهیز به فهم قرآن، در رسیدن به آرمان‌های الهی انقلاب اسلامی، یاورانی توانا و فهیم باشند؛ *إن شاء الله تعالی*.

در پایان لازم است از همه عزیزانی که در گردآوری این کتاب ما را یاری فرمودند، قدردانی شود؛ به‌ویژه

خصوصاً از راهنمایی‌های راهگشای استاد ارجمند، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسین الهی‌زاده و همکاران مؤسسه تدبّر در قرآن و سیره سپاسگزاریم.

همچنین از گروه علمی تدبّر ترتیبی قرآن که در شکل‌گیری این اثر همراه ما بودند، حجت‌الاسلام و المسلمین محمد الهی خراسانی و سرکار خانم مرضیه رستمیان، کمال تشکر را داریم. بجاست از گردآورنده این نوشتار، سرکار خانم زینب آقاگلی‌زاده که خود از معلمان تدبّر در قرآن حرم مطهر رضوی بوده و این سطح از تدبّر را برای نوجوانان با موفقیت تدریس می‌فرمایند، به‌طور ویژه تشکر کنیم.

قدردان زحمات همکاران در بخش آموزش اداره علوم قرآنی نیز هستیم و برای همه این عزیزان، از خداوند متعال، توفیق روزافزون خدمت به ساحت قرآن و عترت در سایه عنایات امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را خواستاریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱. ص. ۲۹.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶.

معلمان گرامی، جزوه تدبّر در قرآن (تدبّر ترتیبی) که پیش رو دارید، برای مقطع سنی نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ سال یعنی ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تنظیم شده است. این جزوه به منظور رعایت استانداردهای آموزشی و رسیدن به هدف‌های آموزشی در امر تدریس، در قالب طرح درس و متناسب برای دوره‌های ترویجی، ارائه شده است. از نظر دست‌اندرکاران امور آموزشی، همان‌طور که یک فیلم بدون سناریو، انجام و سرانجام (آغاز و پایان) مشخصی ندارد، یک کلاس نیز بدون سناریوی آموزشی یا «طرح درس»، سرورته نخواهد داشت.

اهداف ارائه طرح درس برای معلمان عبارت‌اند از:

۱. ایجاد نظم و ترتیب منطقی در کار و فعالیت معلم؛
۲. به وجود آوردن احاطه کامل و تسلط لازم در معلم برای ارائه درس؛
۳. پیش‌بینی نوع و مقدار تکالیف و سایر فعالیت‌های تکمیلی برای معلم.
۴. پیشگیری از اعمال روش‌ها و محتواهای تدریس سلیقه‌ای در تدریس تدبّر در قرآن که آسیب‌هایی را به دنبال داشته و دارد، به منظور ایجاد هماهنگی بین همه معلمان تدبّر در قرآن در امر تدریس.

اهداف آموزشی طرح درس

در یک طرح درس، ابتدا باید اهداف آموزشی تعیین شود. این اهداف به سه دسته کلی و جزئی و رفتاری تقسیم‌بندی می‌شود. روانشناسان تربیتی، اهداف آموزشی را با توجه به ویژگی‌هایشان به انواع مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند. معروف‌ترین طبقه‌بندی، اهداف آموزش را در سه حیطه شناختی و عاطفی و عملکردی قرار می‌دهد.

الف. حیطه شناختی (داشتن مهارت‌های ذهنی)

حیطه شناختی، دانش و معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را دربر می‌گیرد. زمینه شناختی (سطح شناخت) را از آسان به مشکل به پنج سطح طبقه‌بندی کرده‌اند؛ بنابراین یادگیری در حیطه شناختی عبارت است از دانستن، فهمیدن، به‌کاربردن، تجزیه و تحلیل کردن، ترکیب کردن و ارزشیابی کردن که البته برای نوآموزان، فقط دانستن و فهمیدن و به‌کاربردن انتظار می‌رود. مثال:

۱. با تدبّر سوره فیل آشنا شود؛

۲. فهم ساده و پیوسته‌ای از آیات را بیان کند؛

۳. معنای پیوسته‌ای از آیات را توضیح دهد.

ب. حیطه عاطفی (احساسات و نگرش‌ها)

حیطه عاطفی از علاقه و احساس حکایت می‌کند که در اثر آموختن ایجاد می‌شود. هدف‌های حیطه عاطفی، بر نگرش‌ها و انگیزش‌ها و عواطف و علایق و ارزش‌ها مبتنی است. می‌توان گفت، در حیطه عاطفی ما به دنبال ایمان‌افزایی هستیم. زمینه عاطفی را نیز مانند زمینه شناختی، از آسان به مشکل، به پنج سطح طبقه‌بندی کرده‌اند. در حیطه عاطفی، فراگیران باید به مسائل و پدیده‌ها و رویدادها توجه داشته باشند، واکنش نشان دهند، ارزش‌گذاری کنند و ارزش‌ها در شخصیت آن‌ها تبلور یابند. وقتی فراگیران، رفتارهای زیر را از خود بروز می‌دهند، می‌توانیم نتیجه بگیریم که آموزش ما در حیطه عاطفی و تغییر نگرش آن‌ها موفق بوده است: در بحث شرکت می‌کنند، سؤال می‌کنند، دفاع می‌کنند، مجادله می‌کنند، نظر می‌دهند، تحسین می‌کنند، در فعالیت‌های کلاس شرکت می‌کنند، توجه می‌کنند، قبول می‌کنند،

علاقه‌مند می‌شوند و...؛ مثال:

۱. شخص، بدون اجبار و با اشتیاق قلبی، داوطلبانه در جلسات قرآن شرکت می‌کند؛
۲. شخص، می‌تواند ویژگی‌ها و امتیازهای شرکت در کلاس تدبّر در قرآن را که به آن معتقد است، برای دیگران بیان کند؛
۳. به شنیدن قرآن و فهم آن از طریق تدبّر، علاقه نشان می‌دهد؛
۴. به حفظ سوره‌های قرآن، علاقه‌مند است؛
۵. در مباحث کلاس، داوطلبانه شرکت کرده و سؤال می‌کند؛
۶. گفته‌های معلم خود را تأیید می‌کند؛
۷. به تدریس معلم خود، خوب توجه می‌کند.

ج. حیطه عملکرد (رفتار و کنش)

این حیطه به رفتار فرد، بعد از شناخت و انگیزش اشاره دارد. در این رویکرد، نتیجه‌ای که عاید فرد می‌شود، عمل صالح است؛ عمل صالحی که مبنای آن، شناخت و تعقل و عاطفه و گرایش و ایمان مذهبی است؛ مثال از تدبّر در سوره فیل:

۱. از دشمنان ابرقدرت نمی‌ترسد و فقط به خدا توکل می‌کند؛

۲. در برابر قدرت‌های زورگو ایستادگی می‌کند؛

۳. از ضعیفان در برابر زورگویان دفاع می‌کند.

ارزشیابی مستمر

معلم در حین تدریس از فراگیران سؤال می‌کند تا آن‌ها در روند تدریس مشارکت داشته باشند و ارائه، به صورت فعال صورت گیرد. پرسش‌هایی که در لابه‌لای تفهّم متن به‌عنوان ارزشیابی مستمر آمده، برای این منظور مطرح شده است؛ البته معلم می‌تواند در همین چارچوب، پرسش‌های دیگری نیز طرح کند.
نکته: معلم در این قسمت، به فراخور می‌تواند از سؤالات ارزشیابی پایانی نیز استفاده کند.

ارزشیابی پایانی

انتظار می‌رود که از هر آموزشی که به فراگیران داده می‌شود، در پایان دوره، نتیجه یا نتایجی عاید آنان شود. تغییراتی که پس از هر آموزش، در شناخت و عواطف و عملکرد فراگیران ایجاد می‌شود، «نتایج یادگیری» نام دارد؛ پس سؤالات ارزشیابی پایانی درس باید در سه بخش مطرح شود: شناختی و عاطفی و عملکردی.

سؤالات مطرح‌شده در جزوه، بازخورد آموزش معلم است: آیا فراگیر آياتی را که معلم آموزش داده، فراگرفته است؟ ما باید در این دوره‌ها به نتیجه کار توجه کنیم، نه به فرایند آموزش. باید واکاوی شود که فراگیران کلاس تدبّر، به چه رسیده‌اند؟ سؤالات پایان درس برای چک کردن اهداف ماست که در سه حیطه شناختی و عاطفی و عملکردی تعریف شد.

بین سه هدف شناختی و عاطفی و مهارتی، در درجه اول، هدف عاطفی مهم است. باید محبت و انس و علاقه به قرآن را در نوجوانان ایجاد کرد تا با شنیدن و تلاوت سوره، اشتیاق پیدا کنند. مهم، چشاندن حلاوت قرآن به نوجوانان است. هدف، انس با متکلم یعنی خداوندی است که قرآن، سخن اوست؛ نه فقط انس با کلام یعنی سخن قرآن؛ این، يك شاخصه است.

۱. یعنی فهماندن آنچه قرآن می‌فهماند.

۹. بیان حدیث انتخاب شده: این حدیث در راستای جهت هدایتی سوره و ساده بوده و هدف از آوردن آن در انتهای تدریس تدبیر در قرآن، تأکید بر هماهنگی قرآن و عترت است؛ چراکه بحث کلاس، قرآن است و احادیث، شارح قرآن هستند؛
۱۰. مروری اجمالی روی درس، به منظور تثبیت آن با تأکید بر جهت هدایتی سوره؛
۱۱. پرسیدن مطالب ارائه شده از فراگیران: در این قسمت بعضی از سؤالات تکراری هستند و در واقع یک سؤال به شیوه‌های مختلف بیان شده که بنا به خواست معلم انتخاب می‌شود؛
۱۲. همخوانی مجدد سوره؛
۱۳. تعیین تکلیف برای جلسه بعد؛

به کار بستن ویژگی‌های ارائه ترویجی^۱

- از آنجاکه این طرح درس برای دوره‌های ترویجی در نظر گرفته شده است، ارائه درس بایستی ویژگی‌هایی داشته باشد که آن را از حالت ترویجی خارج نکند؛ بنابراین رعایت نکات زیر ضروری است:
۱. پرهیز از به کار بردن اصطلاحات علمی؛
 ۲. پرهیز از بررسی‌های لغوی و ادبی واژگان و جملات؛
 ۳. پرهیز از طرح نظرها و دیدگاه‌های دیگر در تبیین آیات؛
 ۴. استفاده از مثال‌ها و نمونه‌های عینی و جذاب برای توضیح بهتر مطالب؛
 ۵. گنجاندن قصه‌های مناسب و جذاب برای فراگیران کودک و نوجوان در تبیین آیات؛ البته معلم باید در استفاده از داستان تعادل داشته باشد و توجه کند که بحث درس، خیلی داستان محور نشود؛
 ۶. بیان فضای نزول سوره‌ها به صورت داستانی؛
 ۷. استفاده از دانسته‌های فراگیران و توجه به نظر آن‌ها؛
 ۸. تصحیح برداشت‌های نادرست فراگیران.

بایسته‌هایی برای معلم

هر سوره باتوجه به محتوای خود، ممکن است برای فراگیر سؤالات زیاد خارج از تدبیر^۲ ایجاد کند یا باعث بدفهمی‌ها یا تطبیق‌های غلط شود. معلم برای جلوگیری از این مشکلات باید به نکاتی درباره آن سوره توجه کند که در ادامه همین قسمت، به آن پرداخته‌ایم. حتی ممکن است در بعضی از سوره‌ها، برای فهم کامل مطلب و تأثیرگذاری در مخاطب، توضیح بیشتری درباره یک موضوع، لازم باشد که این نیز در قسمت بایسته‌ها آمده است. در مرحله اجرا نیز معلم باید به «بایسته‌های اجرایی» توجه کند؛ از جمله اینکه از لحاظ ظاهری، پوششی مناسب و نشاط‌آور داشته و خود نیز شخصیتی شاد داشته باشد تا بهتر بتواند با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کند و باتوجه به اینکه مخاطب کودک و نوجوان است، از یکنواختی در حرکات، کلمات و تن صدا بپرهیزد و با شخصیتی فعال، کودک و نوجوان را به تدریس خود جذب کند. باید توجه داشت که قبل از سلام، اُنس مهم است. اُنس با خوش‌رو بودن و محبت و احترام و توجه و لباس مرتب حاصل می‌شود.

۱. از آنجاکه فراگیران در سطح عموم هستند، نباید ارائه درس به صورت علمی و فنی و مهارتی باشد؛ بلکه معلم باید با در نظر گرفتن سطح فراگیر عموم، از روش ارائه ترویجی استفاده کند.

۲. تدبیر که اولین لایه فهم قرآن و مبتنی بر الفاظ آیات است، پاسخ‌گوی این گونه سؤالات نیست و پاسخ آن‌ها در تفسیر داده می‌شود که لایه‌ای عمیق‌تر از تدبیر است.

- در بُعد عملی، فراگیر باید قدرت استفاده از سوره‌ها مثلاً سوره فیل را در مواجهه با مسائل پیش رو، داشته باشد. هدف اصلی ما از برگزاری این دوره‌ها برای نوجوانان باید تربیت باشد؛ یعنی هدف، تربیت محور است. در تربیت دینی باید رویکردی انتخاب شود که در آن به عقل و عاطفه و رفتار یادگیرندگان توجه شود؛ به عبارت دیگر باید به هر دو رویکرد عقل‌گرایی و ایمان‌گرایی و نتیجه آن، یعنی عمل صالح، توجه کافی شود.
- برای آشنایی معلم لازم است، توضیحاتی درباره بخش‌های مختلف این طرح درس و سیر ارائه مطالب بیان شود:
۱. باتوجه به نگاه کارشناسی و در نظر گرفتن گروه سنی مخاطب، ده سوره برای تدریس انتخاب شده است که عبارت‌اند از: ناس، فلق، اخلاص، مسد، کوثر، فیل، قریش، حمد، عصر و ماعون؛

۲. زمان ارائه درس، ۶۰ دقیقه مفید است و برای بخش‌های مختلف طرح درس، زمان بندی انجام شده است؛
 ۳. بیان تاریخ و هفته و مناسبت‌ها اگر در حد اشاره باشد، اشکال ندارد. نحوه پرسش از درس قبل، مهم است و بچه‌ها باید بتوانند در این مرحله، خودی نشان دهند و به خودباوری برسند. مرور اندوخته‌ها صحیح نیست، بلکه باید مرور یافته‌های کودک مدنظر باشد؛
 ۴. قبل از ورود به درس، برای ایجاد انگیزه و جذب فراگیران و درگیر کردن آنان در سیر آموزشی، آن هم در راستای جهت هدایتی سوره، نمونه‌های عینی و مناسب مخاطب بیان شده است.
- نکته:** برای بعضی از سوره‌ها، چند نمونه ایجاد انگیزه بیان شده است که معلم می‌تواند برای تدریس خود، برحسب نیاز، از بین آن‌ها انتخاب کند.
۵. به دلیل تنظیم این طرح درس برای مخاطب نوجوان، سعی شده است که در سیر ارائه درس، سطح بیان مطالب، متناسب با سن مخاطب باشد و از نمونه‌هایی استفاده شود که مقتضای این سن است.

بعد از ایجاد انگیزه، معلم به ترتیب مراحل زیر، درس را ارائه می‌کند:

۱. همخوانی سوره (قرائت آیه به آیهٔ مربی و تکرار فراگیران)؛
۲. بیان شناسهٔ سوره؛
۳. ترسیم سوره به شکل ساختاری؛
۴. ترجمه ساده و روان آیات: ملاک و معیار، ترجمه مصطفی رحماندوست است؛ ولی ترجمهٔ این بزرگوار در بعضی از قسمت‌ها به صورت کامل، صحیح نیست؛ از این رو در آن دخل و تصرف شده است. بهتر است ترجمه، بعد از ترسیم ساختار سوره در پای تخته و نشان دادن کل سوره به نوجوانان، بیان شود؛
۵. بیان فضای نزول سوره که بهتر است در قالب قصه ارائه شود؛ در بیان فضای نزول سوره مراقب باشیم که تصور نشود، اصل، فضای نزول است؛ چراکه فضای نزول، به فهم بهتر کمک می‌کند، نه اصل فهم. در واقع، آنچه اصل است، خود آیات سوره و تدبیر در آن‌هاست و بیان فضای نزول سوره به شکل داستان، به فهم جهت می‌دهد؛ پس اگر در جایی فضای نزول سوره نباشد، باز هم این فهم حاصل می‌شود.
۶. بیان جهت هدایتی سوره؛
۷. مرور آیات و توضیح شیوای آیات سوره (تفهم متن)؛
۸. بیان پیام سوره، بعد از تدبیر در سوره؛ زیرا بچه‌ها آموزش جزء به کل دارند. پیام سوره، بهتر است به وسیلهٔ هنر به فراگیران انتقال داده شود، مانند: بیان مثال، نمایش فیلم، نمایش اسلاید و نقاشی؛

۱. منظور از جهت هدایتی، سمت و سوی هدایتی آیات الهی است که تأثیری هدایتگرانه دارد.

نکته مهم این است که این جزوه طرح درس، فقط محتوا و روش تدریس را ارائه می‌دهد و این خلاقیت معلم است که در کنار آن، برای جذاب‌شدن کلاس، از امکانات شنیداری و دیداری مثل پاورپوینت، فیلم، عکس، و... استفاده کند.

توجه فرمایید که اگر معلم در حین اجرای تدریس، با اشکالاتی مواجه شود، باید آن‌ها را به واحد تفسیر و حدیث دارالقرآن منعکس کند.



درس اوّل تدبیر سورۀ فیل

مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن درس: اول موضوع: تدبیر در سوره فیل مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
هدف کلی	آشنایی فراگیر با تدبیر در سوره فیل	
اهداف جزئی	۱. با فضای سوره فیل آشنا شود؛ ۲. جهت هدایتی سوره فیل را یاد بگیرد؛ ۳. فهم ساده و پیوسته‌ای از آیات به دست آورد؛ ۴. برداشت‌های نادرست فراگیر از سوره، تصحیح شود؛ ۵. با نمونه‌ای عینی از سوره آشنا شود؛ ۶. علاقه به فهم هرچه بیشتر سوره‌ها در او تقویت شود.	
اهداف رفتاری	پس از پایان آموزش، از فراگیر انتظار می‌رود، با توجه به مطالب مطرح شده در کلاس بتواند: ۱. سوره را از حفظ قرائت کند؛ ۲. فضای سوره را بیان کند؛ ۳. جهت هدایتی سوره را بیان کند؛ ۴. فهم ساده و پیوسته‌ای از آیات را بیان کند؛ ۵. بتواند نمونه‌ای عینی از آموزه‌های سوره که توسط معلم بیان شده است، ارائه دهد.	
روش تدریس	فعال (تدریس کارگاهی)	
وسایل کمک آموزشی	تابلوی آموزشی، جزوه معلم، جزوه فراگیر، پاورپوینت و فیلم.	
تعیین رفتار ورودی	۱. فراگیر قبل از تدریس این جلسه باید: با تدبیر در سوره‌ها آشنا باشد. اگر جلسه اول است، تعریفی ساده از تدبیر ارائه می‌شود؛ ۲. با ترجمه قرآن آشنا باشد؛ ۳. چندین بار سوره را قرائت کرده باشد.	
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰



ایجاد انگیزه	دشمنان اسلام، خودشان را خیلی ابرقدرت به حساب می‌آورند و دوست دارند همه، تحت فرمان آن‌ها باشند و از آن‌ها حساب ببرند. به دیگران به خصوص مسلمانان زور می‌گویند و چون خود را ابرقدرت می‌دانند، فکر می‌کنند که هر کار بخواهند، می‌توانند علیه اسلام و مسلمانان انجام بدهند و هیچ‌کس هم جلودار آن‌ها نیست. آیا واقعاً هیچ چیز جلودار آن‌ها نیست؟! ارزشیابی مستمر: آیا تا حالا افرادی را دیده‌اید که در ظاهر ضعیف بوده‌اند، اما در برابر افراد قدرتمندی پیروز شده‌اند که اصلاً احساس شکست نمی‌کردند؟! فراگیر با مثال‌های متفاوت پاسخ می‌دهد. ارزشیابی مستمر: چه چیز باعث شکست این قدرتمندان و پیروزی این ضعیفان، شده است؟	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin: 10px 0;"> نام سوره: فیل همزه، فیل (۵)، قریش جایگاه در مصحف: مکان نزول: مکه سال نزول: اول تعداد آیات: ۵ </div> ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم: <div style="display: flex; align-items: center; margin: 10px 0;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-right: 10px;"> بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ </div> <div style="margin-right: 10px;"> ۱) اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۲) اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ ۳) وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۴) تَرْمِثُهُمْ جِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ۵) فَجَعَلْنَاهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ </div> </div> ۴. براساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم: به نام خداوند بخشنده مهربان مگر نمی‌دانی که پروردگارت با لشکر فیل سوار ابرهه چه کرد؟ (۱) آیا نقشه و نیرنگ آن‌ها را که برای ویران کردن کعبه آمده بودند، بی‌اثر نکرد؟! (۲) دسته‌دسته پرنده‌گانی را فرستاد تا آن‌ها را هدف بگیرند. (۳) پرنده‌گان بر سر آن‌ها سنگریزه‌های مرگ‌بار می‌انداختند. (۴) و سرانجام، همه را مثل کاه نیم‌جویده، متلاشی کرد. (۵) ۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم؛ فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:	۳۰

باتوجه به اینکه این سوره مکی بوده و از سوره‌هایی است که در اوایل بعثت پیامبر ﷺ نازل شده است، فضای نزول سوره، فضای فشار و تنگنا و محدودیت و آزار و اذیت پیامبر ﷺ و یارانش است که از لحاظ امکانات و تعداد، در اقلیت بودند. این درحالی بود که مشرکان از نظر امکانات و تعداد، با پیامبر ﷺ و یارانش قیاس شدنی نبودند و دشمنی‌های خود را علیه پیامبر ﷺ تازه شروع کرده بودند. آن‌ها مانند ابرقدرت‌های شکست‌ناپذیر در برابر اسلام صف‌آرایی کرده و از هر راهی استفاده می‌کردند تا ندای اسلام و آورنده‌اش را خاموش کنند و برای رسیدن به این هدف از هیچ کاری دریغ نمی‌کردند؛ از طرفی، رسول اکرم ﷺ و همراهانش، توان ظاهری مقابله با این دشمنان قدرتمند را نداشتند و این نابرابری می‌توانست باعث ضعف حق‌مداران و تقویت باطل‌گرایان شود.

خداوند در این سوره برای تقویت پیامبر ﷺ و همراهان ایشان و تهدید مشرکان، ماجرای اصحاب فیل را به‌عنوان نمونه‌ای برای یادآوری قدرت خدا در شکست دشمنان ابرقدرت بیان می‌کند. داستان اصحاب فیل از این قرار است: صدها سال پیش در یمن، پادشاهی به نام ابرهه حکومت می‌کرد که بسیار خودخواه و مغرور بود. او دلش می‌خواست بر شهرهای بیشتری حکومت داشته باشد. یکی از این شهرها مکه بود که از یک طرف، شهرت اقتصادی و دینی داشت و از طرف دیگر، قبیله معروف آن، یعنی قریش، از راه تجارت با شمال و جنوب ثروت زیادی به دست آورده بود. این دو، همیشه حسادت آن پادشاه مغرور را برمی‌انگیخت.

ابرهه از اینکه می‌دید مردم گروه‌گروه از همه شهرها، حتی یمن برای زیارت کعبه به مکه می‌روند، بسیار ناراحت بود. او دلش نمی‌خواست چنین مرکز اقتصادی و مذهبی، خارج از قلمرو حکومتی او باشد؛ به همین دلیل، تصمیم گرفت مردم را از رفتن به مکه و زیارت خانه خدا منصرف کرده و آنان را به سوی سرزمین خودش جذب کند. برای این منظور، دستور داد عبادتگاهی بسیار زیبا و باشکوه بسازند و از همه مردم خواست تا به زیارت عبادتگاه او بروند و از زیارت خانه کعبه دست بردارند! ابرهه فکر می‌کرد با این کار مردم به سوی یمن می‌آیند؛ ولی با تعجب دید که نه تنها مردم سایر شهرها، بلکه مردم یمن هم به عبادتگاه او اعتنایی ندارند و به سوی مکه رهسپار می‌شوند؛ بنابراین تصمیم گرفت خانه خدا را ویران کند تا دیگر کسی به یاد زیارت کعبه نیفتد و همه، عبادتگاه او را قبله خود قرار دهند. از این رو با تجهیزات نظامی که آن روز شاید در نوع خودش بی‌نظیر بود، همراه با سپاهی که بر فیل‌ها سوار بودند، به سوی مکه حرکت کرد تا کعبه را ویران کند.

۳۰

ارائه درس

۱۶

آنچه عجیب است، این است که ابرهه برای این سپاه از اسب و شتر استفاده نکرد! او با فیل لشکرکشی کرد تا قدرت‌نمایی تمام‌عیاری را نشان دهد و دیگران با دیدن این حیوان عظیم‌الجثه فرار را برقرار ترجیح دهند؛ اما خداوند در مقابل، با گروهی از پرنده‌گان آن‌ها را نابود کرد.

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:

در چنین فضایی که دشمنان پیامبر ﷺ قدرت‌نمایی می‌کردند، صدای مبارک وحی این فضا را در هم شکست و سوره مبارکه فیل نازل شد. در این سوره، با اشاره به واقعه تاریخی حمله ابرهه برای نابودکردن کعبه و نحوه نابودی او با امدادهای الهی، خداوند دوباره قدرت خود را به پیامبر ﷺ یادآوری کرد تا ایشان نگران نباشند؛ زیرا خداوند از دین خود حفاظت می‌کند. با این توضیحات، جهت هدایتی سوره، عبارت است از:

قدرت‌نمایی خداوند در شکست ابرقدرت‌ها برای تقویت رسول خدا ﷺ

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهّم متن را ارائه می‌دهیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره مبارکه فیل، خطاب به رسول اکرم ﷺ و به منظور تقویت ایشان در مقابل ابرقدرت‌ها نازل شده است؛ از این رو در آیه نخست، این مهم را به رسول اکرم ﷺ یادآوری می‌کند که: «آیا ندیدی پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟!»

﴿ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴾

نکته‌ای که در اینجا به چشم می‌خورد، این است که به جای اینکه به پیامبر اکرم ﷺ خبر چنین واقعه‌ای را بدهد، از او سؤال می‌کند: «آیا ندیده‌ای؟!» گویا می‌خواهد خود پیامبر ﷺ هم اقرار کنند که چنین واقعه‌ای اتفاق افتاده و در جواب بگویند: «بله قبول دارم، خداوند این کار را انجام داده است!»

معلم در این زمینه می‌تواند با مثالی ملموس، تفاوت این نوع سؤال را با بیان اخباری آن به فراگیر تفهیم کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، آیه، خطاب به حضرت رسول ﷺ است؛ اما از آنجاکه حضرت رسول ﷺ در سال وقوع آن اتفاق (عام الفیل)، تازه به دنیا آمده بودند، امکان دیدن آن واقعه برای ایشان فراهم نبوده است و مشخصاً منظور از «أَلَمْ تَرَ» در آیه، دیدن آثار و بقایای آن واقعه است.

ارائه درس

۳۰

۱۷

واضح است که همه از جریان این قصه باخبر بودند و وقتی این سوره نازل شد، یک نفر هم نگفت قصهٔ اصحاب فیل چیست؟ در اینجا نیز معلم می‌تواند از فراگیر سؤال کند: «با اینکه پیامبر ﷺ نمی‌توانسته‌اند این حادثه را دیده باشند، چرا از ایشان سؤال می‌شود؟!» در واقع هدف از این سؤال، ایجاد انگیزه در فراگیر است تا به جواب آن گوش کند؛ نه اینکه حتماً جواب صحیح سؤال را بگوید. عبارت «أَصْحَابِ الْفِيلِ» در آیهٔ اول، نشان می‌دهد که این هجوم‌آوردگان، به تنهایی قدرت نداشته و فقط به این دلیل که در کنار و همراه فیل، یعنی مظهر قدرت قرار گرفته بودند، احساس افتخار و قدرت می‌کردند.

توجه: در این آیه، به صورت کلی بیان شده که خداوند بلایی سر اصحاب فیل آورده است؛ چراکه گفته است: «کیف فعل؛ چگونه انجام داد؟!»، اما اینکه چگونه و چه کاری با آن‌ها انجام داد، در آیات بعد توضیح داده شده است.

در اولین گام، از بی نتیجه ماندن نیرنگ آن‌ها در این واقعه خبر می‌دهد و می‌فرماید: «أَيَّا نَقْشَةَ أَنْهَارٍ دَرَّ غَمْرَاهِي قَرَارٌ نَدَادُ»؛ ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ وقتی نقشه‌ای در گمراهی قرار می‌گیرد، به این معناست که برای رهایی از بن بست که به آن گرفتار شده‌اند، هیچ راهی ندارند و در واقع نقشهٔ آن‌ها نقش بر آب می‌شود.

ارزشیابی مستمر: قرار گرفتن کید، در گمراهی یعنی چه؟

ارزشیابی مستمر: کید اصحاب فیل چه بود؟

هدف آن‌ها این بود که اثری از کعبه باقی نماند؛ اما خدا کاری کرد که نه تنها مکه از رونق نیفتاد، بلکه اثرش همیشه در دل‌ها و ذهن‌ها باقی ماند.

در آیات بعد، خداوند قصه را بازتر کرده و چگونگی نابودی اصحاب فیل را به تصویر کشیده است؛ از این رو در آیهٔ سوم به این نکته اشاره می‌کند که لشکریان الهی در این نبرد، پزندگانی بودند که گروه‌گروه فرستاده می‌شدند: ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾^۲

ارزشیابی مستمر: لشکریان خدا در نبرد با اصحاب فیل چه بودند؟

ارزشیابی مستمر: منظور از ابابیل چیست؟

باید دانست که منظور از ابابیل در آیه، برخلاف آنچه در میان مردم مشهور شده است، نام پرنده‌ای خاص نیست؛ درحقیقت «ابابیل» توصیفی از نحوهٔ ارسال پزندگان است که اشاره به گروهی بودن آن‌ها دارد.

ارزشیابی مستمر: اسلحهٔ این پزندگان چه بود؟

آیهٔ چهارم، از اسلحهٔ این پزندگان سخن به میان آورده و اشاره می‌کند که آن‌ها سنگ‌هایی از جنس گِل (کلوخ) را باهدف، بر سر همراهان فیل‌ها می‌افکندند: ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ آن چنان که هر سنگ‌ریزه‌ای به هر سربازی می‌خورد، دردم، جان می‌سپرد!

آیهٔ پنجم که آخرین فراز این سوره و واقعه است، صحنهٔ نابودی اصحاب فیل را نشان می‌دهد: پزندگان، آن‌ها را نشانه گرفته و با کلوخ به آن‌ها می‌زدند؛ در نتیجه، خدا آن‌ها را همچون کاه جویده شده متلاشی کرد: ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾^۳؛ یعنی از آن‌ها هیچ چیز باقی نماند.

ارزشیابی مستمر: اصحاب فیل بعد از حملهٔ پزندگان با سنگ، به چه عاقبتی گرفتار شدند؟

اینکه خدا در برابر اصحاب فیل، از پزندگان استفاده کرد، از یک سو قدرت خدا را می‌رساند و از سویی دیگر اصحاب فیل را تحقیر می‌کند. آن‌ها می‌خواستند با سپاه فیل قدرت نمایی کنند؛ اما خدا می‌خواهد با فرستادن پزندگان نشان دهد که لازم نیست برای مقابله با اصحاب فیل، مانند آنان با فیل لشکرکشی کرد. خدا به دسته‌هایی از پزندگان دستور می‌دهد که بروند کار آن‌ها را تمام و تارومارشان کنند تا نشان دهد، آن‌ها چیزی نیستند و حساب کار، دست آن‌هایی بیاید که فکر می‌کنند با فیل کشی و لشکرکشی و ابزار و تجهیزات پیشرفته می‌توانند دین خدا را دچار خطر کنند!

اگر خدا بخواهد از دین خود و خانهٔ کعبه محافظت کند، دشمنان با سپاه فیل که هیچ، با بزرگ‌تر از آن هم، نمی‌توانند کاری بکنند. این واقعه که به شکل اعجاز‌آمیزی اتفاق افتاده است و همگان آن را باور کرده‌اند، سمبلی است برای به تصویر کشیدن يك حقیقت و آن، اینکه خدای متعال از دین خود در برابر دشمنان محافظت می‌کند و هیچ‌کس با هیچ قدرتی، توان مقابله با او را ندارد.

معلم در پایان می‌تواند یک نمونهٔ عینی شکست ابرقدرت‌ها در عصر حاضر، مانند واقعهٔ صحرای طبس را تعریف کند: خدا هواپیمای پیشرفتهٔ آمریکا و این همه کید برای نابودی انقلاب را با یک طوفان شن، نابود کرد؛ همچنین می‌تواند به‌طور کلی بیان کند که نباید از افراد به‌خاطر تهدیدی که به دلیل قدرت و امکاناتشان احساس می‌شود، هراسید؛ بلکه باید قوی و امیدوار بود و در مقابل آنان ایستادگی کرد؛ چراکه خدا شکست آن‌ها را حتمی کرده است.

ارائهٔ درس

ارائهٔ درس

۱. فیل، ۲.

۲. فیل، ۳.

۱. فیل، ۴.

۲. فیل، ۵.

	<p>امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «اگر هیچ‌کس نتواند ابرقدرتی را شکست دهد، خداوند خود بر او (آن ابرقدرت) قادر است و شکستش می‌دهد.»^۱</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>
<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس، با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>
<p>۸</p>	<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. باتوجه به آیات سوره فیل، فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. چرا خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَلَمْ تَرَ؟» (حیطه شناختی) ۴. خدا چگونه اصحاب فیل را شکست داد؟ (حیطه شناختی) ۵. منظور از «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ» چیست؟ (حیطه عاطفی) ۶. منظور از «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۷. پرندگان، اصحاب سپاه فیل را با چه زدند؟ (حیطه شناختی) ۸. سوره فیل، چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) ۹. آیا دوست دارید تدبیر در سوره فیل را به دوستان خود یاد دهید؟ (حیطه عاطفی) ۱۰. علاقه مندهستید باز هم تدبیریک سوره دیگر را برایتان بگوییم؟ (حیطه عاطفی) ۱۱. نظرتان درباره سوره فیل چیست؟ (حیطه عاطفی) ۱۲. مؤمنان باید، در برابر دشمنان ابرقدرت چه کاری انجام دهند؟ (حیطه عملکرد) 	<p>ارزشیابی پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>از فراگیر خواسته می‌شود درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد. در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>
	<p>باتوجه به اینکه در این سوره از حیوانی به نام فیل سخن به میان آمده است، شاید فراگیران به ویژه نوآموزان، سؤال کنند: «آیا خداوند فیل‌ها را هم نابود کرد؟» یا اینکه بپرسند: «فیل‌ها چه گناهی داشتند که هلاک شوند؟» شما در این باره، نهایت چیزی که سوره بیان کرده است، می‌گویید. سوره از نابودی سپاه فیل و افرادی که به قصد نابودی کعبه آمده بودند، صحبت می‌کند؛ اما به طور مستقیم حرفی از نابودی فیل‌ها نمی‌زند.</p>	<p>بایسته‌ها برای مربی</p>

درس دوم تدبیر سوره قریش

مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن درس: دوم مقطع تحصیلی: نهم ابتدایی تا چهارم دبیرستان موضوع: تدبیر در سوره قریب تعداد فراگیران: ۳۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: دانش‌آموزان عزیز! بعضی از مردم، در کشورهای زندگی می‌کنند که امنیت ندارند و دشمنان هر لحظه ممکن است به آن‌ها حمله کنند. می‌توانید مثال بزنید؟ خانم اجازه، مثل مردم فلسطین که کشورشان را اسرائیل اشغال کرده است. بله عزیزم، درست است؛ آن‌ها هر لحظه ممکن است بمباران شوند. ارزشیابی مستمر: بعضی از مردم هم در کشورهای فقیر، در وضعیت سختی زندگی می‌کنند که حتی تهیه غذایی کم نیز برایشان سخت است. باز هم می‌توانید مثال بزنید؟ مثل مردم سومالی. ارزشیابی مستمر: به نظر شما وظیفه ما، در برابر نعمت‌های فراوانی که خدا به ما داده است، چیست؟ باید خدا را شکر کنیم و قدر نعمت‌های او را بدانیم. ارزشیابی مستمر: به نظر شما یکی از راه‌های خوب شکر نعمت‌های خدا چیست؟ ممکن است فراگیر در پاسخ بگوید: «درست استفاده کردن از نعمت‌ها.» خوب، حال باید ببینیم سوره قریب چه راهی را بیان می‌کند.	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: قریب جایگاه در مصحف: فیل، قریب (۱۰۶)، ماعون نام قبیله پیامبر (ﷺ): قریب سال نزول: سال نزول؛ اول یا دوم تعداد آیات: ۴ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (۱) لِإِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الْغَوَامِ وَالصِّيفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ الَّذِي وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)	۳۰



<p>۴. براساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم:</p> <p>به نام خداوند بخشنده مهربان</p> <p>به خاطر دوستی و اتحادی که خدا در میان قریب به وجود آورده است (۱) و به خاطر همبستگی و الفتی که در سفرهای تجاری تابستانی و زمستانی میان آن‌ها به وجود آورده است، (۲) باید خداوند این خانه، کعبه را ستایش کنند. (۳) همان خدایی که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از بیم دشمن آزاد کرد و آسوده خاطر ساخت. (۴).</p> <p>۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم؛ فضا بهتر است، به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده، آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:</p> <p>سوره قریب از سوره‌هایی است که در اوایل بعثت پیامبر اکرم (ﷺ) و در مکه بر ایشان نازل شد؛ یعنی در اوج فضای شرک و بت پرستی که پیامبر (ﷺ) تازه دعوت خود را آغاز کرده بود و قریشیان نیز به هیچ وجه زیر بار سخنان رسول اکرم (ﷺ) نرفته بودند و دشمنی‌های خود را علیه پیامبر (ﷺ) آغاز کرده بودند.</p> <p>آن‌ها با وجود اینکه همه، خویشاوندان پیامبر (ﷺ) بودند، در دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ﷺ) چیزی کم نگذاشتند و از تمام امکانات و قدرت خود علیه آن حضرت (ﷺ) استفاده کردند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: به نظر شما چرا قریب این قدر با پیامبر اکرم (ﷺ) دشمنی کرده و ایشان را اذیت می‌کردند؟ مگر پیامبر (ﷺ) به آن‌ها بدی کرده بودند؟ پیامبر (ﷺ) کار بدی نکرده بودند؛ اما چون قبیله قریب بت پرست بودند و پیامبر (ﷺ) می‌خواستند که خداپرست بشوند، آن‌ها این بزرگوار (ﷺ) را اذیت می‌کردند. آری، تنها به خاطر اینکه پیامبر (ﷺ) از آن‌ها می‌خواستند، فقط خدای یگانه را عبادت کنند، با ایشان (ﷺ) دشمنی می‌کردند!</p> <p>ارزشیابی مستمر: قبیله قریب کجا زندگی می‌کردند؟ قریب، قدرتمندترین قبیله شهر مکه بودند و در کنار خانه خدا زندگی می‌کردند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: کسی می‌تواند درباره شهر مکه توضیح دهد؟ قبیله قریب، طایفه حاکم بر شهر مکه بودند و در منطقه حرم و در مجاورت بیت‌الله الحرام زندگی می‌کردند. تقریباً تمام موقعیت‌های حیاتی شهر مکه در اختیار این قبیله بود که از نمونه‌های مهم آن‌ها می‌توان از پرده‌داری و مسئولیت خانه خدا نام برد. تمام نقاط اصلی و کانون‌های قدرت و ثروت، در اختیار آن‌ها بود. قریب در شرایطی در شهر مکه سکونت داشتند که این شهر، اساساً یک شهر بی‌آب و علف بود و زمین حاصلخیزی برای کشاورزی و کشت و برداشت در آن وجود نداشت. از آن طرف، قریشیان به دلیل شهرنشینی، دامدار هم نبودند؛ چراکه دامداری مخصوص بیابان‌گردها و اعراب بادیه‌نشین بود. واضح است که در چنین شهری، تنها زمینه موجود برای کار، تجارت و بازرگانی است.</p>	ارائه درس	۳۰
--	-----------	----



خداوند حکیم به سبب وجود خانه کعبه، به شهر مکه، قداست و امنیت و به قریشیان محبوبیت و الفت هدیه کرده بود؛ در نتیجه مسافران زیادی به قصد زیارت به آنجا می آمدند و همین امر موجب شده بود که مبادلات تجاری با مسافران، شغل مهم و پردرآمد قریشیان باشد؛ همچنین زمینه ای برای سفرهای بازرگانی ایشان فراهم شده بود که زمستان ها به یمن و تابستان ها به شام سفر می کردند. هنگام سفرهای تجاریشان، به برکت خانه خدا، مردم به قریشیان احترام می گذاشتند؛ همه به استقبال کاروان آن ها می رفتند و می گفتند: «این ها از مکه می آیند، این ها همسایه خانه خدایند، این ها پرده داران کعبه اند.» به علاوه به خاطر وجود خانه خدا، راهزنان در مسافرت ها جلوی آن ها را نمی گرفتند و از آن ناحیه هم امنیت داشتند.

ماجرای اصحاب فیل و شکست سخت سپاه ابرهه نیز باعث شد، مکه تمام توجهات را به سوی خود جلب کند؛ خانه کعبه احترامی خاص یافت و قبیله قریش و مردم مکه توجه و احترام شهرهای دیگر را به خود جلب کردند.

قریش از این مسئله، برای خود بهره برداری زیادی کرد؛ از این رو تجارت و بازرگانی آنان، در حدّ اعلاى خود رشد کرد و رونق خوبی گرفت و همین رفت و آمدها، عملاً موجب شده بود که یک قدرت اقتصادی برای طایفه قریش شکل بگیرد. از طریق درآمدی که از تجارت کسب می کردند، هم رزق و روزی آنان تأمین می شد و هم از میزان مفاسد اجتماعی، نظیر قتل و غارت و تجاوز به حقوق دیگران کاسته می شد.

ارزشیابی مستمر: چرا تجارت قریش پررونق بود؟

ارزشیابی مستمر: به نظر شما، مردم قریش به خاطر شکر این همه ناز و نعمت که به برکت خانه کعبه نصیبشان شده بود، باید چه کاری انجام می دادند؟

قریشیان نباید لحظه ای از عبادت خداوندی که این نعمت ها را به آنان بخشیده بود، کوتاهی می کردند؛ اما متأسفانه با کمال بی انصافی، قدر این همه نعمت را ندانستند و عبادت بت ها را بر پرستش خدای یکتا ترجیح دادند و ناسپاسی را به جایی رساندند که خانه مقدس کعبه را به بتخانه تبدیل کردند.

آن ها رسول خدا ﷺ را نیز تحت فشار قرار داده و به شکل های گوناگون اذیت می کردند؛ فقط به خاطر اینکه حضرت رسول ﷺ از آن ها خواسته بودند خدای یگانه ای که این همه نعمت به آن ها داده است را پرستند و بت پرستی نکنند!

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می نویسیم:

در چنین وضعیتی، خداوند سوره قریش را نازل کرد و قریشی را که این قدر در مقابل دعوت پیامبر ﷺ سرسختی می کرد، به ندای وجدانش دعوت کرد تا حداقل به خاطر شکر نعمت ها، پروردگار خانه کعبه را عبادت کنند؛ از این رو به آن ها نعمت های ویژه ای را که داده بود، یادآوری کرد: نعمت اُنس و الفت درون قبیله ای قریش

نعمت اُنس و الفت آن ها با دیگر قبائل، نعمت های اقتصادی و نجات از گرسنگی و نعمت عزت و احترام و امنیت. خداوند این نعمت ها را یادآوری کرد تا قبیله قریش از خواب غفلت بیدار شوند و وجدان خود را قاضی کنند که آیا این نعمت ها را به دلیل شایستگی خود به دست آورده اند یا از طریق دیگری حمایت شده اند؟! با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:

دعوت به عبادت پروردگار به منظور شکرگزاری

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می شود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیات سوره مبارکه قریش، همه از نظر معنایی به هم پیوسته اند. آیه نخست این گونه شروع شده است: برای اُنس و الفت قریش: ﴿لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ﴾. این عبارت معنای کاملی ندارد؛ مثلاً وقتی می گوییم: «علی به مدرسه...»، هنوز منتظریم که جمله ادامه یابد و گفته شود «علی به مدرسه رفت» تا معنا کامل شود. در اینجا نیز آیه سوم به ما کمک می کند تا معنای آن را کامل کنیم و معنای این گونه می شود که «ای قوم قریش! پروردگار را عبادت کنید؛ به خاطر اُنس و الفتی که میان شما به وجود آورد.»

ارزشیابی مستمر: اولین نعمتی که خداوند برای قریش بیان می کند، چیست؟ نعمت اُنس و الفت و اتحاد.

ارزشیابی مستمر: معنای آیه اول با کدام آیه کامل می شد؟

در آیه بعد بیان می کند که قبیله قریش، نه تنها در میان خود صمیمیت و اتحاد داشتند، بلکه در سفرهای زمستانی و تابستانی شان، با دیگران نیز الفت و صمیمیت داشتند: ﴿إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾^۱ که در نتیجه آن، معیشت خود را فراهم می کردند. این نعمت اُنس و الفت که به سبب ربّ کعبه به آن ها داده شده بود، باعث اتحاد و استحکام قبیله قریش شد و به خاطر هم جواری با خانه خدا، دیگران در مسافرت های تجاری، به آن ها احترام می گذاشتند؛ از این رو بین آن ها و مردم دیگر الفت برقرار می شد.

ارزشیابی مستمر: چرا در سفرهای تجاری، قریش توانست با دیگران اُنس پیدا کند و آن ها احترامشان کنند؟

آیه سوم که در آن به پرستش پروردگار خانه کعبه امر شده است: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾^۲ نتیجه دو آیه قبل را بیان کرده است؛ بدین معنا که به شکرانه

ارائه درس

۱. قریش، ۱.
۲. قریش، ۲.
۳. قریش، ۳.

ارائه درس

۳۰	<p>در برابرشان کرنش و تشکر می‌کنید. بندگان، در تمام لحظات بر سر سفره خداوند نشسته‌اند و هر چه دارند از خداست: وجود، سرمایه، امنیت، سلامتی، خوراک، پوشاک و... همه را خداوند ارزانی کرده است. آیا تشکر از چنین کریمی، لازم و واجب نیست؟! خداوند، کریمی است که همه چیز را بی‌ممت عنایت کرده است. پزشک از شما توقع پول دارد، میزبان بشری هم معمولاً انتظار جبران دارد؛ ولی خداوند تمام نعمت‌ها را به انسان داده است، بدون آنکه توقع جبران داشته باشد! آیا عقل بشر به تشکر از چنین خدایی دستور نمی‌دهد؟! </p>	ارائه درس
	<p>امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> فرموده‌اند: «گروهی به انگیزه دستیابی به منافع اخروی و بهشت، خدا را می‌پرستند؛ این شکل عبادت‌کردن، عبادت تجار و بازرگانان است که هدفشان سودجویی است. گروهی دیگر به انگیزه ترس از عذاب و جهنم، خدا را عبادت می‌کنند؛ این هم عبادت بردگان است. گروهی هم به انگیزه شکر و سپاس از نعمت‌های فراوان الهی، خداوند را عبادت می‌کنند که این، عبادت آزاد مردان است.»^۱</p>	بیان حدیثی مناسب با موضوع درس
۵	<p>معلم به منظور تثبیت درس، باتأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.</p>	خلاصه کردن درس
۸	<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. با توجه به آیات، فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. منظور از ﴿لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ﴾ چیست؟ (حیطه شناختی) ۴. منظور از ﴿إِلَّا فِيهِمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ چیست؟ (حیطه شناختی) ۵. قریش چگونه باید شکر نعمت ایلاف را به جا آورد؟ (حیطه شناختی) ۶. منظور از ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾ چیست؟ (حیطه شناختی) ۷. عبارت قرآنی ﴿أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ به چه نعمتی اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۸. عبارت قرآنی ﴿أَمْتَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ به چه نعمتی اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۹. نعمت‌های داده شده به قریش را نام ببرید؟ (حیطه شناختی) ۱۰. کدام آیه به نعمت انس و الفت اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۱. کدام آیه به نعمت عزت و احترام اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۲. کدام آیه به نعمت غذا اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۳. کدام آیه به نعمت امنیت و آرامش اشاره دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۴. سوره قریش، چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۵. چگونه باید شکر نعمت‌های خدا را به جا آوریم؟ (حیطه عملکرد) ۱۶. از نعمت‌های مهمی که در اطرافتان وجود دارد، چند نمونه را نام ببرید. (حیطه شناختی) 	ارزشیابی پایان درس

۳۰	<p>نعمت اُلفت درون قبیله‌ای و بیرونی، باید پروردگاران این خانه را عبادت کنند؛ چراکه اگر ربّ این خانه نبود، نه درون قبیله خودتان اتحاد و صمیمیت شکل می‌گرفت و نه می‌توانستید در مسافرت‌های تجاری موفق باشید و دیگران با شما همراهی کنند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: وظیفه قریش در قبال نعمت انس و اُلفت درون قبیله و بیرون قبیله چیست؟</p> <p>فراگیر با توجه به آیه ۳ و توضیحات معلم، پاسخ می‌دهد.</p> <p>آیه پایانی از یک طرف، «ربّ» را در آیه سوم توصیف می‌کند و از طرفی دو نعمت دیگر را یادآوری می‌کند که پروردگار خانه کعبه به قریش ارزانی کرده است: یکی، نعمت غذا و نجات از گرسنگی: ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ همان‌طور که گفتیم، مکه سرزمینی بی‌آب و علف بود و اگر به واسطه خانه خدا و زیارت این خانه و در نتیجه، تجارت‌های درون مکه با زائران و تجارت‌های بیرون مکه با شهرهای یمن و شام نبود، مردم این شهر از گرسنگی مرده بودند.</p> <p>نعمت دیگر، نعمت امنیت از هر چیزی است که موجب ترس است: ﴿وَأَمْتَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾؛ در حالی که در اطراف مکه و شهرهای دیگر قتل و غارت صورت می‌گرفت و ترس در همه جا حکم فرما بود، کسی جرأت نداشت با وجود خانه خدا به خصوص بعد از ماجرای اصحاب فیل، به مکه حمله کند و در مسافرت‌ها نیز راهزنان به خاطر هم‌جواری قریشیان با خانه خدا به آن‌ها حمله نمی‌کردند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: آیه آخر، بیان‌کننده کدام نعمت‌ها است؟</p> <p>باید به این نکته توجه کرد که عبارات «من جوع» و «من خوف» بیانگر این است که در آن زمان و مکان، موقعیتی فراگیر از گرسنگی (جوع) و ناامنی (خوف) وجود داشته است که پروردگار با منت نهادن بر قریشیان، در شرایط گرسنگی، آنان را سیر کرد و در فضای ناامن، امنیت بخشید.</p> <p>ارزشیابی مستمر: از عبارت «من جوع» و «من خوف» چه چیز را می‌فهمیم؟</p> <p>ارزشیابی مستمر: آیا این سوره، فقط مخصوص قریش است؟ برای دیگران چه پیامی دارد؟</p> <p>هر چند که قریش و مجاوران خانه خدا به طور محسوس‌تری مشمول منت خداوندند، ولی مگر انسان‌های دیگر مشمول لطف و منت کسی جز خدا هستند؟! همه ما باید به شکرانه بهره‌مندی از نعمت‌های مهمی همچون اتحاد، صمیمیت، امنیت، رفاه و آسایش، در برابر پروردگارمان سر تسلیم فرود آوریم و اگر کسی یا گروهی مانند قریش یا مجاوران خانه خدا، از نعمت بیشتری بهره‌مند است، باید در عبادت و بندگی ولی نعمتش بیشتر سعی کند؛ نه اینکه غافل شود و دیگران را با او شریک قرار دهد.</p> <p>اگر یک وعده مهمان کسی باشید یا پزشکی، به مداوای بیمار شما کم کند و او از مرگ نجات یابد، تا آخر عمر خود را مدیون آن‌ها می‌دانید و هر وقت ایشان را ببینید؛</p>	ارائه درس
----	--	-----------

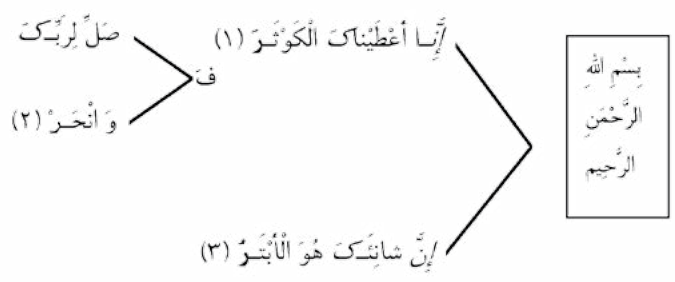
۱. قریش، ۴.
۲. قریش، ۴.

۸	<p>۱۷. چه کسی دوست دارد، داستان سوره قریش را تعریف کند؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۸. آیا دوست دارید، چیزهایی که درباره سوره قریش یاد گرفتید، برای دوستانتان هم تعریف کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۹. آیا سوره قریش، مخصوص مردم مکه است؟ (حیطه شناختی)</p>	ارزشیابی پایان درس
۱	برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبرانه انجام می شود.	قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس
۱	از فراگیر خواسته می شود، درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می شود، سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه ای آسان و روان از آن را فرا گیرد. در پایان، خدا قوت می گوییم و خداحافظی می کنیم.	تعیین تکلیف برای جلسه بعد
۱	معلم باید تلاش کند که دو نعمت رفاه و امنیت را با مثال برای فراگیران تبیین کند.	بایسته ها برای مربی

درس سوم تدبر سوره کوثر



مشخصات کلی	نام درس: تدریس در قرآن درس: سوم مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: در طول تاریخ دشمنان و بدخواهان حضرت محمد ﷺ اهانت‌های زیادی به شخصیت نورانی پیامبر مهربانانه کرده‌اند. به نظر شما، علت اصلی این توهین‌ها و جسارت‌ها چیست؟ آیا جز این نیست که با این توهین‌ها، در واقع کینه و دشمنی خود را در خصوص گسترش روزافزون نام و یاد پیامبر اعظم ﷺ در سراسر جهان، نشان می‌دهند؟ آیا نشان دهنده ترس شدید آن‌ها از گسترش اسلام و نفوذ آن به قلوب مردم جهان نیست؟ اگر این ترس از گسترش اسلام و نام پیامبر ﷺ نیست، چه دلیلی دارد، به پیامبر ﷺ که الگویی خوب برای همهٔ جهانیان و رحمتی برای همهٔ آن‌هاست، این قدر توهین کنند؟ آری، آنان تا زمانی که از سوی اسلام احساس خطر می‌کنند، دست از اهانت به ساحت مقدس این دین مبین و نبی اکرم ﷺ بر نمی‌دارند. به نظر شما چرا با توجه به اینکه همهٔ دشمنان اسلام سعی می‌کنند دین اسلام، دین پیامبر عزیزمان ﷺ را از بین ببرند؛ همچنین با توهین به ایشان می‌خواهند یاد و نامی از ایشان باقی نماند، اما روز به روز دین اسلام و نام و یاد ایشان گسترش می‌یابد؟ چرا راه و نام و یاد دشمنان اسلام هرگز در طول تاریخ جریان پیدا نکرده، اما راه پیامبر ﷺ و نام او، این همه جریان یافته است؟ آری، به رغم دشمنی بدخواهان، این اراده و وعدهٔ حتمی الهی است که نور و رحمت پیامبر خاتم ﷺ و دین اسلام، برخلاف ارادهٔ مستکبران، تمام عالم را فرا خواهد گرفت.	۵
ارائهٔ درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسهٔ سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: 	۳۰

	<p>۴. بر اساس ترجمهٔ آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم:</p> <p>به نام خداوند بخشندهٔ مهربان</p> <p>ای پیامبر ﷺ! ما به تو خیر بسیار و برکت فراوان و نسلی پر بار بخشیده‌ایم؛ (۱) پس برای خشنودی پرودگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲) بی‌تردید تویی فرزند نیستی؛ بلکه دشمن تو نسل بریده و بدون خیر و بی‌سرانجام خواهی بود. (۳)</p> <p>۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم: فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:</p> <p>این سوره در وضعیت و فضایی نازل شد که کافران و دشمنان رسول که تعدادشان هم زیاد بود، خود را نیرومند می‌دانستند و دعوت و شریعت او را مخالف عقاید جاهلی خود می‌دیدند. آنان با تمام فشارها و اذیت‌های خود علیه پیامبر ﷺ و یاران اندکش امیدوار بودند و پیش‌بینی می‌کردند که دعوت و نام آن حضرت چندان دوام نمی‌آورد و از میان می‌رود.</p> <p>بعد از آنکه پسران پیامبر ﷺ به نام‌های قاسم و عبدالله در دوران کودکی از دنیا رفتند، این امید و آرزوی دشمنان بیشتر شد و دشمنانش از این بابت بسیار خوشحال بودند. این موضوع زبان بدخواهان و طعنه‌زنان قریش را باز کرد و آنان با سوءاستفاده از این موضوع به پیامبر ﷺ، زخم زبان می‌زدند و در نهایت بی‌شرمی، به او «ابتر» می‌گفتند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: می‌دانید چرا به پیامبر ﷺ ابتر می‌گفتند؟ قوم عرب کسی را که فرزند پسر نداشت، ابتر می‌نامیدند؛ به یک نمونه توجه کنید: عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم ﷺ را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت ﷺ گفت و گو کرد. گروهی از سران قریش که در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده کردند، هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد، به او گفتند: «با که صحبت می‌کردی؟» گفت: «با این مرد ابتر!»</p>	۳۰
--	---	----

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۹.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۰۳.



ارزشیابی مستمر: چرا عرب به فرزند پسر اهمیت می داد؟
مردم عرب جاهلی به فرزند پسر، اهمیت بسیاری می دادند و داشتن پسر افتخار بزرگی می دانستند؛ چون بر اساس عقیده نادرست خود، تنها، فرزند پسر وارث پدر و دامه دهنده راه او می دانستند و در فرهنگ جاهلیت، دختر لایق آن نبود که نام پدر را زنده نگه دارد.
ارزشیابی مستمر: چرا مشرکان به خاطر اینکه پیامبر ﷺ فرزند پسر نداشتند، خوشحال بودند؟
آن ها فکر می کردند با رحلت پیغمبر اکرم ﷺ، برنامه های این بزرگوار به خاطر نداشتن فرزند پسر تعطیل خواهد شد و از نام حضرت ﷺ نیز چیزی باقی نخواهد ماند و همین باعث خوشحالی شان شده بود.
آن ها با ایجاد این جوسازی ها که بر مبنای اعتقاد نادرستشان بود، قلب رسول مهربانی ها را آزرده بودند. برای آن حضرت ﷺ، تحمل ناپذیر بود که پس از او اسلام از صحنه روزگار برداشته شود.

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می نویسیم:

در چنین شرایطی، خداوند مهربان که به پیامبر ﷺ توجه خاصی دارد، با کمال صمیمیت، این عزیز را بدون عنوان رسول و نبی خطاب می کند و از لطف بزرگ خود به ایشان سخن می گوید؛ یعنی در اوج اذیت ها و بدخواهی دشمنان، حضرت رسول ﷺ را به عطای کوثر، همان نسل پربرکت، بشارت می دهد تا از یک سو بر امیدهای دشمنان اسلام برای قطع برنامه های سازنده اسلام و قرآن ضربه زند و از سوی دیگر، برای رسول الله ﷺ که بعد از شنیدن این لقب زشت، قلب پاکشان غمگین و مکدر شده بود، تسلی خاطر می باشد؛ همچنین یاد و نام دشمنانی را که آرزوی از بین رفتن یاد و نام پیامبر ﷺ و دین را داشتند، برای همیشه قطع کند. با این توضیحات، جهت هدایتی سوره عبارت است از:

لطف بزرگ خداوند به پیامبر عزیزش ﷺ، با عطای کوثر

ارزشیابی مستمر: لطف بزرگ خداوند به پیامبر ﷺ چه بود؟
ارزشیابی مستمر: چرا خداوند به پیامبر ﷺ کوثر عطا کرد؟
۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می شود:
به نام خداوند بخشنده مهربان
سوره مبارکه کوثر، کوتاه ترین سوره قرآن است. این سوره، با حرف «اِنَّ» آغاز شده است. یکی از کارهای عرب زبان ها وقتی می خواهند حتمیت و قطعیت سخنی را بیان کنند و تردید احتمالی موجود در آن را از بین ببرند، این است که جمله را با حرف «اِنَّ» آغاز می کنند؛ برای همین ما در فارسی این حرف را با واژه های قطعاً و حتماً ترجمه می کنیم. در اینجا هم به خاطر اینکه پیامبر ﷺ فرزند پسر نداشتند، در خصوص ادامه دین پیامبر ﷺ بعد از ایشان، شک و تردید وجود داشته است و سوره با آوردن حرف «اِنَّ»، این تردید را از بین می برد.

۳۰

ارائه درس



خداوند در ادامه می گوید: «ما به تو کوثر اعطا کردیم»: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ چرا نگفت: من به تو اعطا کردم؟ چرا به جای «من»، لفظ «ما» به کار رفته است؟ علت این است که آیه، در مقام بیان عظمت خداوند و شرافت نعمت است و در این مواقع، ضمیر جمع به کار می رود.
عطای الهی به بهترین خلق خدا، آن هم عطای کوثر، به گونه ای است که باید با عظمت از آن یاد شود؛ بنابراین عبارت ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ به کار رفته است که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.
الفاظ «اعطاء» و «ایتاء»، هر دو به معنای دادن هستند؛ اما «اعطاء» به بخشش های اختصاصی گفته می شود و «ایتاء»، هر دانی، حتی امانت دادن را شامل می شود. این بخشش خاص، برای کیست؟ سوره می گوید: «برای تو ای پیامبر ﷺ»؛ یعنی این بخشش اختصاصی، ویژه توست و به هر کسی از این بخشش های خاص نداریم!
حالا این بخشش خاص چیست؟ این بخشش ویژه الهی، کوثر است. واژه «کوثر»، از کثرت گرفته شده است و به معنای خیر کثیر است. خوب، حال باید ببینیم که مراد از خیر کثیر در این سوره چیست؟ برای این کار، لازم است به سخن خداتا پایان سوره گوش دهیم.
در آیه بعد، خداوند از پیامبر ﷺ خواسته است تا از باب شکر نعمت، در مقابل عطای کوثر، اولاً به شکرانه ربوبیت و مدیریت الهی، در اوج توجه به پروردگار، نماز بخواند: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ﴾، دوماً شتر قربانی کند: «وَآنْحَرْ»؛ البته با این توجه که همان طور که نماز برای رب است، قربانی هم باید برای خدا باشد.
ارزشیابی مستمر: شکر معنوی که پیامبر ﷺ باید به خاطر لطف بزرگ خدا انجام می داد، چه بود؟
ارزشیابی مستمر: شکر مادی که پیامبر ﷺ باید به خاطر لطف بزرگ خدا انجام می داد، چه بود؟
مشاهده کرده اید که والدین، پس از تولد فرزندشان، قربانی می دهند؛ بله، آیه به سنت حسنه «عقیقه» درباره فرزند اشاره دارد و گویای اهمیت آن است: تعبیر به «و آنحر» که ویژه کشتن شتر است.
ارزشیابی مستمر: چرا پیامبر ﷺ باید شتر قربانی کند؟ شاید برای این است که در میان قربانی ها، شتر برای عرب، اهمیت بیشتری داشته است و چشم پوشی از چیزهای محبوب در راه خدا، نشانه کمال ایمان و خلوص در بندگی است.
نتیجه آنکه، پیامبر ﷺ باید در ازای لطف بزرگ خدا به ایشان، شکر بزرگی را نیز به جای آورد که هم معنوی و هم مادی است و هر دو، وسیله تقرب بیشتر ایشان به خداست؛ البته رابطه با خداوند، بر رابطه با مردم مقدم است: ﴿فَصَلِّ... وَآنْحَرْ﴾؛ یعنی اول، نماز که ارتباط با خداوند است؛ سپس قربانی کردن.
آیه سوم و پایانی سوره نیز با «اِنَّ» آغاز شده و خداوند با تأکید بر این حقیقت که ای رسول! دشمن بدخواه توست که نسلش قطع شده است، نه تو: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ از پیامبر خود دفاع و حمایت می کند.

ارائه درس

۳۰

۱. کوثر، ۲.
۲. کوثر، ۳.



ارزشیابی مستمر: خداوند در پاسخ کسانی که پیامبر ﷺ را بترمی خواندند، چه فرمود؟ از مقایسه آیه اول و سوم به دست می آید که چون «کوثر» در مقابل «ابتر» قرار گرفته است، مراد از آن خیر کثیر، تداوم و کثرت نسل پیامبر ﷺ است که با وجود صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) محقق شد؛ از این رو روشن ترین مصداق کوثر وجود مبارک حضرت زهرا (علیها السلام) است؛ زیرا نسل پیامبر ﷺ، تنها به وسیله همین دختر و الا مقام در جهان گسترش یافت. یک نکته اینکه خداوند، در آیه اول فرمود: ما به تو کوثر دادیم، نه اینکه خواهیم داد؛ پس نشان می دهد، هنگام نزول این سوره پیامبر ﷺ کوثر (علیها السلام) را داشته است؛ بنابراین این سوره، ظاهراً بعد از ولادت حضرت فاطمه (علیها السلام) نازل شده است.

ارزشیابی مستمر: منظور از کوثر در این سوره چه کسی است؟

در اینجا به مناسبت بحث، معلم درباره نسل پربرکت پیامبر ﷺ سخن بگوید: امروزه در روی زمین، کسی را نمی شناسیم که نسلش به اندازه نسل پیامبر اسلام ﷺ، گسترش یافته باشد. نسلی که پیشوایان بزرگ دین و امامان هدایت از آن سرچشمه گرفته است. از همین نسل بابرکت، عالمان، حکیمان، نویسندگان، زاهدان، فقیهان، مراجع تقلید، نوابغ برجسته و مجاهدان راه حق و حقیقت و شهیدان بزرگی در راه فضیلت، به جامعه بشری عطا شده است که باعث تداوم و گسترش دین پیامبر ﷺ شده اند. افزون بر وجود یازده امام معصوم (علیهم السلام) که افتخار جهان بشریت و مایه هدایت انسان های جهان هستی اند، فرزندان و نوادگان ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز چه در زمان خود و چه بعد از عصر ائمه (علیهم السلام)، چه در حال زنده بودن و چه بعد از مرگشان، همه و همه افتخار جهان اسلام و مایه خیر و برکت برای عالمیان بوده اند؛ ستارگانی همچون: سید رضی، سید مرتضی، سیدابن طاوس، علامه طباطبائی، آیت الله خوئی، سید محمد باقر صدر، امام خمینی، حضرت آیه الله خامنه ای (مد ظله العالی) و...

در کشورهای اسلامی به ویژه کشور ایران که از صدر اسلام، پناهگاه فرزندان فاطمه (علیها السلام) در عصرهای ظلم و ستم بوده است، در هر نقطه ای، آرامگاه یکی از نوادگان حضرت فاطمه (علیها السلام) است که محل آرامش و کانون اجتماع شیفتگان آل محمد است. این امامزادگان چنان عظمت و ابهت دارند که بهترین و پاک ترین نقطه هر شهر و دیاری محسوب می شوند. گرفتاران، افسرده دلان، بیماران و حاجتمندان با هزاران امید و آرزو به این مکان های مقدس گام نهاده و روح و جان خود را صفا می بخشند و این خود، تفسیر کوثر است که خداوند متعال، فاطمه (علیها السلام) و نسل فاطمه را برای پیامبر ﷺ و امت او، خیر کثیر و منشأ برکات قرار داده و هدیه کرده است.^۱

فخر رازی، مفسر بزرگ اهل سنت نیز درباره یکی از معانی کوثر می گوید: منظور از کوثر، فرزندان پیامبر ﷺ از طریق حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ زیرا این سوره در، ردّ کسانی نازل شده است که پیامبر ﷺ را به خاطر نداشتن فرزند، طعنه می زدند و سرزنش می کردند؛ به این دلیل معنای آیه این است که خداوند برای تو فرزندان و نسلی عنایت می کند که در طول تاریخ جاویدان خواهند ماند. وقتی به تاریخ پرفرازونشیب اسلام نگاه می کنیم، می بینیم افراد زیادی از نسل پیامبر ﷺ به شهادت رسیده اند؛ اما جهان همچنان شاهد افزایش نسل پیامبر ﷺ از طریق حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ ولی از خاندان بنی امیه فرد درخور اعتنایی نمانده است.^۲

۱. عبدالکریم پاک نیا تبریزی، ماهنامه مبلغان، ش ۱۲۸.

۲. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۴.

توجه شود، اگر مخاطب، دختران هستند، درباره جایگاه ارزشمند و والای حضرت فاطمه (علیها السلام)، به ویژه نقش مادری ایشان، نزد معصومان (علیهم السلام) صحبت شود. رسول الله ﷺ علاقه خاصی به دخترشان داشتند تا آنجاکه بی بی حضرت زهرا (علیها السلام) به سبب ایثارگری فراوان در راه پدر، لقب «ام اییها» را از آن خودشان کردند؛ چراکه فاطمه (علیها السلام) برای پدرشان، مادری کردند و پیامبر ﷺ به منظور اظهار محبت به دخترشان فرمودند: «تو مادر پدرت هستی».

فاطمه زهرا (علیها السلام) از سن پنج سالگی به بعد که دوره سختی رسالت پیامبر ﷺ شروع شد، پناه دل پدرشان بودند. در دو سال آخر قبل از هجرت، رسول گرامی اسلام ﷺ، سخت در تنگنا و تحت ظلم مردم مکه بودند. وضعیت سختی بر پیامبر ﷺ و مسلمانان تحمیل شده بود؛ آن ها به شعب ابی طالب تبعید و از هرگونه معامله و دادوستد ممنوع شده بودند. در سفرهای تبلیغی رسول خدا ﷺ، از جمله به طائف و سختی هایی که در این سفرها برایشان وارد می شد، دخترشان فاطمه زهرا (علیها السلام) نقش مادری را برای پدر ایفا می کردند. «بر اساس روایات، رسول خدا ﷺ که به خانه می آمدند، لباسشان در اثر بی حرمتی ها و بی ادبی هایی که انسان های جاهل آن روز به پیامبر ﷺ روا داشته بودند، غبارآلود بود. فاطمه زهرا (علیها السلام) برای تمیز کردن لباس های پدرشان اقدام می کردند و در واقع، کاری که مادر برای فرزند خود انجام می دهد، فاطمه (علیها السلام) برای پدرشان انجام می دادند؛ به خصوص در آن روزگاری که حضرت خدیجه (علیها السلام) از دنیا رفته بودند»^۱.

ارائه درس

اینجا نمونه ای از ارادت و علاقه ائمه (علیهم السلام)، به مادرشان را بیان می کنیم: امام باقر (علیه السلام) در وصف فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: «ای مردم، می دانید مادر ما کیست؟ مردم! مادر ما کسی است که اطاعتش بر همه عالم واجب شده و به همه عالم هستی دستور داده شده است که از او اطاعت کنند»^۲.

حضرت مهدی (علیه السلام) نیز همواره به مادرشان فاطمه زهرا (علیها السلام) افتخار کرده و می فرمایند: «من هم که خاتم الأوصیا هستم الگو دارم، می دانید الگوی من کیست؟ مادرم زهرا الگوی خوب من است. من هم از فاطمه (علیها السلام) درس می گیرم»^۳. این حدیث، می رساند که فاطمه (علیها السلام) نقش رهبری دارد و ائمه اطهار (علیهم السلام) از ایشان سرمشق می گیرند.

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز فرموده اند: «ما حجت خدا بر شما هستیم. هر وقت با خدا کار دارید، ما را واسطه کنید؛ ولی وقتی خودمان با خدا کار داریم، فاطمه (علیها السلام)، مادرمان حجت ماست»^۴. یعنی معصومان (علیهم السلام)، مادرشان را در خانه خدا می برند تا خداوند به احترام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) جواب آن ها را بدهد.

در این حدیث شریف نیز امام حسن عسکری (علیه السلام) ضمن یادکردن از مادر بزرگوارشان، آن حضرت (علیها السلام) را پیشوای ائمه (علیهم السلام) بیان می فرمایند.^۵

جالب است که بدانیم واژه های این سوره، مثل «اعطیناک»، «کوثر»، «فصل

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹.

۲. نک: احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۲۵.

۳. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۷.

۴. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۲۸۶.

۵. سید عبدالحسین طیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۶. نک: سید عبدالحسین طیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

ارائه درس

۳۰

۳۰

۳۵

۳۰	لربك»، «انحر»، «شائك» و «ابتر»، مخصوص همين سوره‌اند و در جاي ديگري از قرآن نيامده‌اند! اين موضوع سوره مباركه كوثر را به صورتي زيبا ويژه مي‌كند.	ارائه درس
	پيامبر ﷺ فرمود: «خداوند ذرّيه هر پيامبري را از طريق فرزند پسرش قرار داد، جز من كه ذريه‌ام از طريق دخترم، فاطمه است.» ^۱ همچنين فرمودند: «همه فرزندان دختر به پدرشان نسبت داده مي‌شوند، جز فرزندان فاطمه كه من پدر آنان هستم.» ^۲	بيان حدیثی مناسب با موضوع درس
۵	معلم به منظور تثبيت درس، با تأكيد بر جهت هدايتي سوره، آن را مروري اجمالي مي‌كند.	خلاصه کردن درس
۸	از فراگير سؤال مي‌كنيم تا اطمینان پيدا كنيم كه درس را ياد گرفته است: ۱. فضاي نزول سوره را بيان كن. (حيطه شناختي) ۲. جهت هدايتي سوره را بيان كن. (حيطه شناختي) ۳. مخاطب سوره كوثر كيست؟ چرا؟ (حيطه شناختي) ۴. منظور از ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ چيست؟ (حيطه شناختي) ۵. چرا خداوند نگفت: من به تو عطا كردم و گفت: ما به تو عطا كرديم؟ (حيطه شناختي) ۶. بخشش ويژه خداوند به پيامبرش چه بود؟ (حيطه شناختي) ۷. منظور از كوثر در اين سوره چيست؟ (حيطه شناختي) ۸. پيامبر ﷺ در مقابل اين نعمت بزرگ چه وظيفه‌اي دارد؟ (حيطه شناختي) ۹. شکر مادی پيامبر ﷺ از چه طريقي صورت مي‌گيرد؟ (حيطه شناختي) ۱۰. شکر معنوی پيامبر ﷺ از چه طريقي صورت مي‌گيرد؟ (حيطه شناختي) ۱۱. منظور از ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ چيست؟ (حيطه شناختي) ۱۲. سوره كوثر چه پيام آموزنده‌اي براي ما دارد؟ (حيطه شناختي) ۱۳. به نظر شما چرا اين قدر به پيامبر ﷺ توهين و جسارت مي‌شود؟ (حيطه عاطفي شناختي) ۱۴. به نظر شما آيا نام و ياد پيامبر ﷺ و دينش روزه‌به‌روز گسترده‌تر نمي‌شود؟ چرا؟ (حيطه عاطفي شناختي) ۱۵. وظيفه ما در برابر نعمت‌هاي بزرگي كه خدا به ما داده چيست؟ (حيطه عملکرد) ۱۶. به نظر شما پربركت‌ترين نسلي كه در روي زمين وجود دارد متعلق به كيست؟ (حيطه عاطفي شناختي) ۱۷. احساسات راجع به خانم فاطمه زهرا ؑ چيست؟ (حيطه عاطفي) ۱۸. احساسات راجع به اهل بيت ؑ چگونه هست؟ (حيطه عاطفي)	ارزشیابی پایان درس



۱	قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس	برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.
۱	تعیین تکلیف برای جلسه بعد	از فراگیر خواسته می‌شود درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ دهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و با توجه به اینکه در تدبّر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد. در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.
	بایسته‌ها برای مربی	۱. معلم به‌بهبانه بحث كوثر، به ذرّيه بابرکت پيامبر ﷺ (اهل بيت ؑ)، به خصوص به نقش بی‌همتا و آثار و برکات این بزرگواران ؑ اشاره کند؛ از جمله به نقش آن‌ها در پاسداری از دین اسلام، مانند قیام امام حسین ؑ. معلم با این کار، در واقع مروری اجمالي و فشرده، بر نقش تاریخی اهل بیت ؑ انجام می‌دهد؛ ۲. اگر مخاطب، دختران هستند، معلم شخصیت حضرت زهرا ؑ را برجسته کند؛ به خصوص نقش حضرت فاطمه ؑ در رابطه با پدر عزیزشان را که موجب دریافت لقب «ام ابیها» شد.

درس چہارم
تدبر سورہ مسد



مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان درس: چهارم موضوع: تدبیر در سوره مسد	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: توجه کنید: بیشتر دشمنان اسلام و پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام آدم‌هایی هستند که خیلی ثروتمندند و موقعیت خوبی هم دارند. آن‌ها میلیاردها دلار علیه اسلام و برای نابودی و ضعف آن خرج می‌کنند. تازه به خاطر موقعیت خوبی هم که در جهان دارند، برخی از کشورها از آن‌ها خوب حساب می‌برند؛ از این رو به آن‌ها دستور می‌دهند که کشورهای مسلمان را تحریم کنند تا زندگی شان دچار مشکلات زیادی شود. آن‌ها علیه دین اسلام توطئه‌های زیادی می‌کنند؛ اما از این غافل اند که نمی‌توانند جلوی محبوبیت روزافزون اسلام را بگیرند. روز به روز به تعداد مسلمانان افزوده شده و کارهای آن‌ها بی نتیجه می‌شود و آن‌ها رسوایی می‌شوند.	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: مسد (پیوسته درخت خرما) جایگاه در مصحف: نصر، مسد (۱۱۱)، اخلاص مکان نزول: مکه سال نزول: اول تعداد آیات: ۵ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم:	۳۰

۴. براساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم: به نام خدای بخشنده مهربان دست‌های ابولهب بریده شد و خودش نیز هلاک شد. (۱) مال و دارایی او و آنچه به دست آورده بود، به حال او سودی نبخشید. (۲) به زودی او و همسرش، آن هیزم‌کش جهنم، به آتش شعله‌ور جهنم گرفتار می‌شوند. (۳ و ۴) همان زن که طنابی از لیف خرما برگردن دارد. (۵) ۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم: فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم. سوره مسد از سوره‌های مکی قرآن است که در سال اول بر پیامبر ﷺ نازل شده است. در فضایی که پیامبر ﷺ تازه دعوت خود را آغاز کرده بود و اغلب افراد ثروتمند و قدرتمند قریش، به خاطر اینکه موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، با او به مخالفت برخاسته و دشمنی‌های خود را علیه پیامبر ﷺ آغاز کردند. آن‌ها با تمامی امکانات خویش سدا راه اسلام شده و کارشکنی را به اوج خود رسانیده بودند. در این میان، یکی از دشمنان بزرگ رسول خدا که از اقوام نزدیک پیامبر ﷺ نیز بود، ابولهب، عموی آن حضرت بود. او از رجال سرشناس مکه و از بزرگان قریش بود؛ به همین خاطر در میان قبیله خود، موقعیت و نفوذ داشت و علاوه بر آن، از افراد ثروتمند قبیله خود نیز بود. همین امتیازهای اجتماعی باعث می‌شد که مردم سخنش را بدون چون و چرا بپذیرند؛ اما او به جای اینکه از این ابزارهای قدرت‌نمایی، یعنی موقعیت و ثروت خود در دفاع از برادرزاده‌اش، پیامبر ﷺ استفاده کند، به خاطر خصومت شدیدی که به وی و اسلام داشت، حتی داوطلب شده بود که از آن‌ها در راه مبارزه با پیامبر ﷺ و اسلام استفاده کند و این کار را هم کرد. برای همین او، تنهافردي بود که پیمان حمایت بنی‌هاشم از پیامبر ﷺ را امضا نکرد و در صف دشمنان او قرار گرفت و در پیمان‌های دشمنان شرکت کرد. ابولهب که از دشمنان سخت و بدزبان پیامبر ﷺ بود، مدام توطئه می‌کرد و نقشه می‌کشید که چگونه دعوت پیامبر ﷺ را بی نتیجه کند؛ از این رو پیوسته دیگران را به دشمنی با پیامبر ﷺ برمی‌انگیخت و آتش تعصبات جاهلیت را در دل‌ها برمی‌افروخت و در آزار و اذیت و تکذیب نبوت پیامبر اکرم ﷺ اصرار می‌ورزید؛ به همین دلیل در بسیاری از مواقع، همچون سایه به‌دنبال پیامبر ﷺ بود، تا با راه‌انداختن آشوب، دعوت آن حضرت را خنثی کند تا سخنشان به گوش کسی نرسد و در دلی جای نگیرد. او با رفتارهای بسیار ناپسند و بی ادبی‌های خود، پیامبر ﷺ را از لحاظ جسمی و روحی آزار و اذیت می‌کرد تا آنجا که با پرتاب سنگ پای مبارک ایشان را مجروح کرد. ^۱	ارائه درس	۳۰
--	-----------	----

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۵.

این آزار و اذیت درحالی بود که پیامبر ﷺ مردم را به راه درست و هدایت و رهایی از شرک و گمراهی دعوت می‌کردند؛ اما ابولهب در کوچه و بازار و محافل گوناگون به مردم می‌گفت: «سخنان محمد را نپذیرید و از او اطاعت نکنید، او دروغ‌گوست...!»
ابولهب حتی به اعرابی که از خارج مکه برای دیدار پیامبر ﷺ می‌آمدند، می‌گفت: «او دیوانه‌ای است که مشغول مداوایش هستیم» و از آنجاکه عمومی پیامبر ﷺ و آدم سرشناسی بود، سخنانش تأثیر می‌کرد و برخی بدون ملاقات پیامبر ﷺ از مکه بازمی‌گشتند.^۱

ابولهب سخنان زننده و بدی به‌کار می‌برد. برای نمونه، هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ مأمور شدند که دعوت خودشان را علنی کنند و مردم را فراخوانند، بعد از اینکه تأیید آن‌ها را درخصوص امین و راستگوبودن خود گرفتند و از دعوت خود به سوی خدا و هشدار به عذاب سخن گفتند. ابولهب در همین حین با صدای بلند و پرخاش گفت: «تبالک؛ هلاک بر تو باد! برای همین وقتان را گرفتی و ما را فراخواندی؟! سپس درحالی که پیامبر ﷺ را مسخره می‌کرد، از مردم خواست که پراکنده شوند و به سخنان رسول خدا ﷺ گوش ندهند! مردم با خودشان گفتند: هرچه باشد، ابولهب برادرزاده خودش را بهتر می‌شناسد؛ اگر چیزی در کار بود، عمویش حرف او را قبول می‌کرد و این طور با او به درشتی حرف نمی‌زد! به این ترتیب مردم از گرد پیامبر ﷺ پراکنده شدند.^۲ این برخورد زشت ابولهب، دل پیامبر ﷺ را آزرده و آثار غم و اندوه در چشمان مبارک و چهره ملکوتی آن حضرت ﷺ آشکار شد. همسر ابولهب، امّ جمیل که خواهر ابوسفیان بود نیز در دشمنی با پیامبر ﷺ، دست‌کمی از شوهرش نداشت و در این زمینه یار وفادار و همراهی برای او بود و از شدت کینه، از هیچ شرارت و سخن‌چینی و جسارتی در حق پیامبر ﷺ خودداری نداشت! او بوته‌ها و شاخه‌های خار را با طناب می‌پیچید و شبانه آن‌ها را بر سر راه رسول خدا ﷺ می‌ریخت تا پاهای مبارک ایشان مجروح شود.^۳ همچنین گردنبند گران‌بهای داشت که با گوهرهایی فاخر تزیین شده بود. او از شدت دشمنی با پیامبر ﷺ گفته بود که این گردنبند را در راه آزار محمد خرج خواهد کرد. آری، ابولهب در کوشش‌های ضداسلامی‌اش، بر ثروت و جاه و مقام خود تکیه کرد و در توطئه‌هایی که علیه پیامبر ﷺ می‌کرد، تردیدی نداشت که به وسیله آن‌ها می‌تواند کار خود را پیش ببرد و به هدف شوم خود که شکست پیامبر ﷺ و از بین بردن دین اسلام بود، برسد.

۳۰

ارائه درس



۴۲

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:

در چنین شرایطی لازم بود که قدرت و هیبت ابولهب و فضای مسمومی که او و همسرش ایجاد کرده بودند، درهم شکسته شود؛ از این رو سوره مسد نازل شد و در آن به پلیدترین دشمن پیامبر ﷺ حمله شدیدی کرد و ابولهب را همراه با زنش در چند جمله به شدت تحقیر کرد و از هلاکت و ناکارآمدی ثروت و مقام و توطئه‌هایش علیه پیامبر ﷺ و نیز عذاب اخروی او و همسرش، به‌عنوان نمونه‌ای از دشمنان ثروتمند و زورگو خبر داد. با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:

شکست دنیوی و اخروی ابولهب و همسرش و همه دشمنان پول‌پرست و به‌ظاهر قدرتمند اسلام

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:

ارزشیابی مستمر: به نظر شما نام چند نفر از دشمنان پیامبر ﷺ، مثل ابولهب در قرآن آمده است؟ به احتمال قوی، فراگیر پاسخی برای این پرسش ندارد، معلم پاسخ می‌دهد: «فقط نام ابولهب آمده است.»

ارزشیابی مستمر: چرا خدا فقط نام یک نفر از دشمنان پیامبر ﷺ را به‌طور صریح آورده است؟

پاسخ فراگیر: حتماً آن فرد، دشمنی زیادی با پیامبر ﷺ داشته است.

آری و در توضیح بیان می‌کنیم، خصوصیت سوره مسد آن است که برخلاف روش معمول قرآن که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، در این سوره از ابولهب به‌طور صریح نام برده است؛ زیرا او از تمامی دشمنان دعوت پیامبر ﷺ، مشهورتر و بزرگ‌ترین نماینده آنان بود و رفتارهای بسیار ناپسند او به قدری بوده که قرآن شریف، مخصوصاً از او یاد کرده است. سوره مبارکه مسد با بیان این خبر مهم که دو دست ابولهب بریده شده و از کار افتاده، آغاز شده است: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾

ارزشیابی مستمر: دو دست ابولهب، بریده شده و از کار افتاده یعنی چه؟

پاسخ فراگیر: یعنی دو دستش را بریدند؟

نه، در ادامه توضیح می‌دهیم.

مراد از واژه «ید» در آیه، نه دست جسمی، بلکه ابزار قدرت‌نمایی است؛ چراکه اولاد دست وسیله فعالیت و کار و کوشش است؛ ثانیاً دست، مظهر قدرت و توانایی است و تعبیری مانند ﴿يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾، یعنی دو دست، نیز شاهد به‌کارگیری تمام توان او علیه اسلام است.

ارزشیابی مستمر: حال به نظر شما منظور از دو ابزار قدرت‌نمایی که با واژه «یدا» بیان شده، چیست؟ احتمالاً، فراگیر پاسخی ندهد، معلم پاسخ آن را، به دقت کردن در ادامه سوره، موعول می‌کند.

ارائه درس

۳۰

۱. تفهیم متن، با این پرسش آغاز می‌شود.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۱۸.

۳. نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۵.

ارزشیابی مستمر: چرا به عموی پیامبر ﷺ لقب ابولهب دادند؟

خانم اجازه به خاطر اینکه چهره اش قرمز بوده؟
آری، ابولهب، یعنی پدر آتش، این لقب را به این خاطر به او دادند که از شدت دشمنی، چهره‌ای برافروخته و گونه‌های سرخ‌رنگ داشت.
تکرار فعل «وَتَبَّ» این را می‌رساند که خود ابولهب هم کارش تمام است و دست‌وپای بی‌خود می‌زند. او درواقع نمی‌تواند کاری بکند و توطئه‌های او برای خاموش کردن نور نبوت، بی‌نتیجه مانده است.

ارزشیابی مستمر: خوب، عزیزانم باتوجه به توضیحاتی که دادم چه کسی می‌تواند بگوید، چرا فعل «تب» تکرار شد؟

فراگیر متناسب با توضیح معلم خود، پاسخ می‌دهد.

ارزشیابی مستمر: مال با ما کسب چه فرقی می‌کند؟

آیه دوّم در ادامه آیه قبل، بیان می‌کند که ثروت (ماله) و جاه و قدرتش (ماکسب) که درواقع، دوا ابزار قدرت‌نمایی او محسوب می‌شدند و آن‌ها را به منظور مبارزه با اسلام به‌کار گرفته بود، او را بی‌نیاز نساخته و به اهدافش نرساند: ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ﴾ و عملاً دردی از او دوا نکرد.

ارزشیابی مستمر: خوب، چه کسی می‌تواند بگوید دوا ابزار قدرت‌نمایی ابولهب چه بودند؟

پاسخ فراگیر: آیه دو، مال و ماکسب، یعنی پول و قدرت.

بعضی از مردم با کمال تأسف به این باور رسیده‌اند که پول و مقام است که انسان را به کمال می‌رساند و همین باعث شده است که خودشان را فراموش کنند و در نهایت، به خدا فراموشی دچار شوند.

ارزشیابی مستمر: عاقبت دنیوی ابولهب چه بود؟

ابزارهای قدرت‌نمایی او و همچنین توطئه‌های خود او برای از بین بردن اسلام، سودی به حالش نداشت.

در ادامه، بعد از بیان سرانجام دنیوی ابولهب، نوبت به تبیین سرانجام اخروی وی می‌رسد و مقصد نهایی او را این‌گونه بیان می‌کند: به‌زودی به آتشی عظیم که شعله‌های برافروخته‌ای دارد، وارد خواهد شد: ﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾ همان‌طور که مشاهده می‌شود، عذاب ابولهب، «ناراً ذات لَهَبٍ» متناسب با لقب او آورده شده است.

ارزشیابی مستمر: به نظر شما چه تناسبی بین «لهب» دوم با «لهب» اول وجود دارد؟ یعنی درواقع، او در آتشی می‌سوزد که خود، فراهم‌کننده و برافرونده آن است.

ارزشیابی مستمر: عاقبت اخروی ابولهب چه بود؟

آتشی با شعله‌های برافروخته.

ارزشیابی مستمر: چرا همسر ابولهب هم، مانند او وارد آتش می‌شود؟

خانم اجازه، به خاطر اینکه او هم، دشمن اسلام و پیامبر ﷺ بود و معلم در ادامه می‌افزاید: همسر ابولهب نیز باتوجه به اینکه یکی از حامیان مهم ابولهب، در فعالیت‌های ضداسلامی وی به حساب می‌آمده، در این تهدید شریک است و به‌زودی زن ابولهب نیز در آتش زبانه‌دار و برافروخته وارد می‌شود و هیزم‌کش آتش است: ﴿وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ همان‌طور که در دنیا خارها را به‌دوش می‌کشید و شب در راه رسول خدا ﷺ می‌ریخت تا او را اذیت کند، همان‌طور هم به آتش می‌رود و در آن به عذاب دچار می‌شود؛ یعنی عذاب آتش جهنم، نتیجه و پیامد اعمال و رفتار خود اوست. او حمال هیزم آتش خودش می‌شود.

ارزشیابی مستمر: چرا همسر ابولهب هیزم‌کش جهنم معرفی می‌شود؟

فراگیر باتوجه به توضیح معلم پاسخ می‌دهد.

از سوی دیگر در جهنم بر گردن او ریسمانی از پوسته تافتنه درخت خرما است: ﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ﴾ همسر ابولهب نیز با زرها و جواهرات خود در دنیا فخرفروشی کرده و از آن‌ها برای عدم پیشبرد اسلام، استفاده می‌کرد؛ از این رو خداوند او را این‌گونه تحقیر کرده و بیان می‌کند، آن گردن‌بند، تبدیل به ریسمانی آتشین می‌شود و در جهنم بر گردن او نهاده می‌شود.

ارزشیابی مستمر: درباره آسیه، همسر فرعون، چه می‌دانید؟

معلم از اطلاعات قبلی فراگیر در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل می‌کند.

در مقابل ابولهب و همسرش که با پیامبر ﷺ و دین اسلام دشمنی داشتند، بایستی از زن و مردی به نام یاسرو سمیه نام برد که با وجود تمام رنج‌ها و مشقت‌های روحی و بدنی و نیز ضعف جسمانی ناشی از پیری، با مقاومتی وصف‌ناپذیر، لحظه‌ای از آرمان‌های خود و حمایت پیامبر ﷺ و دین اسلام عقب‌نشینی نکردند. مشرکان مکه با ابزارهای مختلف آن‌ها را شکنجه می‌کردند؛ اما زیرشدیدترین شکنجه‌ها مقاومت کردند و در نهایت، در اثر همین ضربات به شهادت رسیدند. این دو همسر قهرمان و شیردل نخستین کسانی بودند که مدال شهادت را در تاریخ اسلام دریافت کردند.

ارزشیابی مستمر: باتوجه به اینکه مخاطب سوره، ابولهب و همسرش هستند، برای دیگران چه پیامی دارد؟

ارائه درس

ارائه درس

<p>۳۰</p>	<p>خداوند در این سوره با سخنی قاطع، تکبر و غرور ابولهب و همسرش را، به خاطر مال و موقعیتی که داشتند، در هم می‌شکند و همه کسانی را که اموال و اعمالشان را برای مبارزه با حق به کار می‌گیرند، به شکست و رسوایی محکوم می‌سازد و به مردم این اطمینان را می‌دهد که هیچ‌گاه نگران زرزور دشمنان اسلام نشوند؛ چراکه خداوند شکست و هلاکت اینان را تضمین کرده است.</p> <p>ابولهب از تاریخ گذشتگان، پند نیاموخته بود که چگونه گنج‌ها و ثروت‌های فراوان، نتوانست آنان را نجات دهد. او داستان فرعون را فراموش کرده بود که چگونه طغیان و جاه‌طلبی کرد و خود را خدای بزرگ نامید و سرانجام به چه سرنوشت شوم و عبرت‌آوری دچار شد.</p> <p>داستان قارون را نیز فراموش کرده بود که با آن همه ثروت و دارایی، نتوانست مرگ را از خود دور سازد.</p> <p>آری ثروت و دارایی و فرزندان و قبیله و آشنایان و... همه‌وهمه از بین می‌رود و برای انسان سودی ندارد. آنچه برای انسان سودمند و رهایی‌بخش است، رفتار شایسته است. این سوره، بیان‌کننده این حقیقت است که هرکس با رسول خدا ﷺ و اهل بیت  او دربیفتد، سقوطش حتمی است!</p> <p>در روایات آمده است که بعد از جنگ «بدر» و شکست سختی که نصیب مشرکان قریش شد، ابولهب که شخصاً در میدان جنگ شرکت نکرده بود، پس از بازگشت ابوسفیان ماجرا را از او پرسید. ابوسفیان چگونه شکست و در هم کوبیده شدن لشکر قریش را برای او شرح داد؛ سپس افزود: «به خدا سوگند، ما در این جنگ، سوارانی را دیدیم، در میان آسمان و زمین که به یاری محمد آمده بودند!» در اینجا «ابورافع»، یکی از غلامان «عباس» می‌گوید: «من در آنجا نشسته بودم. دستم را بلند کردم و گفتم: 'آن‌ها فرشتگان آسمان بودند.' ابولهب سخت برآشفته و از سوز دل خود پیوسته مرا کتک می‌زد. در اینجا همسر عباس، 'ام‌الفضل' حاضر بود، چوبی برداشت و محکم بر سر ابولهب کوبید و گفت: 'این مرد ضعیف را، تنها گیر آورده‌ای؟' سر ابولهب شکست و خون جاری شد و بعد از هفت روز بدنش عفونت کرد و دانه‌هایی همچون طاعون بر پوست تنش ظاهر شد و با همان بیماری از دنیا رفت. عفونت بدن او به حدی بود که جمعیت جرأت نمی‌کردند به او نزدیک شوند، او را به بیرون مکه بردند و از دور، آب بر او ریختند؛ سپس سنگ بر او پرتاب کردند تا بدنش زیر سنگ و خاک پنهان شد.»^۱ اما پیامبر ﷺ که این قدر مظلومانه در معرض دشمنی ابولهب بودند، بعد از فتح مکه قدرت پیدا کردند و آنجا بود که دشمنان پیش آن حضرت ﷺ آمدند و از ایشان تقاضای بخشش کردند.</p>	<p>ارائه درس</p>
	<p>پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «زیان ثروت (مال دوستی) و جاه‌طلبی برای دین انسان، به مراتب بیشتر از زیان دو گرگی است که به لانه گوسفندان حمله کنند.»^۲</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۲.

۲. ورام بن ابی فراس، مجموعه وزام، ج ۱، ص ۱۵۵.

<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>
<p>۸</p>	<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. منظور از «تَبَّتْ يَدَا» چیست؟ (حیطه شناختی) ۴. منظور از «تَب» چیست؟ (حیطه شناختی) ۵. منظور از دو دست ابولهب چیست؟ (حیطه شناختی) ۶. منظور از «مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۷. فرق «مَالُهُ» و «مَا كَسَبَ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۸. کدام آیات، بیان‌کننده شکست دنیوی ابولهب است؟ (حیطه شناختی) ۹. منظور از «سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۰. فرد دیگری که همراه ابولهب وارد آتش می‌شود، کیست؟ (حیطه شناختی) ۱۱. منظور از «حَمَّالَةَ الْخَطَبِ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۲. منظور از «فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۳. هدف از اینکه خداوند همسر ابولهب را هیزم‌کش جهنم و طناب آتش به گردن معرفی می‌کند، چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۴. سوره مسد چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۵. چه کسانی علاقه‌مند هستند آنچه را که از سوره فهمیده‌اند، ارائه دهند؟ (حیطه عاطفی) ۱۶. آیا دوست دارید، تدبیر این سوره را به دیگر دوستان خود هم ارائه دهید؟ (حیطه عاطفی) ۱۷. آیا سوره‌های قبلی را که تدبیرش تدریس شده است، مرور می‌کنید؟ (حیطه عاطفی) ۱۸. می‌توانید نمونه‌های عینی در جهان امروز که از ثروت و قدرت و مقام خود علیه اسلام استفاده کرده‌اند، ولی کارشان به جایی نرسیده، بیان کنید؟ (حیطه شناختی) ۱۹. وظیفه ما در برابر توطئه‌های دشمنان چیست؟ (حیطه عملکرد) ۲۰. اگر به پیامبرمان اهانتی صورت بگیرد، چه باید بکنیم؟ (حیطه عملکرد) ۲۱. اگر دشمنان، ارزش‌های دینمان را با توطئه، زیر سؤال ببرند چه باید بکنیم؟ (حیطه عملکرد) ۲۲. چرا بعضی از کشورهای مسلمان، از قدرت‌های برتر دنیا مثل آمریکا می‌ترسند؟ (حیطه شناختی) ۲۳. به نظر شما اگر یک کشور اسلامی از کشورهای ضداسلامی قدرت طلب حمایت کند، چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ (حیطه عاطفی) ۲۴. به نظر شما چرا ابرقدرت‌ها، سالانه میلیاردها دلار علیه اسلام هزینه می‌کنند؟ آیا این هزینه، آنان را کاملاً به اهدافشان رسانده؟ چرا؟ (حیطه عاطفی) 	<p>ارزشیابی پایان درس</p>

۱	برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.	قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس
۱	از فراگیر خواسته می‌شود، درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبّر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد. در پایان، خدا قوّت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.	تعیین تکلیف برای جلسه بعد
	<p>۱. معلم درباره این موضوع صحبت نکند که این سوره پیشاپیش، شکست ابولهب را پیشگویی می‌کند؛ چون سؤال ایجاد می‌شود که آیا با این سوره، باز ابولهب قدرت داشته است که ایمان بیاورد و باز ایمان بر او فرض و لازم بود؟ و بحث جبر و اختیار و علم خدا پیش می‌آید.</p> <p>۲. اگر راجع به تحقیر و رسوایی ابولهب و همسرش صحبت می‌کند، حتماً باید قید کند تحقیر دیگران به طور مطلق صحیح نیست؛ اما آنجایی که فرد استکبار می‌ورزد، خدا او را تحقیر می‌کند.</p> <p>۳. باتوجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق ترجمه‌ها، فعل «تبت» را داعایی معنا کرده‌اند، شایسته است، مربی، تبیین تدبّری (معنا و توضیح تدبّری) این فعل را به گونه‌ای داشته باشد که مخاطب احساس تناقض نکند، باتوجه به اینکه جملات انشائی، برای خدا نیز وقوع را می‌رساند، گویی خدا می‌خواهد بگوید، دستانش از کار افتاده است.</p> <p>۴. دقت شود که فراگیر وارد تطبیق‌های نادرست و نگاه منفی به هر قدرتمند و ثروتمندی نشود؛ چون آن قدرت و ثروتی آفت به دنبال دارد که برای دشمنی با اسلام استفاده شود.</p>	بایسته‌ها برای مربی
	<p>طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.</p> <p>قمی، عباس، سفینة البحار، خسوه، ۱۴۱۴ق.</p> <p>کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.</p> <p>مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.</p> <p>مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش.</p> <p>ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه وزام؛ آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.</p>	منابع

درس پنجم تدبّر سوره ناس



مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان درس: پنجم موضوع: تدبیر در سوره ناس تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: تا به حال برای شما پیش آمده که در مدرسه به مشکلی برخورد کنید و هم کلاسی‌تان برطرف کند؟ اگر هم کلاسی‌تان نتوانست، به چه کسی مراجعه می‌کنید؟ مسلماً معلم، حال اگر معلم هم نتوانست، چه باید کرد؟ به مدیر مدرسه مراجعه می‌کنیم؛ ولی بعضی مواقع هست که هیچ‌کس جز، خدای مهربان نمی‌تواند مشکلمان را حل کند. آیا تا به حال شده، خیال‌ها و افکاری به ذهنتان خطور کند که بخواهد شما را به راه بد بکشد؟ آیا در این مواقع احساس آشفتگی به شما دست داده است؟ چقدر در مقابل آن‌ها مقاومت کرده‌اید تا فریب این افکار را نخورید؟ آیا خودمان، به تنهایی می‌توانیم از شر این افکار نجات یابیم؟ به نظر شما، بهترین کار برای حفظ ماندن از این وسوسه‌ها چیست؟	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: ناس (مردم) جایگاه در مصحف: آخرین سوره مکان نزول: مکه سال نزول: اول تعداد آیات: ۶ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم قُلْ اَعُوذُ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوسَسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنْ رَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)	۳۰

<p>۴. بر اساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم:</p> <p>به نام خداوند بخشنده مهربان</p> <p>بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم. (۱) پادشاه و فرمانروای مردم (۲) و خدای مردم. (۳) از شر وسوسه‌کننده‌ای که گاه پیدا و گاه نهان است. (۴) همان کسی که در دل‌های مردم وسوسه ایجاد می‌کند. (۵) چه آن وسوسه‌گرانی که انسانند و چه آن‌ها که پری هستند. (۶)</p> <p>۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم: فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:</p> <p>سوره ناس، از سوره‌های مکی قرآن بوده و در سال اول بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ از این رو در فضایی نازل شده است که پیامبر ﷺ وظیفه سنگین رسالت خود را تازه آغاز کرده بودند و تمام هدف ایشان نیز این بود که مردم را به دین اسلام دعوت کنند تا آن‌ها مسلمان شده و همچنین دین‌دار باقی بمانند. در چنین شرایطی، شیاطین خطرناک جثی وانسی که نمی‌خواستند پیامبر ﷺ به هدف خود برسند، بی‌کار ننشسته و از فضای غفلت مردم از خدا، استفاده کردند. آن‌ها با تبلیغات بد و انداختن افکار پلید خود در ذهن مردم، مدام آن‌ها را وسوسه می‌کردند تا فریب خورده و کم‌کم منحرف شوند و کار دعوت پیامبر ﷺ پیش نرود و حضرت ﷺ با شکست مواجه شوند.</p> <p>۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:</p> <p>در چنین شرایطی خداوند با نزول سوره ناس، به مردم می‌آموزد که «شما در معرض خطر وسوسه‌گران قرار دارید؛ آنان همیشه در کمین شما هستند و به محض اینکه شما را از یاد خدا غافل یابند، وسوسه‌تان می‌کنند تا گمراه شوید و کارهای ناشایست انجام دهید. تنه‌اراه حفظ و نجات از شر این دشمن خطرناک، پناه بردن به خداست؛ بنابراین هیچ‌گاه او را فراموش نکنید و همیشه و همه جا به او پناه‌بند شوید.» با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:</p> <p>پناه بردن به خدا از شر وسوسه‌های پنهانی و درونی</p> <p>۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:</p> <p>به نام خداوند بخشنده مهربان</p> <p>ارزشیابی مستمر: چرا با اینکه پیامبر ﷺ موظف بود، تمام سوره‌ها و آیاتی که بر ایشان نازل می‌شد به مردم ابلاغ کند، در قرآن، همه جا کلمه قل نداریم و این واژه در بعضی جاها مثل این سوره آمده است؟ پاسخ فراگیر: شاید به خاطر اهمیتی که دارد. البته به احتمال زیاد فراگیر نتواند جواب دهد؛ اما ما با این سؤال ذهن او را متوجه پاسخ می‌کنیم.</p>	<p>ارائه درس</p>	۳۰
--	------------------	----

سوره ناس، با واژه قل آغاز می شود، باتوجه به اینکه تمام سوره ها و آیاتی که بر پیامبر ﷺ وحی می شد، چه آن ها که با «قل» آغاز می شد و چه نمی شد، رسول، همه را برای مردم ابلاغ می کردند، آغاز شدن سوره با واژه «قل» نشان دهنده این است که ابلاغ این سوره به مردم، به خاطر اهمیت بسزایی که دارد، باید فراتر از گفتن باشد؛ یعنی ای رسول، نه تنها بگو، بلکه برای آن ها توضیح بده. پیامبر ﷺ موظف است، با افتخار و شجاعت بیان کند که همیشه باید به خدا پناه ببریم: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ برای چه بترسیم درحالی که خدا هست و با پناه بردن به او آرامش و امنیت می یابیم.

ارزشیابی مستمر: چه وقت انسان پناه می برد؟

پاسخ فراگیر: وقتی می ترسیم.

آری، مسلماً انسان وقتی از چیزی بترسد و احساس ضعف کند، به کسی پناه می برد که قدرت دفع آن را دارد. آیات بعد، خداوندی را که باید به او پناه برد، با سه ویژگی توصیف می کند:

اولاً و تربیت کننده و رشد دهنده همه مردم است. همان مدیری است که مستقیماً، همیشه و همه جا، بر بنده نظارت دارد: «بِرَبِّ النَّاسِ»؛ پس خیلی خوب می تواند از او محافظت کند.

ثانیاً نه تنها رب است، بلکه مالک و صاحب اختیار همه مردم نیز هست: ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾ او همان حاکم مقتدر و فرمانروای راستین مردم است که قدرتش مافوق همه قدرت هاست؛ پس قوی تر و بهتر از هر کس دیگر می تواند از ما محافظت کند.

ثالثاً فراتر از همه اینکه، او معبودی است که همه رو به سوی او دارند و جز او کسی را در رفح حوائج خود نمی خوانند: ﴿إِلَهَ النَّاسِ﴾ پس تنها او می تواند شر را از ما دور کند. مربی و فرمانروا و معبود، سه مرجع و پناهگاه نیازمندان هستند که هر کس ممکن است برای دفع شری یا برآوردن حاجتی به آن ها رجوع کند؛ مثلاً وقتی برای ما مشکلی پیش می آید، اول پیش مادر و پدر خود می رویم؛ چون آن ها به ما نزدیکترند و مسئولیت تربیت ما نیز به دست آن هاست؛ بنابراین بهتر می توانند به ما کمک کنند؛ اما گاهی اوقات، مشکل ما طوری هست که از دست پدر و مادرمان هم، کاری ساخته نیست؛ پس به کسی رجوع می کنیم که مدیرکل و حاکم جامعه است، کسی که حتی پدر و مادرمان هم برای رفع مشکلاتشان نزد او می روند. بعضی وقت ها از دست این مدیرکل هم، کاری بر نمی آید؛ پس باید نزد کسی برویم که خود این مدیرکل هم، موقع مشکلاتش پیش او می رود و آن جز الله کسی نیست.

ارائه درس



۱. ناس، ۱.
۲. ناس، ۲.
۳. ناس، ۳.

آری، این هر سه اسم، در خداوند یکتا جمع بوده و شایسته است که انسان هنگام مواجهه با مشکلات و شروریه او پناه برد؛ پس به خدایی پناه می بریم که رب و مالک و اله مردم است. نکته دیگر این است که تکرار سه باره نام خدا در این سوره، خود گویای این است که مردم از خدا غافل شده بودند و با تکرار و یادآوری نام خدای خود فضای غفلت را از بین ببرند. **ارزشیابی مستمر:** تکرار نام خدا در این سوره، چه تأثیری دارد؟ علت اینکه کلمه «ناس» در این سوره تکرار شده، این است که این رب، فقط رب پیامبر ﷺ و انسان های مؤمن نیست، رب همه مردم است.

قسمت بعدی سوره، بیان کننده این است که از چه چیزی باید به خدا پناه برد؟ آری، از شر و وسوسه گری که آشکار می شود، سپس پنهان می شود: ﴿مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ دام می آید و می رود، گویی مراقب آدمی است و هرگاه او را غافل دید، وسوسه اش می کند؛ اما چون او را به یاد خدا یافت، پنهان می شود؛ پس این وسوسه، همراه همیشگی انسان است؛ بنابراین هرکدام از ما در معرض خطر وسوسه، از جانب خناس هستیم و تنهاراه نجات از آن، پناه بردن به خداست؛ وگرنه دینمان در معرض خطر قرار می گیرد؛ همچنان که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «ابلیس، سران لشکر خود را جمع کرد و به آن ها گفت: آیه ای نازل شده است که پشت مرا می لرزاند و بشر را نجات می دهد! چه کسی می تواند با آن مقابله کند؟ یکی از شیاطین بزرگ گفت که او می تواند و نقشه اش چنین و چنان است. ابلیس طرح او را نپسندید و گفت: 'نه، تو نمی توانی.' دیگری برخاست و نقشه و طرح خود را ارائه داد و باز هم مقبول نیفتاد! در اینجا وسواس خناس، یکی دیگر از فرزندان ابلیس برخاست و گفت: 'من از عهده آن برمی آیم.' ابلیس پرسید: از چه راهی؟ گفت: 'آن ها را با وعده ها و آرزو ها سرگرم می کنم تا آلوده گناه شوند و هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می برم!' ابلیس گفت: 'آری، تو می توانی از عهده این کار برآیی، نقشه تو بسیار ماهرانه است!' بنابراین این مأموریت را تا روز واپسین به دست او سپرد.^۲

آیه بعد، راه ورود وسوسه گر خناس را بیان می کند: ﴿الَّذِي يُؤَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾؛ او در سینه و قلب انسان ها همیشه وسوسه می کند؛ اصلاً کارش فقط وسوسه است. آنان افکار و خیال های باطل و خطرناک را در سینه های مردم جای داده و آنان را از درون به سمت اهداف خود تحریک می کنند. آنقدر پنهان که انسان متوجه نمی شود و فکر می کند، فکر خودش است و همین باعث انحراف و گمراهی او می شود! پس باید مراقب افکار خود باشید.

ارائه درس

کتاب کار معلمان تدریس قرآن برای گروه سنی نوجوانان

۳۰

۱. ناس، ۴.
۲. ابن جمعه هویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۶.
۳. ناس، ۵.

<p>۳۰</p>	<p>ارزشیابی مستمر: چرا بعضی ها با اینکه سوره ناس را می خوانند و به خدا پناه می برند، باز هم دچار وسوسه های خناس شده و منحرف می شوند؟ چون زبانشان، با عقیده و عملشان یکی نیست و توضیحات معلم را اضافه می کند. برای همین علاوه بر استعاذه به خدا باید در برابر هر وسوسه ای واکنش مناسب صورت گیرد؛ از این رو پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «دشمنان تو از جن، ابلیس و سپاهیان او است؛ پس اگر نزد تو آمد و گفت: 'فرزندت مُرد'، به خود بگو: 'زندگان برای مردن آفریده شده اند.' اگر آمد و گفت: 'مال تو از دست رفت'، بگو: 'ستایش خدای را که می دهد و می گیرد و زکات را از من بُرد.' اگر آمد و گفت: 'مردم به تو ستم می کنند؛ ولی تو ستم نمی کنی!' بگو: 'روز قیامت آنان که ستم کردند، گرفتارند.' اگر آمد و گفت: 'چقدر نیکی می کنی!' بگو: 'گناهان من بیش از نیکی های من است.' اگر آمد و گفت: 'چقدر نماز می گزاری!' بگو: 'غفلت من، از نمازهایم بیشتر است.' اگر آمد و گفت: 'چقدر بخشش می کنی!' بگو: 'مقداری که می گیرم، از آنچه می بخشم، زیادتر است.' اگر گفت: 'چقدر به تو ستم می کنند!' بگو: 'من بیشتر ستم کرده ام.' اگر گفت: 'چقدر برای خدا کار می کنی!' بگو: 'چه بسیار معصیت ها کرده ام.'^۱</p>	<p>ارائه درس</p>
	<p>پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «از شیطان رانده شده، به خدا پناه برید؛ زیرا هر که از وسوسه های او به خدا پناه برد، خداوند او را در پناه خود قرار می دهد و حفظ می کند.»^۲</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>
<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>
<p>۸</p>	<p>از فراگیر سؤال می کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است: ۱. فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. با توجه به اینکه تمام سوره ها و آیاتی که بر پیامبر ﷺ وحی می شد، چه آن ها که با «قل» آغاز می شد و چه نمی شد، همه را رسول برای مردم ابلاغ می کردند، چرا این سوره با واژه قل آغاز شده است؟ (حیطه شناختی) ۴. چه وقت انسان پناه می برد؟ (حیطه شناختی) ۵. به چه کسی باید پناه ببریم؟ (حیطه شناختی) ۶. چرا این سه اسم از اسم های خدا، برای پناهندگی عنوان شده است؟ (حیطه شناختی) ۷. در سوره ناس از چه چیزی باید به خدا پناه برد؟ (حیطه شناختی) ۸. راه ورود وسوسه گر خناس، کجاست؟ (حیطه شناختی)</p>	<p>ارزشیابی پایان درس</p>

<p>۳۰</p>	<p>ارزشیابی مستمر: چرا خناس، صدور را وسوسه می کنند؟ ارزشیابی مستمر: این وسوسه گر نهانی که وسوسه می کند و فریب می دهد، چه نوع موجودی است؟ آیه بعد پاسخ این سؤال را داده و می فرماید که این موجود بر دو نوع است: نهان که جن است و آشکار که انسان است: ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ پس جن نیز در وسوسه و فریفتن آدمی مؤثر است؛ چنان که آدمی نیز همین نقش را دارد. اگر ما وسوسه جن را احساس نمی کنیم، وسوسه آدمیان را که حس می کنیم. آیا دوست بد را ندیده اید که چگونه آدمی را منحرف می سازد؟ آری، دوست بد، همان وسواس خناس است؛ پس همان طور که در میان انسان ها آدم های خوب و بد هست، در میان جنیان هم خوب و بد هست، خود جن ترس ندارد، آنچه نگران کننده است، وسوسه های اوست. ارزشیابی مستمر: مردم چگونه وسواس خناس می شوند؟ با وسوسه و انحراف دیگران. ارزشیابی مستمر: آیا جن ترسناک هست؟ نه، وسوسه هایش نگران کننده است.</p>	<p>ارائه درس</p>
<p>۳۰</p>	<p>پس خیال ها و تصورها و افکار و احساساتی که آدمی را به راه بد می کشند و از انسان یا جن سر می زنند، همان وسواس خناسی است که در سینه مردم، وسوسه ایجاد می کند. قرآن می گوید: ای انسان، آیا پناهگاهی قوی تر و استوارتر از خدایی که رب و مالک و اله توست، می یابی تا از دست این وسوسه ها به او پناه ببری؟ بنابراین، تا آن هنگام که در درونت تردید و دودلی حس می کنی و وسوسه ها، اراده ات را سست و تو را آشفته می کند و فریبت می دهد، بگو: «به پروردگار مردم، فرمانروای مردم، خدای مردم، پناه می برم.» تا احساس آرامش روحی کنی و از وسوسه، نجات یابی. ارزشیابی مستمر: آیا پناه بردن به خدا، فقط به زبان هست؟ فراگیر تا حدودی به نقش عقیده و عمل در پناه بردن اشاره می کند، شما در تکمیل می فرمایید: منظور از پناه بردن به خدا، این نیست که انسان، تنها با زبان این جمله را بگوید؛ بلکه باید با فکر و عقیده و عمل نیز خود را در پناه خدا قرار دهد؛ برای همین باید سعی خود را بکند تا با یاد خدا و عبادات، خود را از راه های شیطانی و افکار و اعمال شیطانی، کنار کشد؛ و گرنه انسانی که عملاً خود را در معرض طوفان آن وسوسه ها قرار داده، تنها با خواندن این سوره و گفتن این الفاظ به جایی نمی رسد. حالا کسی که واقعاً به خدا پناه می برد، طبعاً باید خود را از تیررس شیاطین جنی و انسی و محافل و مجالس بدآموز دور کند و خود را از شر خطرات طوفنده وسوسه های دشمنان خدا، در پناه خدا قرار دهد.</p>	<p>ارائه درس</p>

۱. عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۴.

۱	برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می شود.	قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس
۱	از فراگیر خواسته می شود، درس امروز را به منظور پرسش در جلسه بعد مرور کند و همچنین سوره ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد مشخص می شود و با توجه به اینکه قرائت چندباره در تدبّر اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می شود، سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه ای آسان و روان از آن را بداند. در پایان، خدا قوت می گوییم و خدا حافظی می کنیم.	تعیین تکلیف برای جلسه بعد
	معلم نباید بحث جنّ را طوری بیان کند که فراگیر در آن زمینه تحریک شود. صرفاً بحث وسوسه آن مطرح شود که خطرناک است. توضیح: مردم ناآگاه، خرافات زیادی درباره جنّ ساخته اند؛ به گونه ای که فکر می کنند جن ها موجوداتی مودی هستند که کاری جز آزار انسان ها ندارند! چیزهای زیادی وجود دارند که با چشم دیده نمی شوند، آیا باید از آن ها ترسید؟ هوا در همه جا وجود دارد، ولی دیده نمی شود؛ آیا باید از هوا ترسید؟ عقل دیده نمی شود؛ آیا ترسناک است؟! جنّ هم موجودی مانند دیگر موجودات الهی است؛ موجودی است که خداوند او را آفریده است تا مانند انسان ها خدا را عبادت کند. آن ها نیز مانند ما زندگی و مرگ دارند، ^۲ مانند انسان ها تکلیف دارند، برخی از آن ها مؤمن و برخی از آن ها کافرند؛ ^۳ پس همان طور که آدم بد، می تواند ما را وسوسه کند، جن بد هم، می تواند ما را وسوسه کند.	بایسته ها برای مری
	عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق. قمی، عباس، سفینه البحار، خسوه، ۱۴۱۴ق. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.	منابع

۱. ذاریات، ۵۶.

۲. جن، ۶.

۳. جن، ۲۰.

۸	<p>۹. چرا وسوسه گر، در سینه وسوسه می کند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۰. آیا تنها، با خواندن سوره ناس از شرور حفظ می شویم؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۱. این وسوسه گر نهانی که وسوسه می کند و فریب می دهد، چه نوع موجودی است؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۲. انسان، چطور انسان دیگری را وسوسه می کند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۳. چه کسانی علاقه مندند، هر آنچه از سوره فهمیده اند را ارائه دهند؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۴. آیا دوست دارید، تدبّر در این سوره را به دیگر دوستان خود هم ارائه دهید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۵. آیا سوره های قبلی را که تدبّر در آن ها تدریس شد، مرور می کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۶. آیا قبول دارید خداوند بهترین پناهگاه برای دفع شرور است؟ چرا؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۷. زمانی که احساس ترس به شما دست داده است، چگونه بر آن غلبه کرده اید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۱۸. به نظر شما، چرا بعضی ها خیلی سریع تحت تأثیر وسوسه های شیطان قرار می گیرند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۹. به نظر شما، چرا بعضی ها دوست ندارند با افراد بد هم نشینی کنند؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۰. فکر می کنید انسان های خوب و مؤمن دچار وسوسه نمی شوند؟ چرا؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۲۱. آیا همه افکار و خیالاتی که به ذهن ما می رسند، مال خودمان هستند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۲۲. چقدر موقع وسوسه ها، خدا را یاد می کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۳. اگر فکر و خیالی شیطانی به ذهن شما خطور کرد، چگونه آن را از خودتان دور می کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۴. اگر سر جلسه امتحان درس را خوب نخوانده باشید و چیزی در درون تنان شما را تحریک کند که تقلب کنید تا قبول شوید، در برابر این وسوسه چه می کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۵. اگر یکی از دوستان صمیمی تان، شما را تشویق کرد، عکس یا فیلم زشتی را از درون موبایلش مشاهده کنید، چه عکس العملی نشان می دهید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۶. اگر کسی به شما بدی کرد و چیزی در درون تنان شما را به تلافی تحریک کرد، چه می کنید؟ (حیطه عملکرد)</p>	ارزشیابی پایان درس
---	---	-----------------------

درس ششم
تدبر سورۀ فلق



مشخصات کلی	نام درس: تدبّر در قرآن مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان موضوع: تدبّر در سوره فلق درس: ششم مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: آیا از همه شروری که ممکن است به شما برسد، اطلاع دارید؟ آیا می‌توانید همه آن‌ها را از خودتان دور کنید؟ چقدر توان دارید که شرور را از خودتان دور کنید؟ آیا هنگامی که هوا کاملاً تاریک شده، می‌توانید با همان آرامشی که در روز دارید، در کوچه و خیابان قدم بزنید؟ چرا هنگام تاریکی و تنهایی، ناگهان دچار دلهره می‌شویم؟ چگونه می‌توانید آرامش خود را حفظ کنید؟ تا به حال برای شما اتفاقی پیش آمده است که در آن هنگام احساس کنید که خطر از بیخ گوشتان گذشت؟ آیا در آن لحظه پی نبردید که از دست خودتان کاری بر نمی‌آمده است؟ چه چیز شما را حفظ کرده است؟ اگر فردی به شما حسودی کند و بخواهد شری به شما برساند، آیا می‌توانید صد درصد، آن فرد را شناسایی و شرش را از خودتان دور کنید؟ در این مواقع که شرهای ناشناخته، ما را فراگرفته، چه کار کنیم تا از آن‌ها حفظ شویم؟
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: فلق (سپیده‌دم، شکافتن) جایگاه در مصحف: اخلاص، فلق ۱۱۳، ناس مکان نزول: مکه سال نزول: اول تعداد آیات: ۵ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم: بِسْمِ اللّٰهِ قُلْ اَعُوذُ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ (۳) وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ (۵)



۴. بر اساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم: به نام خداوند بخشنده مهربان بگو از شرّ مردم بداندیش و از شرّ آفریده‌های خدا، پناه می‌برم به پروردگاری که سپیده‌دم روشن را آفریده است؛ (۲ و ۱) همچنین از شرّ شب، آنگاه که تاریکی اش همه جا را فراگیرد و از شرّ هر تاریکی فراگیر دیگری، به خدا پناه می‌برم؛ (۳) همچنین از شرّ جادوی زنان افسونگری که در گره‌ها می‌دمند و تصمیم‌ها و اراده‌ها را سست می‌کنند (۴) و از شرّ بدخواه و حسود به خدا پناه می‌برم، هنگامی که آتش حسدش شعله‌ور شود. (۵) ۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم؛ فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده، آن را تصحیح و تکمیل کنیم: سوره فلق، از سوره‌های مکی قرآن است و در سال اول بعثت بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ از این رو سوره در فضایی نازل شد که یکی از موضوعات پراهمیت برای پیامبر عزیز ﷺ، پیدا کردن راه چاره‌ای بود برای از بین بردن شروری که برای انسان‌ها خطر ایجاد می‌کردند. این موضوع برای پیامبر ﷺ بسیار مهم بود؛ زیرا از يك سوزمان زیادی از آغاز رسالت رسول ﷺ نمی‌گذشت و تعداد مسلمانان بسیار کم و بیشتر از گروه ضعیف و مستضعف بودند و از سوی دیگر، مشرکان و دشمنان اسلام با امکانات مادی و موقعیت اجتماعی که داشتند، قدرت را به دست گرفته و از هیچ وسیله‌ای برای مقابله با رسول گرامی ﷺ و یارانشان فروگذار نمی‌کردند. آن‌ها هدفشان این بود که از طریق شرور مختلف یا نیمه‌های شب که فضای مناسبی برای شرارت کردن است و نیز زنان ساحرو حسودان، به مردم آسیب وارد کنند و آن قدر برای آن‌ها مشکلات دنیایی به وجود آورند تا اصلاً به سمت دین نیایند و کار پیامبر ﷺ، پیش نرود. ۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم: در چنین شرایطی سوره مبارکه فلق نازل شد تا به مردم بیاموزد که برای اینکه از شرّ همه بدی‌ها و آسیب‌هایی که ممکن است از عوامل مختلف به آنان برسد، در امان باشند، باید خود را در پناه خدا قرار دهند. انسان‌ها همواره در معرض شرور و بلا قرار دارند و غالباً از زمان و مکان آن‌ها بی‌خبرند؛ از این رو با خواندن سوره فلق، از هر شری که به انسان روی می‌آورد، مانند شرّ ساحران و حسودان، به خدای یگانه پناه می‌بریم. با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:	
ارائه درس	پناه بردن به خدا از شرور ناشناخته

پناه بردن به خدا از شرور ناشناخته



۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می شود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره فلق با واژه «قل» آغاز می شود. باتوجه به اینکه تمام سوره ها و آیاتی که بر پیامبر ﷺ وحی می شد، چه آن ها که با «قل» آغاز می شد و چه آن ها که با «قل» آغاز نمی شد، همه را رسول برای مردم ابلاغ می کردند، آغاز شدن سوره با واژه «قل»، نشان دهنده این است که ابلاغ این سوره به مردم، به خاطر اهمیت زیادی که دارد، باید فراتر از گفتن باشد؛ یعنی «ای رسول! نه تنها بگو؛ بلکه برای آن ها توضیح بده.»

آنچه پیامبر ﷺ موظف به بیان آن است، این است که همیشه باید به پروردگار سپیده دم، همان پروردگاری پناه ببریم که تاریکی شب را می شکافد و روشنایی صبح را در دل آن پدید می آورد: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْقَلْقِ﴾^۱
ارزشیابی مستمر: چرا در این سوره امر شده است که به پروردگار فلق پناه ببریم؟ از آنجا که فلق، اولین لحظه ای است که نور سپیده دم، شب را می شکافد و سر بر می آورد، به ما می فهماند که در سیاه ترین لحظات زندگی، ناامید نباشیم؛ زیرا همان پروردگار شب شکن، پروردگار شرشکن نیز هست.

ارزشیابی مستمر: چه وقت انسان پناه می برد؟

پاسخ فراگیر: وقتی احساس ترس می کنیم.

مسلماً انسان چون از چیزی بترسد و احساس ضعف کند، به کسی پناه می برد که قدرت دفع آن را دارد.

قسمت بعدی سوره، بیان کننده این است که از چه چیزی باید به خدا پناه برد؟ در ابتدا بیان می کند که از شر هرآنچه آفریده است: ﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾^۲
ارزشیابی مستمر: سؤالی که پیش می آید، این است که مگر خدا شر خلق می کند که باید از آن به خدا پناه ببریم؟ خدا شر خلق نمی کند. تمام آفریده های خدا خیر هستند. قرآن می گوید: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾^۳؛ همان خدایی که هرچه را آفرید، نیکو آفرید.

پس منظور این نیست که همه مخلوقات شر دارند؛ بلکه مراد این است که این شر اگر بخواهد بیاید، بالاخره از ناحیه مخلوقات خداست؛ بنابراین از قدرت و کنترل خدا خارج نیست و اگر خدا بخواهد، جلوی او را می گیرد؛ یعنی در اینجا ما از شرور طبیعی به خدا پناه می ببریم که خودشان شر نیستند، ولی زمینه ساز

ارائه درس



۱. فلق، ۱.
۲. فلق، ۲.
۳. سجده، ۷.

شر هستند. پس اگر مخلوقات در مسیر درست قرار نگیرند، شر می شوند؛ مثلاً اگر چاقوی بُرنده برای کاری مناسب مصرف شود، نیکوست؛ اما اگر در انجام کاری نامناسب استفاده شود، شر می شود.

نیش و دندان برنده حیوانات، يك حربه دفاعی برای آن هاست که در برابر دشمنانشان به کار می برند، همانند سلاحی که ما در مقابل دشمن از آن استفاده می کنیم. اگر این سلاح بجا به کار رود خیر است؛ اما اگر نابجا و در برابر دوست مصرف شود شر است.

نیش بعضی از مارها، زهری کشنده دارد و اگر موجودی را نیش بزند، باعث مرگ او می شود؛ پس از این نظر شر است، اما از زهر مار در تولید داروهای درمان هم استفاده می کنند و از این نظر، دیگر شر نیست؛ بلکه خیر است.

یکی از انرژی های ضروری انسان ها، نیروی برق است. اغلب وسایل الکترونیکی با برق کار می کنند و هنگامی که هوا تاریک می شود، نور لامپ است که به خانه ما روشنایی می دهد؛ اما اگر در خانه ما اتصالی رخ دهد و ما با جریان مستقیم برق برخورد کنیم، برای ما خطر جانی دارد؛ پس از این نظر، برای ما شر می شود. ارزشیابی مستمر: باتوجه به اینکه خدا شر خلق نمی کند، چرا آیه بیان کرده از شر مخلوقات به خدا پناه می برم؟! با مثال توضیح دهید.

بعد از بیان آنکه از شر مخلوقاتی که همراه خودشان شر دارند، باید به خدا پناه برد؛ در ادامه، به شرّ طبیعی دیگری اشاره می شود: از شرّ تاریکی شب، هنگامی که فراگیر شود: ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾^۱ یعنی زمانی که شب، کاملاً تاریک شده است که همان آخر شب است.

ارزشیابی مستمر: مگر تاریکی شب، شر است؟

پاسخ فراگیر: بله، چون تاریکی ترسناک است! خانم اجازه چون دزدها شب دزدی می کنند.

معلم توضیح می دهد که تاریکی شب به این خاطر شر است که بیشتر شرها، مانند حمله دشمن، دستبرد سارق، هجوم حیوانات و حشرات و کارهای زشت و خلاف، بیش از همه وقت، در شب های تیره و تاریک می دهند؛ چراکه از دید مردم پنهان اند و انسان ها از خطرات احتمالی اطرافشان غافل اند و فقط وقتی باخبر می شوند که آن ها کار خود را کرده اند.

پروردگار سپیده دم قادر است انسان را نه تنها در برابر شرور طبیعی، بلکه از شرور انسانی که ریشه در سوء اختیار انسان دارد نیز مصون بدارد؛ از شرّ زنان جادوگر، آن هنگام که در گره ها می دمند و در کار مردم گره می افکنند: ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾^۲

ارائه درس

۱. فلق، ۳.
۲. فلق، ۴.

۳۰	<p>را نادیده بگیریم و از آن پیروی نکنیم، آهسته آهسته حسد کم تر می شود تا اینکه از میان می رود؛ اما اگر حسادت را ادامه دهیم و چیزی بگوییم تا به اصطلاح دلمان خنک شود و آرام بگیریم، نتیجه عکس خواهیم گرفت و حسدمان افزون و افزون تر می شود.</p> <p>آری، اهتمام به این شرور همان طور که بیان شد، به خاطر این است که انسان از این شررها غافل است؛ یعنی این شرور، در حال غفلت آدمی حمله می کنند و در این حالت، انسان از محافظت خود در مقابل این شرور ناتوان است؛ از این رو باید با توکل و توسل به پروردگار، به او پناه ببریم تا دریچه هایی از امدادهای الهی به رویمان باز شود و از این شرور محافظت شویم. اگر پروردگار سپیده دم پشتیبان ما باشد، هیچ کس نمی تواند به ما آسیبی برساند؛ اما به شرط اینکه با زبان و قلب و عقلمان به یاد خدا باشیم تا آرامش بیابیم و از همه شرور و آفت ها در امان باشیم.</p>	ارائه درس
	<p>روایت شده است: «رسول خدا ﷺ بسیاری اوقات، حسن و حسین (علیهم السلام) را با معوذتین تعویذ می کردند»؛ یعنی آن ها را در پناه خدا قرار می دادند.^۱</p>	بیان حدیثی مناسب با موضوع درس
۵	<p>معلم به منظور تثبیت درس، با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می کند.</p>	خلاصه کردن درس
۸	<p>از فراگیر سؤال می کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. با توجه به اینکه تمام سوره ها و آیاتی که بر پیامبر ﷺ وحی می شد چه آن ها که با «قل» آغاز می شد و چه نمی شد، همه را رسول برای مردم ابلاغ می کردند، چرا این سوره با واژه «قل» آغاز شده است؟ (حیطه شناختی) ۴. چه وقت انسان پناه می برد؟ (حیطه شناختی) ۵. به چه کسی باید پناه ببریم؟ (حیطه شناختی) ۶. منظور از «رب فلق» چیست؟ (حیطه شناختی) ۷. چرا باید به «رب فلق» پناه ببریم؟ (حیطه شناختی) ۸. در این سوره، از چه شروری باید به خدا پناه برد؟ (حیطه شناختی) ۹. منظور از «شَرٌّ مَا خَلَقَ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۰. منظور از «نَفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۱. منظور از «حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۲. چرا سه نوع شر (تاریکی و سحر و حسد) مطرح شد؟ (حیطه شناختی) ۱۳. سوره فلق چه پیام آموزنده ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) 	ارزشیابی پایان درس

۳۰	<p>ارزشیابی مستمر: سؤالی که پیش می آید، این است که چرا در اینجا نگفت مردان جادوگر و نام زنان را آورد؟ پاسخ این است که اولاً خانم ها بیشتر دنبال سحر هستند و چون قوه تخیلی قوی دارند، می توانند به عنوان ساحر در چیزها و دیگران تأثیر بگذارند و به سبب غفلتشان از سحرشان در معرض آسیب آن ها هستیم.</p> <p>ارزشیابی مستمر: آیا سحر بدون اذن خدا تأثیر دارد؟</p> <p>البته سحر بدون اذن خدا اثری ندارد؛ کسی که به خدا ایمان دارد، نباید نگران جادو و جنبل باشد! بنابراین با خواندن همین سوره و پناه بردن به خدا، جادوها از کار می افتند.</p> <p>خداوند می تواند انسان را از دیگر شرور انسانی نیز حفظ کند؛ شروری مثل شَرُّ انسان حسود، هنگامی که حسادتش تحریک شود و حسادت بورزد و آسیبی را به فرد دیگر منتقل کند: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدًا﴾</p> <p>ارزشیابی مستمر: حسادت کردن یعنی چه و چرا شر است؟</p> <p>یعنی نعمت هایی که دیگران دارند، برای انسان خوشایند نباشد و چون ممکن است انسان حسود صدمه ای بزند، پس آری، شر است.</p> <p>حسادت بدین شکل است که خداوند به کسی نعمت داده است، مثلاً علم و مال و موفقیت؛ اما من به جای اینکه تسلیم اراده خداوند باشم، حسادت می ورزم؛ یعنی با قلب خود به کار خداوند و نعمتی که عطا فرموده است، اعتراض می کنم! پس یکی از گناهان پرخطر، حسادت است. آدمی نمی تواند حسود را نادیده بگیرد و خطر بزرگی دارد که تنها راه نجات از آن، پناه بردن به پروردگار سپیده دم است. در واقع حسود کسی است که آرزو می کند، نعمت از دست صاحبش برود و این نعمت تنها از آن او باشد؛ اما انسان مؤمن غبطه می خورد؛ یعنی آرزو می کند که او هم همانند دوستش از نعمت برخوردار باشد.</p> <p>منظور از شَرُّ حسود، هنگامی که حسادت می ورزد، این است که با وجود اینکه ممکن است حس حسادت، کم و بیش درون همه انسان ها باشد؛ هر چند صفای دل را از بین می برد، به خودی خود شر نیست؛ هر وقت تبدیل به عمل شد، شر می شود. اگر کسی حسادت نورزد، شری برایش نیست. اگر حسود حسادت خود را عملی کند؛ به دلیل اینکه ما از نیت او غافلیم، باید از شر او به خدا پناه ببریم.</p> <p>ارزشیابی مستمر: حال چگونه این مرض را درمان کنیم؟ ممکن است فراگیر پاسخی ندهد. پاسخ این است که باید حسادت را سرکوب کرد. اگر کسی حسادت ورزید، اما حسادتش را نادیده گرفت و آن را عملی نکرد، در این صورت حسد کم رنگ و کم رنگ تر می شود تا اینکه بمیرد. حسد آدمی را وامی دارد تا بر ضد کسی سخن بگوید، توطئه بچیند و مشکلاتی برایش ایجاد کند؛ اما اگر حسادت</p>	ارائه درس
----	--	-----------

درس هفتم تدبیر سوره توحید

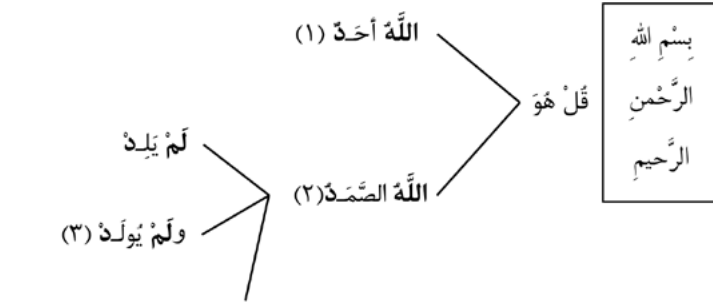
<p>۸</p>	<p>۱۴. چه کسانی علاقه مند هستند، هرآنچه را از سوره فهمیده‌اند، ارائه دهند؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۵. آیا دوست دارید تدبیر در این سوره را به دیگر دوستان خود هم ارائه دهید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۶. آیا سوره‌های قبلی را که تدبیر در آن‌ها تدریس شد، مرور می‌کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۷. تا حالا احساس کرده‌اید که خطر از بیخ گوشتان رد شده است؟ چرا؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۸. چقدر به خواندن سوره‌های فلق و ناس و... اهمیت می‌دهید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۹. آیا قبول دارید، خداوند بهترین پناهگاه برای دفع شرور است؟ چرا؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۰. در لحظاتی که با خطری مواجه می‌شوید و کاری از دستتان بر نمی‌آید، چه می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۱. آیا خطرات، فقط همان چیزهایی هستند که ما از آن‌ها آگاهی داریم؟ چرا؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۲. شما چگونه خود را از خطرات ناشناخته حفظ می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۳. آیا شروری که به انسان می‌رسد، از حیطه کنترل قدرت خدا خارج‌اند؟ چرا؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۴. برای اینکه در تاریکی شری به شما نرسد، چه می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۵. آیا کار افرادی را تأیید می‌کنید که برای رفع مشکلاتشان دنبال سحر و جادو هستند؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۶. چگونه حسادت خود را کنترل می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۷. چه کار می‌کنید تا دیگران به شما حسادت نوززند؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۸. چقدر شرور تاریکی شب و ساحرو حسود اهمیت دارند؟ چرا؟ (حیطه عاطفی)</p>	<p>ارزشیابی پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبیرانه انجام می‌شود.</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>از فراگیر خواسته می‌شود، درس امروز را برای پرسش در جلسه بعد مرور کند؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و با توجه به اینکه قرائت چندباره در تدبیر، از اهمیت برخوردار است، از فراگیر خواسته می‌شود، سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را بداند. در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>
	<p>بهتر است که معلم روی بحث سحر و جادو، زیاد مانور ندهد. نباید به فراگیر طوری تلقین شود که گمان کند بخشی از زندگی او درگیر سحر و جادوست.</p>	<p>بایسته‌ها برای مربی</p>



۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می نویسیم:



۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می کنیم:



۴. براساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه ای ساده و روان از آیات ارائه می دهیم:

به نام خدای بخشنده مهربان

بگو که او خدای یکتاست. (۱) خدای بی نیازی که همه به او نیازمندند و فقط او نیازشان را برطرف می کند. (۲) نه فرزندی دارد و نه فرزند کسی است (۳) و هیچ کس شبیه و همتای او نیست. (۴)

۵. فضای سوره را بیان می کنیم؛ فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت، می توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه، استفاده کرده و آن ها را تصحیح و تکمیل کنیم:

سوره در فضایی نازل شد که تمام ادیان الهی گذشته و کتاب های آسمانی، تحریف شده و آموزه های پیامبران صاحب شریعت، به دست دنیاخواهان و پیروان شیطان تغییر یافته بود. به همین خاطر، امت های زیادی به انحراف کشیده شده بودند. انواع شرک، از جمله فرزند قائل شدن برای خدای متعالی، فراگیر شده بود. یهود، عزیز را و مسیحیان، عیسی را پسر خدای دانستند و مشرکان عرب نیز معتقد بودند که فرشتگان، دختران خدا هستند! در سرزمین حجاز و شهر مکه نیز وضع به همین صورت، بلکه بدتر و ظلمانی تر بود. با اینکه مکه محل خانه توحید و بنای پیامبران بزرگوار خدا، ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بود، در طول بیش از سه هزار سال فاصله میان ابراهیم (ع) تا پیامبر اسلام (ص) خرافه و کفر بر عقاید بیشتر مردم این دیار سایه انداخته بود. کار به جایی رسید که قبایل مختلف سرزمین عربستان بت های گوناگون خود را در خانه کعبه آویخته و هنگام زیارت کعبه، بت هایشان را پرستش می کردند و برای برطرف کردن حوائج خود، دست نیاز به سوی آن ها دراز می کردند. مردم بدون هیچ آیین و مقصدی، روزگار را در جهل و نادانی سپری می کردند. از میان همه ساکنان حجاز، تنها خاندانی که بر آیین ابراهیمی

ارائه درس

مشخصات کلی	نام درس: تدریس در قرآن مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان موضوع: تدریس در سوره توحید درس: هفتم مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: آیا هرکس به تنهایی می تواند از پس همه نیازها و مشکلاتش برآید؟ مسلماً نه. چون مطمئناً تاکنون مشکلات و نیازهایی وجود داشته است که خودمان نتوانسته ایم آن ها را حل کنیم. در این مواقع، چه کار می کنید؟ پیش چه کسی می روید؟ از چه کسی کمک می گیرید؟ مثلاً ممکن است به پدر و مادر یا معلم و دوستان خود مراجعه کنید تا به شما کمک کنند. تازه بعضی وقت ها پدر و مادر هم به تنهایی نمی توانند مشکل ما را برطرف کنند؛ بلکه به کمک دیگران هم نیاز است. حال اگر این ها هم نتوانند مشکل ما را حل کنند، چه کسی می تواند به ما کمک کند؟ آیا انسانی هست که بتواند همه نیازهای یک انسان دیگر را برآورده کند؟ آیا انسانی که خود نیازمند است، می تواند نیاز دیگران را برآورده کند؟! پس تنها، کسی می تواند نیاز همه انسان ها را برآورده کند که خودش بی نیاز باشد. آیا جز خدای بزرگ و مهربان، بی نیاز دیگری وجود دارد؟! آیا او برای انجام کاری به کمک دیگران نیاز دارد؟! نه، چون خداوند، تنها کسی است که خودش به هیچ چیز و هیچ کس نیازی ندارد و تنها اوست که می تواند مشکلات ما را حل کند و نیازهایمان را برآورده کند. اگر پدر و مادر، دوست، معلم یا هرکس دیگری بتواند مشکل و نیاز ما را برطرف کند، به نظر شما چه کسی به آن ها این قدرت و توانایی را داده است که مشکل ما را حل کنند؟ آیا جز خداوندی که آفریننده آن هاست، کس دیگری به آن ها قدرت داده است؟ چرا بعضی ها در لحظات سخت زندگی و مشکلات زیادی که دارند، باز هم آرام اند؟ پاسخ این است که آن ها ایمان دارند که تنها کسی که نیازهایشان را برطرف می کند، فقط خدای یکتای بی همتاست و بس؛ از این رو همه چیز را به خدا می سپارند و از خدا می خواهند که مشکلاتشان را حل کند. برایتان پیش آمده است که موقع امتحان به خاطر مشکلاتی نتوانید خوب درس بخوانید؛ اما از خدا بخواهید که کمکتان کند و بروید سر جلسه امتحان و هرچه را یاد دارید، جواب دهید؛ بعد هم نمره تان چیزی شود که فکرش را نمی کردید؟!
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می کنیم؛ بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛

باقی مانده و همچنان یکتاپرست به شمار می‌آید، خاندان بنی‌هاشم از قبیلۀ قریش بود تا اینکه پروردگار، بهترین آفریده خود را برای هدایت مردم به سوی آنان مبعوث کرد. با بعثت پیامبر اکرم ﷺ، دین اسلام به عنوان دین جدید، ظهور و با آیین‌های بت‌پرستی مخالفت کرد؛ برای همین، افراد مختلفی از اهل کتاب و مشرکین مکه، درباره اوصاف پروردگار از حضرت محمد ﷺ سؤالاتی می‌کردند و از آن بزرگوار ﷺ می‌خواستند که خدای خود را توصیف کند.

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:

سوره اخلاص نازل شد و پاسخ سؤال آنان را این‌گونه داد که، خدا، یگانه و بی‌همتاست، همه به او محتاج‌اند و او را قصد می‌کنند و تنها اوست که نیازها را برطرف می‌کند؛ بنابراین فقط او شایسته پرستش است و برای توضیح معنای صمدیت، صفات سه‌گانه فرزندداشتن و زاییدن و همتاداشتن را از الله نفی کرد تا با این بیان همه عقاید خرافی و شرک‌آلود را از بین ببرد.

آری، خداوند به هیچ‌کس نیاز ندارد و به هر کار سخت و مشکل توانا است و تنها اوست که همیشه به انسان‌ها کمک می‌کند و در مشکلات و تنهایی‌ها همراه انسان است. بدین ترتیب مطلب اصلی سوره، در زمینه صمدیت خداوند است. با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:

خدای صمد، تنها برآورده‌کننده حوائج

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:

به نام خداوند گسترده‌مهر مهربان

ارزشیابی مستمر: پیامبر ﷺ مأمور بودند که همه سوره‌ها و آیاتی که برایشان نازل می‌شد، به مردم منتقل کنند؛ پس چراواژه «قل» در اول همه سوره‌ها و آیه‌ها نیامده است؟ ممکن است فراگیر پاسخی ندهد یا بیان کند: «چون مطلب مهمی بوده است، 'قل' هم آمده است.»

سوره اخلاص با واژه «قل» آغاز می‌شود؛ با توجه به اینکه تمام سوره‌ها و آیاتی که بر پیامبر ﷺ وحی می‌شد، چه آن‌هایی که با «قل» آغاز می‌شد و چه آن‌هایی که با «قل» آغاز نمی‌شد، همه را حضرت رسول ﷺ برای مردم ابلاغ می‌کردند، آغازشدن سوره با واژه «قل» نشان‌دهنده این است که ابلاغ این سوره به مردم، به خاطر اهمیت بسزایی که دارد باید فراتر از گفتن باشد؛ یعنی «ای رسول! نه تنها بگو، بلکه این حقیقت را برای آن‌ها خوب توضیح بده.»

خداوند در بیان اوصاف خود به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۚ﴾؛ بگو او خدای احد است. احد یعنی یگانه‌ای که نهایی در یگانگی او نیست؛ بنابراین

ارائه درس



جایی برای خدای دوم نمی‌ماند؛ زیرا وقتی بعد از عدد «یک»، عدد «دو» می‌آید که «یک» محدود بوده و انتها داشته باشد. پس ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، یعنی این خدایی که همه صفات خوب را دارد، تک و بی‌نظیر است.

درس خداشناسی را باید از حضرت زینب (رضی الله عنها) آموخت که در دوران کودکی، «پدرش حضرت علی (رضی الله عنه) از او پرسید: 'بگو یک'. زینب (رضی الله عنها) بی‌درنگ پاسخ داد: 'یک'. علی (رضی الله عنه) فرمود: 'بگو دو'. زینب (رضی الله عنها) سکوت کرد و چیزی نگفت. پدر دوباره خواسته‌اش را تکرار کرد. زینب (رضی الله عنها) گفت: 'پدر عزیزم، زبانی که به گفتن یک (خدای یکتا) باز شده است، چگونه کلمه دو را به زبان آورد؟'»

ارزشیابی مستمر: به نظر شما، مشرکان، خالق آسمان‌ها و زمین را چه کسی می‌دانستند؟ بت‌ها؟ خیر.

مشرکان، خداوند را به عنوان خالق قبول داشتند؛ اما دچار شرک شدند و گفتند: خدا شریک هم دارد و این بت‌ها هستند که امور جهان را تدبیر و مدیریت می‌کنند و برای همین آن‌ها را پرستش کرده و از آن‌ها خواسته خود را می‌خواستند؛ از این رو در آیه بعد می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾؛ یعنی فقط الله، صمد است.

ارزشیابی مستمر: می‌دانید صمد یعنی چه؟ یعنی بی‌نیاز. حُب پس با غنی چه فرقی دارد؟

ارزشیابی مستمر: عبارت قرآنی ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾، یعنی اینکه تنها، خدا نیازها را برطرف می‌کند. پس چرا برای رفع نیازهایمان، به ائمه (رضی الله عنهم) توسل می‌کنیم؟

پاسخ فراگیر: چون خدا به آن‌ها اجازه داده است؟

آری، صمد یعنی بزرگی که تمام موجودات عالم، کوچک و بزرگ برای رفع نیاز به او مراجعه می‌کنند؛ درحالی‌که خود، بی‌نیاز مطلق است. خداوند چون خالق موجودات است، موجودات محتاج او هستند؛ بنابراین برای برآورده شدن حاجات خود، به او روی می‌آورند و چنانچه به دیگری هم متوسل شوند، درحقیقت، مقصد و مقصودشان خداست.

بیشتر ما در خانه‌هایمان تلفن داریم. گاهی تلفن‌ها خراب می‌شوند؛ آن وقت برای استفاده از تلفن باید به جایی رفت که تلفنش کار می‌کند. ما همه می‌توانیم با خدا صحبت کنیم؛ اما گاهی این دل‌ها به واسطه گناه خراب می‌شوند و خط نمی‌دهند! آن وقت می‌رویم سراغ افرادی که خطشان دائم وصل است: آن‌ها همین ائمه هدی (رضی الله عنهم) هستند.

پس ما، هم می‌توانیم حاجت‌هایمان را به طور مستقیم از خدا بخواهیم و هم می‌توانیم از پیامبران یا امامان (رضی الله عنهم) بخواهیم که برایمان دعا کنند و حاجت‌هایمان

ارائه درس



۳۰

۳۰

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه؛ در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ج ۳، ص ۵۴.

۲. توحید، ۲.

۱. تفهیم متن، با این پرسش آغاز می‌شود.

۲. توحید، ۱.

<p>۳۰</p>	<p>راز خدا بخواهند. خدا مؤمنان را تشویق می کند که از پیامبر ﷺ بخواهند برایشان دعا کند و وعده داده است که اگر پیامبر ﷺ از خدا بخواهد که آنان را بیامرزد، خدا آن ها را می آموزد. اگر متوسل شدن به پیامبر ﷺ بد است، پس چرا خدا مؤمنان را تشویق می کند که نزد پیامبر ﷺ بیایند و پیامبر ﷺ را تشویق می کند که برای مؤمنان آموزش بخواهد؟! اینکه برای امامان یا پیامبر ﷺ، قدرت مستقلی در برابر قدرت خدا قائل شویم و معتقد باشیم که اگر خدا کاری را نخواهد، باز هم پیامبر ﷺ یا امامان (علیهم السلام) می توانند آن را انجام دهند، عقیده ناپسندی است؛ ولی هیچ مؤمنی چنین عقیده ای ندارد.</p> <p>ارزشیابی مستمر: مثلاً خود شما که دعا می کنید و از پیامبر ﷺ یا امام رضا (علیه السلام) می خواهید که حاجت شما را برآورده کند، امام رضا (علیه السلام) را از خدا برتر می دانید یا خدای ناکرده فکر می کنید اگر خدا نخواهد، امام رضا (علیه السلام) می تواند کاری را انجام دهند؟! اگر برای پیامبر ﷺ و امامان (علیهم السلام) قدرت مستقلی قائل نشویم، بلکه معتقد باشیم که اگر پیامبر ﷺ یا امامان (علیهم السلام) برای ما دعا کنند، خدا دعای آن ها را اجابت می کند؛ این عقیده پسندیده و خوبی است و همه ما چنین عقیده ای داریم. در ضمن، توجه کنید که ما ائمه (علیهم السلام) را نمی پرستیم؛ اما مشرکان بت ها را می پرستند.</p> <p>خلاصه اینکه ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾^۲، یعنی خدا همان بی نیازی است که همه به او نیازمندند و برای برآورده شدن حاجاتشان به او رو می آورند.</p> <p>در ادامه برای اینکه توضیح دهد «فقط خدا صمد است»، سه چیز را از خدا نفی می کند: اول اینکه خداوند، فرزندی ندارد، چون در این صورت، به آن فرزند نیاز داشت: «لَمْ يَلِدْ»؛ دوم اینکه خدا فرزند کسی نیست، چون در این صورت، نیز به پدر و مادری نیازمند بود که او را به دنیا آورده اند: «وَلَمْ يُولَدْ»؛ سوم نیز اینکه هیچ کس همتای خداوند نیست، چون در این صورت، این همتا نیز بی نیاز بود و خداوند به او نیازمند می شد: ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^۳؛ پس فقط، خدا صمد است و بس.</p> <p>ارزشیابی مستمر: چرا خداوند، فرزند و والدین و کفو را از خود نفی کرده است؟</p> <p>پاسخ فراگیر: برای اینکه اثبات کند، فقط خودش صمد است.</p>	<p>ارائه درس</p>
<p></p>	<p>امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «فقط از خدای سبحان درخواست کنید؛ چراکه اگر او به شما عطا کند، شما را گرامی می کند و اگر به شما ندهد، خیرتان را در آن قرار می دهد.»^۴</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>
<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>

<p>۸</p>	<p>از فراگیر سؤال می کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. با توجه به اینکه پیامبر ﷺ تمام سوره ها و آیاتی که بر او وحی می شد، چه آن ها که با «قل» آغاز می شد و چه نمی شد، همه را برای مردم ابلاغ می کردند، چرا این سوره با واژه «قل» آغاز شده است؟ (حیطه شناختی) ۴. منظور از «الله احد» چیست؟ (حیطه شناختی) ۵. منظور از «الله الصمد» چیست؟ (حیطه شناختی) ۶. خداوند برای توضیح صمدیت، چه چیزهایی را از خود نفی می کند؟ (حیطه شناختی) ۷. منظور از «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۸. منظور از «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» چیست؟ (حیطه شناختی) ۹. سوره توحید چه پیام آموزنده ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) ۱۰. اینکه با تدبیر در سوره توحید آشنا شدید، چه تأثیری در نمازهایتان داشته باشد؟ (حیطه عاطفی) ۱۱. آیا دوست دارید آنچه از تدبیر در این سوره آموختید، برای دوستانتان هم بیان کنید؟ (حیطه عاطفی) برای رفع مشکلات زندگی به چه فرد یا افرادی تکیه می کنید؟ چرا؟ (حیطه عملکرد) ۱۲. قبول صمدیت خدا در زندگی چه اهمیتی دارد؟ (حیطه عاطفی) ۱۳. اعتقاد به اینکه خدا تنها رافع حوائج است، چه تأثیری در زندگی شما دارد؟ (حیطه عاطفی) ۱۴. اگر در زندگی برای شما مشکل حادّی پیش بیاید، برای حل آن چه می کنید؟ (حیطه عملکرد) ۱۵. اگر دچار بیماری سختی شوید، چه می کنید؟ (حیطه عملکرد) ۱۶. اگر خانواده تان از نظر مالی دچار مشکل شوند، چه می کنند؟ (حیطه عملکرد) ۱۷. به نظر شما چرا بعضی ها با اینکه در زندگی مشکلات زیادی دارند، احساس آرامش دارند؟ (حیطه عاطفی) ۱۸. آیا می شود ما به صمدیت خدا باور داشته باشیم، اما باز هم در زندگی به تنش و اضطراب زیادی دچار باشیم؟ (حیطه عاطفی) 	<p>ارزشیابی پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p> <p>برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می شود.</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p>

۱. نساء، ۶۴.
۲. توحید ۲.
۳. توحید ۴.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۳.

۱	<p>از فراگیر خواسته می‌شود، درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد.</p> <p>در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>
	<p>معلم نباید از اصطلاحات و تعاریف کلامی، مانند توحید ذاتی و صفاتی و افعالی استفاده کند.</p> <p>برای این گروه سنی نباید از دلایل و برهان‌های فلسفی نیازمند فکر و تأمل زیاد استفاده کرد؛ اما از آنجاکه ذهن نوجوانان در زمینه این مسائل آماده شده است، می‌شود در اثبات وحدانیت خداوند، از محسوسات و چیزهایی که برای او فهم پذیر است، مثال و دلیل آورد. ما می‌توانیم با استفاده از شگفتی‌ها و نعمت‌های پیرامون خودمان، نوجوانان را بیشتر با خدا آشنا کنیم.</p> <p>چون بحث اصلی در این سوره، بحث توحید در صمدیت است، بهتر است بحث کلاس به سمت دعا پیش نرود؛ چراکه ممکن است سؤالاتی پیش آید که از حوصله کلاس خارج است؛ از قبیل اینکه: «چرا بعضی از دعاها ظاهراً مستجاب نمی‌شود؟»</p> <p>توجه شود که نفی پدر و فرزند برای خداوند، نفی عواطف خانوادگی نیست؛ بلکه نفی وابستگی و نیاز است؛ پس ذهن فراگیر نباید به این سمت برود که چرا خدا پدر و مادر ندارد؟</p> <p>معلم مراقب باشد، بچه‌ها به سمت سؤالات بی‌انتهای درباره تصور خدا، سوق داده نشوند.</p> <p>معلم حتماً با بیانی روان، شبهه و هابیت در مسئله توسل را برای فراگیران پاسخ گوید.</p> <p>اگر فراگیران پرسیدند: «این خدای بی‌نیاز چه نیازی به نماز ما دارد؟» این‌گونه پاسخ می‌دهیم که: «این ما هستیم که به یاد خدا نیاز داریم» و در ادامه نیز توضیح مختصری اضافه می‌کنیم.</p>	<p>بایسته‌ها برای مربی</p>
	<p>تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات ایران، ۱۳۶۶.</p> <p>محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه؛ در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.</p> <p>مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، ج ۱، چ ۱، تهران، ۱۳۷۴.</p>	<p>منابع</p>

درس هشتم تدبیر سوره عصر



مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن درس: هشتم موضوع: تدبیر در سوره عصر مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: یک سال چند ماه دارد؟ یک ماه چند روز دارد؟ یک روز چند ساعت است؟ هر ساعت چند دقیقه و هر دقیقه چند ثانیه است؟ چند سال از عمرمان می‌گذرد؟ در زندگی مان چقدر زمان مفید داشته‌ایم؟ در این زمانی که از عمرمان گذشته، چقدر به مخلوقات خدا یا خودمان فایده رسانده‌ایم؟ آیا می‌توانیم زمان را به عقب برگردانیم و دوباره از اول شروع کنیم؟ می‌گویند وقت طلاست. توجه کنید که طلا را می‌شود خرید؛ اما وقت را نه. چقدر از وقتتان را به رازونیز با خدا و عبادت او اختصاص می‌دهید؟ چقدر کارهای خوب و مفید انجام می‌دهید؟ درس می‌خوانید؟ مطالعه مفید دارید؟ به اطرافیان، به ویژه پدر و مادران کمک می‌کنید؟ آیا زمانتان را مدیریت می‌کنید؟ برنامه‌ریزی دارید تا هر چیزی، سر جای خودش باشد و بتوانید به اندازه عبادت کنید، به اندازه کار کنید و به اندازه تفریح و استراحت داشته باشید؟ مثلاً اگر شما به تازگی گوشی همراه یا رایانه خریدید، آیا صحیح است که همه وقتتان را برای نوشتن پیامک یا بازی‌های کامپیوتری یا صحبت‌های بیهوده با دیگران صرف کنید؟ اصلاً در این صورت، میل و توانی برای انجام دادن کارهای دیگر، مثل عبادت و درس خواندن باقی می‌ماند؟ همیشه باید در همه کارهایمان تعادل داشته باشیم و به دوستان و اطرافیانمان هم سفارش کنیم که این‌گونه باشند.	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: عصر جایگاه در مصحف: تکاثر، عصر (۱۰۳)، همزه مکان نزول: مکه سال نزول: اول یا دوم تعداد آیات: ۳ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم:	۳۰

مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن درس: هشتم موضوع: تدبیر در سوره عصر مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: یک سال چند ماه دارد؟ یک ماه چند روز دارد؟ یک روز چند ساعت است؟ هر ساعت چند دقیقه و هر دقیقه چند ثانیه است؟ چند سال از عمرمان می‌گذرد؟ در زندگی مان چقدر زمان مفید داشته‌ایم؟ در این زمانی که از عمرمان گذشته، چقدر به مخلوقات خدا یا خودمان فایده رسانده‌ایم؟ آیا می‌توانیم زمان را به عقب برگردانیم و دوباره از اول شروع کنیم؟ می‌گویند وقت طلاست. توجه کنید که طلا را می‌شود خرید؛ اما وقت را نه. چقدر از وقتتان را به رازونیز با خدا و عبادت او اختصاص می‌دهید؟ چقدر کارهای خوب و مفید انجام می‌دهید؟ درس می‌خوانید؟ مطالعه مفید دارید؟ به اطرافیان، به ویژه پدر و مادران کمک می‌کنید؟ آیا زمانتان را مدیریت می‌کنید؟ برنامه‌ریزی دارید تا هر چیزی، سر جای خودش باشد و بتوانید به اندازه عبادت کنید، به اندازه کار کنید و به اندازه تفریح و استراحت داشته باشید؟ مثلاً اگر شما به تازگی گوشی همراه یا رایانه خریدید، آیا صحیح است که همه وقتتان را برای نوشتن پیامک یا بازی‌های کامپیوتری یا صحبت‌های بیهوده با دیگران صرف کنید؟ اصلاً در این صورت، میل و توانی برای انجام دادن کارهای دیگر، مثل عبادت و درس خواندن باقی می‌ماند؟ همیشه باید در همه کارهایمان تعادل داشته باشیم و به دوستان و اطرافیانمان هم سفارش کنیم که این‌گونه باشند.	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: عصر جایگاه در مصحف: تکاثر، عصر (۱۰۳)، همزه مکان نزول: مکه سال نزول: اول یا دوم تعداد آیات: ۳ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم:	۳۰

آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وَتَوَصَّوْا بِالْحَقِّ

وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ (۳)

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ

۴. براساس ترجمه آقای رحماندوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم:

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به زمان (۱) که بی‌تردید انسان‌ها در حال زیانکاری هستند. (۲) مگر آن کسانی که ایمان دارند و نیکوکاری می‌کنند و یکدیگر را سفارش می‌کنند که طرفدار و پیرو حق باشند و نیز یکدیگر را به پایداری و شکیبایی فرامی‌خوانند. (۳)

۵. **فضای سوره را بیان می‌کنیم:** فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:

سوره عصر از سوره‌هایی است که در اوایل بعثت، در مکه بر پیامبر ﷺ نازل شد؛ یعنی در فضایی که مردم عرب جاهلی، چنان درگیر دنیا شده بودند که فراموش کرده بودند از کجا و برای چه آمده‌اند و به کجا خواهند رفت. آنان، زندگی دنیایی خود را فقط فرصتی برای خوش‌گذرانی‌های موقت و بیهوده می‌پنداشتند و در نتیجه، سرمایه‌های وجودی خود اعم از عمر، زمان، استعدادها و انرژی را با صرف کردن در چیزهای بی‌ارزش، به هیچ‌وپوچ از دست می‌دادند. تمام تلاششان برای گردآوری مال بود و به ثروت خود مباهات می‌کردند و به دنبال کسب جاه و مقام بودند؛ غافل از اینکه زمان و عمر محدودشان به سرعت می‌گذرد و به ضرر و خسرانی برگشت‌ناپذیر دچار خواهند شد.

۶. **جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:**

در چنین شرایطی، پروردگار مهربان، سوره مبارکه عصر را نازل کرد. آغاز سوره با قسم به عصر، زنگ بیداری انسان‌ها را از خواب غفلت به صدا درمی‌آورد و این‌گونه توجه انسان را به اهمیت زمان جلب می‌کند و در جواب قسم، این حقیقت را بیان می‌کند که در گذر زمان به طور طبیعی همه انسان‌ها دچار خسران می‌شوند، چراکه عمر انسان به عنوان یک سرمایه، لحظه‌به‌لحظه از دست می‌رود و برگشت‌ناپذیر نیز هست؛ از این رو او در زیان و خسران هست؛ مگر اینکه اهل ایمان باشد و این ایمان در عمل صالح او و نیز توصیه کردن به دیگران به حق و صبر نشان داده شود تا از این خسران نجات یافته و آن را جبران کند. با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:

**همه انسان‌ها در سرمایه‌ عمرشان
دچار خسران هستند، مگر اهل ایمان**

پس ای انسان! عمر با تمام ارزشی که دارد، به سرعت در حال گذر است و فرصت‌ها یکی پس از دیگری از دست می‌روند، باید بکوشی تا آخر این فرصت، دست خالی نباشی و ضرر نکرده باشی.

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:

به نام خداوند گسترده‌مهر مهربان

پروردگار در سوره مبارکه عصر، اهمیت زمانِ روبه‌پایان را تذکر می‌دهد.

این سوره با سوگندی پرمعنا آغاز می‌شود.

ارزشیابی مستمر: به نظر شما چرا خدا در قرآن، بعضی جاها کلام خود را با سوگند آغاز کرده است؟

پاسخ فراگیر: شاید می‌خواهد مطلب مهمی را بگوید.

بله، همیشه قسم به امور پُرارزش و مهم تعلق دارد. قسم‌های قرآن نیز دلیل بر عظمت و اهمیت اموری است که به آن‌ها قسم یاد شده است. از طرف دیگر قسم همیشه برای تأکید است. از این گذشته هرگاه گوینده، سخن خود را قاطعانه بیان کند، از نظر روانی در قلب شنونده اثر بیشتری می‌گذارد؛ این قسم‌های قرآن نیز مؤمنان را قوی‌تر و منکران را نرم‌تر می‌کند.

خداوند در این سوره، به «عصر» سوگند خورده است: ﴿وَ الْعَصْرِ﴾

ارزشیابی مستمر: منظور از «عصر» در اینجا چیست؟

پاسخ فراگیر: منظور زمان است.

عصر، گاهی به معنای دوران و روزگار است، مانند عصر هخامنشیان و گاهی نیز به معنای بعدازظهر و آخر روز است. هر دوی این‌ها یک خصوصیت مشترک دارند که به همان معنای لغوی عصر برمی‌گردد. عصر در لغت به معنای چکیدن و فشردن است؛ گویا بعدازظهر به این دلیل، عصر نامیده شده است که نزدیک به تمام شدن روز و آمدن شب است. عصر به معنای بعدازظهر، لحظه‌ای است که آخرین شعاع‌ها و قطره‌های نور را می‌بینیم و روشنایی رو به اتمام است. خصوصیت عصر و روزگار هم، همین است که می‌گذرد و تمام می‌شود؛ پس در واقع، عصر، روز و روزگاری است که رو به پایان است.

در جواب قسم که اصل سخن نیز محسوب می‌شود، حقیقت مهم در خسران بودن همه انسان‌ها، با تأکید هرچه بیشتر بیان شده است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفٍ خُسْرٍ﴾. این تأکیدها عبارت است از:

ارائه درس



۱. خود جمله با قسم آغاز شده است: هرگاه می‌خواهند مطلبی را با قاطعیت و تأکید بیان کنند، آن را با قسم همراه می‌کنند، مثل برخی از مردم که با قسم خوردن می‌خواهند طرف مقابلشان اطمینان خاطر پیدا کرده و حرفشان را کاملاً باور کند؛ ۲. این سوره با حرف «إِنَّ» آغاز شده است: یکی از کارهای عرب‌زبان‌ها برای بیان حتمیت و قطعیت سخن و از بین بردن تردید، این است که جمله را با حرف «إِنَّ» آغاز می‌کنند. برای همین ما در فارسی این حرف را با واژه‌های قطعاً و حتماً ترجمه می‌کنیم؛

۳. خداوند در این سوره نفرموده است که انسان خسارت می‌بیند، بلکه فرموده است: «انسان در خسران است»: این، شدت خسران را می‌رساند؛ یعنی انسان‌ها غرق در خسران‌اند و خسران، آن‌ها را از اطراف در محاصره شدید و کامل قرار داده و راه نجاتی ندارند.

ارزشیابی مستمر: خُب، با این توضیحات، چه کسی می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد: «چرا آیه دوم این سوره، اهمیت ویژه‌ای دارد؟»
فراگیر توضیح می‌دهد.

ارزشیابی مستمر: منظور از ضرر و خسران چیست؟

پاسخ فراگیر: یعنی زیان می‌کند و از دست می‌دهد.

۳۰. آفرین، برای اینکه معنای خسران را خوب بفهمید به این مثال توجه کنید: فردی، پولی را پس انداز کرده است و می‌خواهد با به‌کارانداختن این سرمایه، سودی به دست آورد، اما متأسفانه به خاطر اینکه بلد نبوده است که چطور کار کند، سودی به دست نمی‌آورد؛ اما اصل پولش همچنان باقی است. گاهی وضع از این هم بدتر می‌شود؛ یعنی فرد سود که نکرده است هیچ، اصل سرمایه خود را هم از دست می‌دهد و به اصطلاح ورشکست می‌شود. در این حالت است که دچار خسران شده است؛ یعنی در اصل سرمایه خودش هم ضرر کرده است.

مشاهده کردیم که خداوند در این سوره، به عصر سوگند خورد و در جواب فرمود که همه انسان‌ها غرق در خسران‌اند. چه ارتباطی بین این قسم و جوابش دیده می‌شود؟ این خسارت در باارزش‌ترین و گران‌بهارترین سرمایه‌ای است که در این عالم به انسان داده شده است، یعنی عمر انسان. عمر سرمایه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌شود آن را جبران کرد و به سرعت هم از دست ما می‌رود، مثل روزی که در حال گذر و تمام شدن است! آدم‌ها نیز با گذر روزها و روزگارها، دارند عمر و فرصت‌ها و استعدادها و سرمایه‌های وجودی خودشان را از دست می‌دهند. مثال ما و عمرمان، مثال آن یخ‌فروشی است که در ظهر تابستان فریاد می‌زد و می‌گفت: «رحم کنید به کسی که اصل سرمایه‌اش در حال نابود شدن است! بیایید یخ بخرید که سرمایه‌ام دارد از بین می‌رود!» انسان نیز با هر نفسی که می‌کشد،

ارائه درس

بزرگ‌ترین سرمایه، یعنی عمرش کم می‌شود؛ پس باید کاری بکند؛ چون سرمایه عمرش، یعنی استعدادها و نیروی جسمانی و روحانی‌اش رو به کاهش است و اگر از آن‌ها بهره لازم را نبرد، واقعاً در ضرر و زیان است.

ارزشیابی مستمر: چه کسی می‌تواند ارتباط بین عصر و خسران انسان را خوب توضیح دهد؟

فراگیر می‌بایست با توجه به توضیحات معلم پاسخ گوید.

شما الان پرتوان و پرنرزی هستید و می‌توانید کارهای مثبت بسیاری انجام دهید: درس بخوانید، کار کنید، عبادت کنید، به دیگران کمک کنید و...؛ اما وقتی که که سنی از شما گذشت، دیگر ذهنتان کشش ندارد و توان کارکردن هم ندارید. با گذر روزگار، سرمایه‌ها نیز همین‌طور از دستمان می‌رود! خدا در این سوره از این واقعیت خبر می‌دهد که همه در حال ضررکردن هستند؛ چون دارند سرمایه‌های خودشان را مفت از دست می‌دهند.

ارزشیابی مستمر: از خودتان بپرسید که ساعت‌های عمرتان را چگونه گذرانید، انرژی‌هایتان را صرف چه کردید، وقتتان را با چه کسی و در چه راهی خرج کردید، ذهنتان را صرف چه چیزهایی کردید؟ چه کتاب‌هایی خواندید؟ چشم‌تان را صرف دیدن چه چیزهایی کردید؟ آیا ارزش دیدن داشت؟ به چه چیزهایی گوش کردید؟ آیا می‌دانید این فیلم و موسیقی چه تأثیری در روح و روان شما می‌گذارد؟ در چه مهمانی‌هایی قدم گذاشته و می‌گذارید؟ پس مواظب باشید عمرتان را صرف چه می‌کنید!

اگر می‌خواهیم در خسران نمانیم، باید از این ارزشمندترین کالای خود بهترین استفاده را کرده، لحظه‌ای از آن را به غفلت نگذرانیم. آن را با هرکس و هرچیزی معامله نکنیم. اگر کسی در معاملات دنیایی ضرری کرد، ممکن است آن را با تلاش بیشتر، قرض از دیگران، کار برای فرد مقابل و... جبران کند؛ اما سرمایه عمر انسان به هیچ‌وجه جبران‌شدنی نیست. اگر تمام ثروت دنیا را داشته باشید و بدهید که یک ساعت از عمرتان برگردد، حتی یک ثانیه آن هم بر نمی‌گردد.

از نظر جهان‌بینی اسلامی، جهان، بازار و تجارت‌خانه‌ای است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی زیان می‌بینند^۱. انسان باید در برابر سرمایه عظیمی که مصرف می‌کند، چیزی بزرگ همچون کمال، سعادت، خشنودی خدا و بهشت را به دست آورد؛ از این رو حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «برای وجود شما قیمتی جز بهشت نیست؛ پس خودتان را به کمتر از آن نفروشید.»^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

ارزشیابی مستمر: به نظر شما آیه سوم می‌خواهد چه چیز را بیان کند؟
پاسخ فراگیر: کسانی را که خسران نمی‌بینند.

آفرین. بنابراین آیه سوم راه نجات از خسرانی که همه انسان‌ها را دربر می‌گیرد، بیان می‌دارد و انسان‌هایی را که اهل ایمان و عمل صالح و سفارش به حق و صبرند، از این خسران جدا می‌کند: ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

ارزشیابی مستمر: آیا فقط با داشتن ایمان می‌توانیم از خسران نجات یابیم؟
پاسخ فراگیر: باید کارهای خوب هم انجام دهیم.

بله، درست است. در توضیح باید گفت که این آیه، ایمان همراه با عمل صالح را موجب رهایی از خسران بیان کرده است و این می‌رساند که صرف ایمان و اعتقاد درونی کافی نیست؛ بلکه عمل صالح نیز نیاز داریم؛ پس در دل باورداشتن گرچه لازم است، ولی کافی نیست. امروزه هم شاهد این طرز تفکر هستیم که بعضی تنبلی و سستی و ضعف تقوای خود را این‌گونه توجیه می‌کنند که: «ای بابا، دلت پاک باشد؛ بقیه‌اش را خدا درست می‌کند.» باید به این‌ها گفت: «خیر، این‌طور نیست که شما تصور می‌کنید. قرآن به صراحت چیزی غیر از این می‌گوید و برای اینکه از خسران نجات یابیم، باید هم ایمان و هم عمل، آن هم عمل صالح داشته باشیم تا از سرمایه عمر، بهترین سود را ببریم.»

اگر ما بگوییم پدر و مادرمان را خیلی دوست داریم؛ ولی به حرفشان گوش ندهیم، این چه جور دوست‌داشتنی است که با عمل‌کردن به خواسته آن‌ها همراه نیست!

از طرفی در آیات نورانی قرآن، همیشه ابتدا از ایمان سخن به میان آمده است و بعد از عمل؛ یعنی ریشه سعادت، در اعتقادات و باور است. آدمی بدون اعتقاد به توحید و نبوت و معاد به هیچ‌جا نمی‌رسد. خداوند با آوردن کلمه «آمنوا» شاید می‌خواهد به ما بفهماند که هرچند کارهای خوب و زیبایی از تو سرزند، اما اگر از روی ایمان به خدا و نبوت و معاد نباشد، ثمری برای تو ندارد و هنوز هم زیان‌کار هستی. گاهی بعضی‌ها از کار کسی تعریف می‌کنند که مثلاً گرچه اعتقادش باطل است؛ ولی به مردم کمک می‌کند و اصلاً دروغ نمی‌گوید و فلان محاسن دیگر را هم دارد! قرآن در این آیه جواب این آدم‌ها را این‌گونه داده است که گرچه به ظاهر، این فرد اعمال خوبی دارد و این‌ها هم از دستورات انبیاست، اما اگر برگرفته از ایمان و اعتقاد صحیح نباشد، شاید هیچ‌ثمری برای صاحب خود نداشته باشد یا لااقل ثمره آن موقت و دنیایی است و دیگر باقی نخواهد بود. حتی ما در بین خودمان هم بعضاً کسانی را شاهدیم که مدت‌ها نماز و روزه و حجاب را در برنامه زندگی‌شان داشته‌اند، ولی با کمترین وسوسه، همه را کنار گذاشته‌اند و توفیق آن

ارائه درس

ارائه درس

۳۰

۳۰

اعمال از آن‌ها سلب شده است! وقتی در حالات این افراد دقیق می‌شویم، به همین نکته مهم می‌رسیم که زیربنای فکری و ایمانی کامل و صحیحی نداشته‌اند؛ وگرنه این‌گونه از عمل خیر و صالح خود دست نمی‌کشیدند.

«تواصی»، از جمله افعالی است که دوطرفه بودن کار را نشان می‌دهد؛ مثل تصادف که در برخورد دو چیز به کار می‌رود و نشان می‌دهد که هم شیء اولی با دومی برخورد کرده است و هم دومی با اولی؛ از این رو اولین چیزی که از این کلمه فهمیده می‌شود، طرفینی بودن توصیه است، یعنی به همدیگر سفارش می‌کنند: من به شما سفارش می‌کنم، شما هم به من سفارش می‌کنید.

نکته دیگر در تکرار کردن این کلمه در یک آیه است که دلیل آن یا تأکید است یا اهمیت توصیه به صبر، در کنار توصیه به حق. خداوند نخواست که آن‌ها را با یک بار سفارش در کنار هم جمع کند؛ بلکه خواسته، شنونده و خواننده به هر کدام جداگانه توجه کند و نشان دهد که توصیه کردن به حق و صبر، به یک اندازه برایش مهم است. دوطرفه بودن توصیه می‌رساند که از یک طرف ایمان جمعی منظور است بدین معنا که تا دینمان را اجتماعی نکرده‌ایم، هنوز در خسرانیم و از طرف دیگر نمی‌توان از این خسران به تنهایی نجات پیدا کرد؛ بلکه باید هوای همدیگر را داشته باشیم. اگر من در فضای آلوده باشم و دوستان بدی داشته باشم، خدای نکرده من هم از راه، خارج می‌شوم؛ ولی اگر دوستان خوبی داشته باشم و در فضاهای خوبی مثل همین کلاس‌های قرآن قرار بگیرم و با مؤمنین باشم مسیر را گم نخواهم کرد. درباره دیگران هم باید همین حساسیت را داشته باشم.

ارزشیابی مستمر: آیا صرف ایمان فردی برای رهایی از خسران کافی است؟ چرا؟
پاسخ فراگیر: او با توجه به توضیحات معلم، با آوردن مثال توضیح می‌دهد. توصیه و فراخوانی به حق، یعنی آنچه درست است و باید باشد و این از حلال و حرام و وسیع تر است و به وسیله ارشاد، تشویق، تعلیم، آگاهی بخشی، امر به معروف و نهی از منکر میسر می‌شود.

در کنار تواصی به حق، تواصی به صبر و استقامت بیان شده است؛ برای اینکه گاهی حق گم می‌شود. افراد باید یکدیگر را به حق توصیه کنند و راه را نشان دهند. گاهی فرد راه را می‌داند، اما کم آورده است، نیرو ندارد، روحیه‌اش را باخته است. این فرد به توصیه به صبر نیاز دارد؛ مثلاً فردی واقعاً نمی‌داند حجاب چه ارزشی دارد، باید توجیه شود که به نفع خودش است؛ اما گاهی توجیه هست، اما در کنار دوستان و آشنایان و فامیلی زندگی می‌کند که حجاب برایشان ارزشی ندارد و حتی آن را مسخره هم می‌کنند، به این فردی که در اذیت و فشار هست باید با توصیه به صبر، کمک کرد.

ارزشیابی مستمر: می‌توانید توصیه به حق و صبر را با مثال توضیح دهید؟

ارائه درس

۸۲



صبر نیز سه نوع است که عبارت‌اند از:

۱. صبر در برابر معاصی

ارزشیابی مستمر: با مثال بگویید که ما چگونه باید در برابر معاصی صبر کنیم؟ مثلاً شیطان ما را وسوسه می‌کند پشت سر کسی بدگویی کنیم، باید بر گفتن چنین چیزی صبر کنیم.

شیطان، اعمال زشت و گناهان را در برابر انسان زینت می‌بخشد و در آن‌ها جلوه و جذابیت ایجاد می‌کند. او باید در برابر معاصی و گناهان و جذبه‌های آن خویشتن‌داری و مقاومت ورزد، شکیبایی و استقامت به خرج دهد. صبر در برابر معاصی، انسان را به پایداری در مقابل وسوسه‌های شیطان وامی‌دارد.

گاهی اوقات شیطان طوری ما را وسوسه می‌کند که نزدیک است به سمت گناه برویم؛ مثلاً دوستانمان دور هم جمع هستند و به راحتی پشت سر دیگران غیبت می‌کنند؛ گویی که کار خطایی نیست و شیطان هم ما را وسوسه می‌کند که در غیبت کردن با آن‌ها مشارکت داشته باشیم یا از ترس اینکه والدینمان به خاطر موضوعی ما را دعوا نکنند، به آن‌ها دروغ بگوییم یا به خاطر اینکه به ما نفعی برسد حق دوستانمان را از بین ببریم. در همه این مواقع باید مقاومت کنیم تا شیطان بر ما پیروز نشود.

۲. صبر بر عبادت

عبادت و اطاعت از فرمان خدا و عمل به وظایف، تاحدی سختی‌هایی دارد و از طرف دیگر، شیاطین و هواهای نفسانی و عوامل منفی دیگر دست به دست هم می‌دهند که انسان را از عبادات و اعمال نیک بازدارند. انسان باید در برابر همه این عوامل بازدارنده از عبادت، با صبر و استقامت بایستد و خود را به عبادت و اعمال نیک و فضایل اخلاقی وادارد و سختی‌های آن را تحمل کند. صبر بر عبادت کمک می‌کند که سختی‌های عبادت بر آدمی آسان شده و از تنبلی و کسالت دور بماند. گاهی اوقات خسته‌ایم و حوصله نداریم نمازمان را بخوانیم؛ به خصوص بعضی وقت‌ها که برای نماز صبح برمی‌خیزیم یا می‌خواهیم با دوستانمان به تفریح یا تماشای فیلم دلخواهمان برویم؛ در این مواقع باید هر طور شده است، عبادتمان را به جا آوریم تا هم خدا از ما خشنود باشد و هم خودش کمک کند تا سختی‌های آن برای ما آسان شود.

ارزشیابی مستمر: با توجه به توضیحاتی که داده شد، چگونه صبر بر طاعت را با مثال توضیح دهید؟

۳. صبر در برابر مصائب

ارزشیابی مستمر: چرا باید در برابر مصائب صبر کنیم؟

پاسخ فراگیر: چون ممکن است جسم و روح ما را از بین ببرد و ما را به ناامیدی بکشاند. آفرین.

ارائه درس

۳۰



۸	<p>۱۰. کدام قسمت به ایمان اجتماعی اشاره دارد؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۱. منظور از توأسی به حق و صبر چیست؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۲. این سوره چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۳. آیا دوست دارید آنچه از تدبیر در این سوره‌ها آموختید را برای دیگران هم بیان کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۴. وقتی زمان‌های خود را تلف می‌کنید چه احساسی دارید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۵. چقدر عقیده و عمل اطرافیان برایتان اهمیت دارد؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۶. دیروزتان را چگونه سپری کردید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۱۷. در روز چقدر از وقتتان را به عبادت اختصاص می‌دهید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۱۸. در روز چقدر از وقتتان را به کار و تلاش و درس خواندن اختصاص می‌دهید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۱۹. از اوقات فراغتتان چگونه استفاده می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۲۰. آیا در پایان روز، عملکرد خودتان را در آن روز محاسبه می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۲۱. چقدر انجام کارهای خوب را به فردا موکول می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۲۲. آیا عقیده و عمل اطرافیان در زندگی شما تأثیر دارد؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۳. چقدر امر به معروف و نهی از منکر برایتان اهمیت دارد؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۴. اگر کسی رفتار نادرستی داشته باشد، شما چه می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۲۵. اگر برای دوستان مصیبتی پیش آمده باشد، شما چکار می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p> <p>۲۶. زمان‌هایی که به جا آوردن عبادت برایتان سخت است، چه می‌کنید؟ (حیطه علمکرد)</p>	ارزشیابی پایان درس
۱	برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.	قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس
۱	<p>از فراگیر خواسته می‌شود درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد.</p> <p>در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	تعیین تکلیف برای جلسه بعد
	دقت شود که در موضوع توأسی، بحث امر به معروف و نهی از منکر، زیاد بسط داده نشود؛	بایسته‌ها برای مربی

۳۰	<p>گاهی در زندگی انسان، مصیبت‌ها، بلاها، تلخی‌ها و ناراحتی‌های شدید رخ می‌دهد. انسان باید در این‌گونه مواقع ناامید نشود و استقامت کند و با آرامش خاطر و تعقل، برنامه ریزی کرده و به حل و جبران مصائب وارده بپردازد. در مقابل این حوادث ناگوار، صبر است که ما را یاری می‌دهد تا از مسیر حق خارج نشده و تسلیم حوادث نشویم و از شکست و نابودی ما جلوگیری می‌کند.</p> <p>ممکن است برای برادر یا والدین مان اتفاقی بیفتد؛ برای اینکه ناامید نشویم و شکست نخوریم و ایمانمان ضعیف نشود، باید صبر کرده و از خدا کمک بگیریم.</p> <p>توصیه به حق، به عنوان بارزترین نمونه ایمان و توصیه به صبر هم، به عنوان ریشه‌ای‌ترین مبنای عملی در انجام کارهای نیک در این آیه مطرح شده، بدین معنا که در به دست آوردن ایمان، این حق و حقیقت است که محور است و در توفیق پیدا کردن برای اعمال صالح، این صبر است که اولین قدم است.</p> <p>روایت شده است که وقتی اصحاب و یاران پیامبر اکرم ﷺ به یکدیگر می‌رسیدند، پیش از آنکه از هم جدا شوند، سوره والعصر را می‌خواندند و محتوای آن را یادآور می‌شدند؛ آنگاه هرکس پی کارش می‌رفت^۱. و این نشان از اهمیت والای این سوره در جامعه اسلامی و نقش سازنده آن در بعد فردی و اجتماعی در جامعه دارد.</p>	ارائه درس
	حضرت علی <small>علیه السلام</small> می‌فرمایند: «فرصت‌ها مانند ابر گذرنده می‌گذرند؛ پس فرصت‌های نیکو را از دست ندهید.» ^۲	بیان حدیثی مناسب با موضوع درس
۵	معلم جهت تثبیت درس با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.	خلاصه کردن درس
	<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <p>۱. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی)</p> <p>۲. در این سوره به چه چیزی سوگند یاد شده است و به چه معناست؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۳. شروع کردن جمله با قسم، نشان دهنده چیست؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۴. جواب قسم در این سوره چیست؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۵. تأکیداتی که جواب قسم در این سوره همراه با است، بیان کنید. (حیطه شناختی)</p> <p>۶. منظور از خسران چیست؟ مثال بزنید؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۷. چه ارتباطی بین قسم و جواب قسم وجود دارد؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۸. راه نجات از خسران چیست؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۹. کدام قسمت از سوره به ایمان فردی اشاره دارد؟ (حیطه شناختی)</p>	

۱. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۹۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۱.

	<p>دقت شود که در موضوع توأسی به حق، مسئله، ساده بیان شود و مصادیقی که در تفاسیر برای حق عنوان شده است، بیان نشود؛</p> <p>دقت شود که در موضوع خسران، برای تکمیل و تصحیح اعتقاد و عمل فراگیر، بیشتر ایجاد انگیزه شود، نه آنکه فراگیر به خاطر انجام ندادن برخی از کارها یا انجام برخی دیگر از کارها، دچار ناامیدی شود؛</p> <p>دقت شود که در موضوع صبر، با تلخ نشان دادن صبر، تصویری دشوار از دین ارائه نشود؛ بلکه سعی شود که بیشتر ثمرات و شیرینی صبر بیان شود.</p>	بایسته‌ها برای مربی
	<p>سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.</p> <p>مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.</p> <p>شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ج ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.</p>	منابع

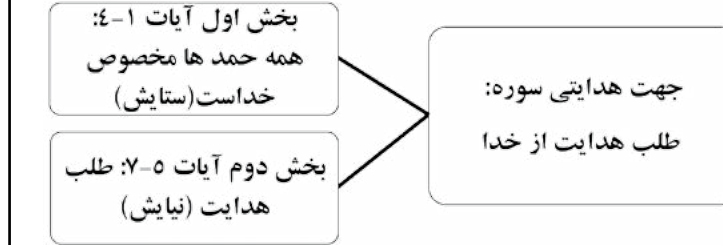
درس نهم

تدبر سوره حمد



مشخصات کلی	نام درس: تدبیر در قرآن درس: نهم موضوع: تدبیر در سوره حمد مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت‌های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: تا حالا به نعمت‌های فراوانی که اطراف شما وجود دارد، دقت کرده‌اید؟ اگر تشنه شوید چطوری تشنگی خود را برطرف می‌کنید؟ اگر آب نباشد چه می‌شود؟ اگر گرسنه باشید چطوری گرسنگی خود را برطرف می‌کنید؟ اگر غذا نباشد چه می‌شود؟ متأسفانه ما اغلب وقتی متوجه این نعمات می‌شویم که آن را نداشته باشیم یا از دست بدهیم؛ مثلاً اگر با فرد نابینایی مواجه شویم بهتر متوجه نعمت چشم و بینایی می‌شویم؛ اگر با یک دیوانه مواجه شویم، تازه قدر نعمت عقل و هوش خود را می‌دانیم. این نعمات فراوان را چه کسی به ما داده است؟ ارزشیابی مستمر: آیا ما خودمان می‌توانیم راه سعادت را پیدا کنیم و آن را طی کنیم و به مقصد برسیم؟ چه کسی ما را به راه سعادت، هدایت می‌کند؟ اگر خداوند ما را به مسیر سعادت هدایت نمی‌کرد، چه اتفاقی می‌افتاد؟ پس یکی از نعمت‌های خوبی که خدا به ما داده نعمت هدایت است، وظیفه ما در برابر این نعمت مهم چیست؟ ارزشیابی مستمر: تا حالا فکر کرده‌اید بهترین دعا و خواسته شما از خدا چه چیزی است؟ چه جوری می‌توانیم همیشه، بنده خوب خدا باشیم و همین‌طور هم باقی بمانیم؟	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می‌کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل‌نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛ ۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه سوره در مصحف است، روی تخته می‌نویسیم: نام سوره: حمد (ستایش) جایگاه در مصحف: اولین سوره مکان نزول: مکه سال نزول: اول تعداد آیات: ۷ ۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می‌کنیم:	۳۰

<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)</p> <p>أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ (۳) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)</p> <p>إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)</p> <p>إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)</p> <p>۴. براساس ترجمه آقای رحمان دوست، ترجمه‌ای ساده و روان از آیات ارائه می‌دهیم: به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس و ستایش خداوند را که پروردگار جهانیان و کیهان‌ها است. (۲) خدایی که بخشنده و مهربان است. (۳) خدایی که فرمانروای روز جزا و پادشاه دادن به کارهای نیک و بد است. (۴) خدایا! تنها تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم. (۵) خدایا! ما را به راه راست و درست راهنمایی کن. (۶) راه همان کسانی که به آن‌ها لطف و خوبی کردی و نعمت بخشیدی نه افرادی که بر آن‌ها خشم گرفته‌ای و نه آنان که ره‌ایشان ساخته‌ای تا گمراه شوند. (۷)</p> <p>۵. فضای سوره را بیان می‌کنیم: فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود. در این قسمت می‌توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده و آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنیم:</p> <p>سوره حمد در مکه، سال اول بعثت در اوج فضای شرک و بت‌پرستی بر پیامبر ﷺ نازل شد. کار به جایی رسیده بود که قبایل مختلف سرزمین عربستان، بت‌های گوناگون خود را در خانه کعبه آویخته و هنگام زیارت کعبه، بت‌های خود را پرستش می‌کردند و برای برطرف کردن حوائجشان از بت‌ها کمک می‌طلبیدند! مشرکان قبول داشتند که خداوند، خالق موجودات است؛ اما اکثر آن‌ها می‌پنداشتند که خدا فقط موجودات را خلق کرده و آن‌ها را به حال خود گذاشته و کاری به آن‌ها ندارد و این بت‌ها هستند که مدیریت عالم در دستشان هست و مشکلات و نیازهای آنان را برطرف می‌کنند؛ از این رو در برابر بت‌های ساختگی و بی‌اراده که سود و زبانی نداشتند سجده کرده و درخواست خود را مطرح می‌کردند و برای همین گمراه بودند و در جهل و نادانی روزگار را سپری می‌کردند.</p> <p>۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:</p>	ارائه درس	۳۰
--	-----------	----



در چنین فضای شرک‌آلودی که از خدایان ساختگی و بی‌اثر درخواست نیاز می‌شد، سوره حمد نازل شد و از خدایی صحبت کرد که اثربخش و سودرسان است: خدایی که امور عالم را به حال خود وانگذاشته است و مالکیت همه چیز و هدایت همه به دست اوست و آن‌ها را مدیریت می‌کند. در قسمت اول این سوره، از ستایش رب و مدیر این جهان و کسی سخن می‌گوید که همه نعمت‌ها را داده است و صاحب روز جزا نیز اوست؛ بعد از آن هم بیان می‌کند: همان خدایی که فقط او سزاوار ستایش است، تنها همو سزاوار عبادت و درخواست کمک است. بعد از این مقدمه چینی و آموختن ادب دعا کردن، در قسمت بعدی، اصل مطلب یعنی نیایش مطرح می‌شود که همان بیان خواسته و نیازمان، یعنی طلب هدایت است. در نتیجه خداوند نه تنها ما را آفریده است، بلکه برای اینکه به کمال مطلوب و شایسته خود برسیم، هر لحظه به هدایت او نیاز داریم و این هدایت را از او می‌خواهیم؛ برای همین هر روز در نمازهایمان بارها و بارها از خداوند طلب هدایت می‌کنیم؛ چراکه به این هدایت، محتاج هستیم و می‌خواهیم این هدایت همیشگی باشد. با این توضیحات، جهت هدایتی این سوره عبارت است از:

طلب هدایت از خدا

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره حمد، یکی از سوره‌های قرآن است که در همه نمازهایمان باید بخوانیم و جایگزینی ندارد.^۱

ارزشیابی مستمر:^۲ اهمیت و عظمت این سوره در چیست که باید آن را در همه نمازهایمان تکرار کنیم؟ این سوره می‌خواهد چه مطلب مهمی را برای ما بیان کند که لازم است آن را هر روز در نمازهایمان قرائت کنیم؟

پاسخ فراگیر: چون درباره حمد خداست یا اینکه چون دارد خدا را معرفی می‌کند. معلم باید توجه فراگیران را به ادامه تدریس جلب کند و پاسخ کامل‌تر را در سیر تدریس ارائه دهد.

ابتدا درباره جایگاه این سوره در قرآن، باید گفت که این سوره، «فاتحة الكتاب» است. **ارزشیابی مستمر:** چرا به این سوره «فاتحة الكتاب» می‌گویند؟ **پاسخ فراگیر:** چون اول قرآن آمده است.

بله عزیزم، درست است؛ فاتحة الكتاب به معنای گشاینده و آغازگر کتاب خداست و خود این سوره با «بسم الله» آغاز شده است.

ارزشیابی مستمر: چرا خدا سوره‌های قرآن را با بسم الله آغاز می‌کند؟

پاسخ فراگیر: چون باید هر چیزی با نام او آغاز شود. معلم ضمن تأیید مطلب، در ادامه می‌گوید: برای اینکه به ما ادب دینی ورود به هر کاری را بیاموزد؛ چراکه هر کاری با نام خدا شروع شود، پایان نیکویی خواهد داشت. در واقع، شروع کار با «بسم الله» باعث می‌شود که ما به کارمان رنگ خدایی بزنیم و آن را به خدا بسپاریم. کاری که با نام خدا آغاز شود، پربرتک می‌شود. بسم الله، سرآغاز تمام سوره‌ها و سرلوحه کار و عمل تمام انبیای الهی نیز بوده است. طبق آیات قرآن، کشتی نوح با «بسم الله» به حرکت درآمد و حضرت سلیمان (علیه السلام) نامه خود را به ملکه سرزمین سبا، با «بسم الله» آغاز کرد؛ از این رو اسلام به ما سفارش می‌کند که کارهای خود، چه کوچک و چه بزرگ، مثل خوردن و آشامیدن، سیروسفر، برخاستن، خوابیدن و... را با «بسم الله» آغاز کنیم. هدف از یاد خداوند و ذکر او در آغاز هر کار این است که این حقیقت را به خود یادآوری کنیم که عقل و استعداد و توانایی و هستی‌مان از خداوند است و با حول و قوه و نیروی اوست که می‌توانیم کاری انجام دهیم و با توفیق اوست که می‌توانیم کارها را به پایان برسانیم.

ارزشیابی مستمر: چرا باید کارهایمان را با نام خدا آغاز کنیم؟

پاسخ فراگیر: فراگیر طبق گفته‌های معلم باید پاسخ دهد و اگر جایی اشتباه کرد یا ناقص جواب داد، معلم از بچه‌های دیگر کمک می‌گیرد یا خود، پاسخ را تصحیح و تکمیل می‌کند:

اگر کار با نام خدا و یاد او آغاز نشود، چنین عملی هرچند به ظاهر، به نتیجه و ثمر هم برسد، چون بریده از خداست، در واقع بی‌برکت و بی‌ثمر است.

اگر ما کاری را به نام خداوند شروع کنیم، هرچند کارمان به سرانجام هم نرسد،

ارائه درس

ارائه درس

۱. هود، ۲، ۴۱.
۲. نمل، ۳۰.

۱. این مطلب، مقدمه‌ای است که برای بیان اهمیت سوره مبارکه حمد، در شروع تفهیم متن گنجانده شده است.
۲. تفهیم متن، پس از مقدمه، با این پرسش آغاز می‌شود.

موفق شده‌ایم؛ چون شکست و ناامیدی در انسان متصل به خداوند راه نمی‌یابد و او یقین دارد که آن مولای مهربان، خیر و صلاحش را در این دیده است که این کار به نتیجه دلخواه او نرسد؛ اما اگر کاری را با نام خدا آغاز نکنیم، شیطان بیکار نمی‌نشیند و مدیریت کار را به دست می‌گیرد و کار به نتیجه نمی‌رسد. برای همین در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ داریم که فرمود: «هر کار معتبری که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع نشود، ناقص است و به آخر نمی‌رسد.»

ارزشیابی مستمر: اگر کارمان را با نام خدا انجام ندهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟
پاسخ فراگیر: فراگیر طبق توضیحات معلم پاسخ می‌دهد.

معلم در اینجا از فراگیران سؤال می‌کند که در شروع چه کارهایی نام خدا را می‌آورید و بچه‌ها نمونه‌های خود را بیان می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند: «وقتی که درس می‌خوانیم، می‌خواهیم، به مدرسه می‌رویم یا با والدین خودمان به مسافرت می‌رویم.»

در اینجا معلم از تجربیات مفید و معنوی فراگیران در زمینه شروع کار با نام خدا سؤال می‌کند و به نام مخصوص خداوند اشاره می‌کند: خداوندی که باید کارها را با نام او آغاز کرد، نامی دارد که فقط مخصوص خود اوست؛ آن نام، «الله» است. این نام، همه صفات خوب را داراست.

در ادامه، از میان همه صفات خوب خدا، صفات رحمان و رحیم را برای توصیف الله بیان می‌کند تا نشان دهد که خداوند، مظهر رحمت و محبت و مهربانی است.

ارزشیابی مستمر: چرا خداوند بین همه صفاتش، در شروع سوره‌ها از صفت رحمان و رحیم استفاده کرده است؟

پاسخ فراگیر: چون خدا مهربان‌ترین مهربانان است!
ارزشیابی مستمر: این کلمه‌ها هردو از ریشه رحمت‌اند. می‌توانید تفاوت‌های آن‌ها را بگویید؟

اگر فراگیر نتوانست پاسخ دهد که چه بهتر، ولی اگر نتوانست، در پاسخ بیان می‌کنیم: «رحمان» اشاره به فراوانی و گسترش رحمت دارد؛ یعنی رحمت عمومی خداوند در دنیا که شامل حال همه مردم می‌شود، چه مؤمن باشند و چه کافر. همه آن‌ها از نعمت‌های بی‌کران خدا استفاده می‌کنند؛ مثلاً با آب، تشنگی خود را برطرف می‌کنند، با خوردنی‌های لذیذ و پرانرژی گرسنگی خود را برطرف می‌کنند، با منابع خدادادی برای خود مسکن می‌سازند و خود را از سرما و گرما حفظ می‌کنند. خلاصه همه نعمت‌هایی که ما در دنیا شاهد آن هستیم، از رحمت عمومی و رحمان بودن خداوند سرچشمه گرفته است.

ارائه درس



«رحیم» اشاره به همیشگی بودن رحمت دارد و تنها شامل حال مؤمنان است. خداوند مهربان به بندگان خاص خود که به حرف‌هایش گوش داده و او را بندگی می‌کنند، توفیق عبادت، عطا می‌کند و در آخرت نیز این رحمت ادامه دارد؛ چون ثمره عبادت خود را می‌بینند که بهره‌مندی از نعمت‌های ابدی بهشت است.

ارزشیابی مستمر: در سوره حمد، اولین چیزی که بعد از نام خدا می‌گوییم، چیست؟

پاسخ فراگیر: می‌گوییم اَلْحَمْدُ لِلَّهِ.
آفرین. بعد از نام خدا، اولین سخن ما ستایش اوست: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ». ستایش مخصوص خداست؛ چراکه «الله»، رب و رحمان و رحیم و مالک روز جزاست.

ارزشیابی مستمر: چرا حمد و ستایش فقط مخصوص خداست؟
فراگیر با توجه به توضیح معلم پاسخ می‌دهد.

در توضیح باید گفت: انسان، خوبی‌ها و کمالات را می‌ستاید؛ مثلاً اگر درسمان را خوب بخوانیم و دانش‌آموز کوشایی باشیم، والدین و معلمان، ما را ستایش می‌کنند. حالا، «الله» سرچشمه همه خوبی‌هاست و همه نعمت‌هایی که داریم از جانب اوست؛ پس آیا نباید ستایش فقط برای او باشد؟!

خدای سبحان، رب همه انسان‌هاست؛ یعنی هم مالک و صاحب آن‌هاست و هم در رشد و پرورش آن‌ها نقش دارد: «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است. همان‌طور که رشد و پرورش جسم ما به دست خداست، هدایت و تربیت روح و روان ما نیز به دست اوست. او به همه نیازهای جسمی و روحی ما توجه داشته و زمینه رشدمان را فراهم می‌کند؛ حال که او معلم همه است، آیا نباید ستایش نیز فقط برای او باشد؟!

ارزشیابی مستمر: چرا ما پدر و مادرمان را دوست داریم و از آن‌ها تشکر می‌کنیم؟

پاسخ فراگیر: به خاطر اینکه خیلی برای ما زحمت کشیده‌اند.
آفرین درست است. ما والدین خود را به خاطر همه زحماتی که برای تربیت و رشدمان کشیده‌اند، می‌ستاییم. معلم‌های خود را هم به خاطر اینکه به ما علم آموخته‌اند تا دانشمان افزایش یابد، می‌ستاییم. آن‌ها تمام تلاششان این است که طوری پرورشمان دهند که تمامی استعدادهای ما شکوفا شود و به کمال برسیم؛ ولی قبل از همه، باید خدایی را ستایش کنیم که به ما پدر و مادر داده است که به ما محبت دارند و ما را تربیت می‌کنند؛ همین‌طور برایمان معلم‌هایی قرار داده است که در تعلیم و تربیت ما می‌کوشند.

چون خداوند رحمتی فراگیر و مداوم دارد: «الَّذِي أَحْمَنَ الرَّحِيمِ»، تنها اوست که شایسته ستایش است.

ارائه درس

۳۰

ارزشیابی مستمر: آیا تابه حال به نعمت‌هایی که دارید فکر کرده‌اید؟ چه کسی به شما سلامتی عطا کرده است؟ چه کسی برای شما خورشید را قرار آفریده است تا از گرما و نور آن استفاده کنید؟ چه کسی به شما عقل و اختیار داده است تا بهتر بتوانید زندگی کنید؟

پاسخ فراگیر: معلوم است، خدا.

ارزشیابی مستمر: تابه حال پیش آمده است که حوصله و انگیزه انجام دادن کارهای خوب را نداشته باشید؟ خواندن نماز برایتان سخت بوده است؟ چه کسی به شما این نیرو را داده است که بتوانید آن کارها را انجام دهید؟ آن که به شما این نیرو را داده است، کسی جز خدا نیست. آیا نباید در برابر رحمت بی‌انتهای خدا، او را و فقط او را ستایش کنیم؟!

چون مالک روز جزا و حساب، خداست و همه‌کاره اوست: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، صاحب چنین سلطه و مالکیتی شایسته ستایش است. اگرچه خداوند، مالک همه چیز در همه جاست، اما در قیامت، انسان مالک بودن خدا را بهتر می‌فهمد. در قیامت که مال و فامیل و مقام و دوستان نمی‌توانند هیچ کاری برای انسان بکنند، انسان باتمام وجود می‌فهمد که جز خداوند هیچ‌کسی اختیار و قدرتی ندارد و در آن روز می‌فهمد که مالک، فقط خداست.

تکرار «الْزَّكَّوٰىنَ الرَّحِيْمَ» در این سوره، نشان دهنده این است که اساس ربوبیت خداوند، بر مهرورزی و لطف قرار دارد، نه چیز دیگری. خداوند، انسان‌ها را با رحمت و محبت خود تربیت می‌کند و این‌گونه دل‌های ما را امیدوار می‌کند؛ از این رو قرآن بارها اشاره کرده است که اگر بندگان گناهی مرتکب شوند و سپس توبه کنند، لطف و عفو خدا شامل حال آن‌ها خواهد شد.

خدا مهربان‌ترین مهربانان است؛ ولی مهربان عادل. کسانی که از خدا می‌ترسند، در واقع از عدل خدا می‌ترسند؛ برای همین در کنار امید به رحمت الهی، باید از حساب و جزای قیامت نیز بترسیم و خیال نکنیم که رحمت او به معنای بی‌حساب و کتاب بودن عالم است؛ پس خدا، هم امید و هم ترس ایجاد می‌کند تا انسان مواظب باشد و اعمال خود را اصلاح کند.

همان‌طور که مشاهده شد، در قسمت اول سوره، بنده، تنها خدا را شایسته ستایش یافت؛ چراکه او همه صفات خوب را دارد و معلم او و در قبال او بسیار مهربان است؛ همچنین قیامت بنده نیز به دست اوست.

ارزشیابی مستمر: حال که تنها خدا سزاوار ستایش هست، باتوجه به سوره چه کاری باید انجام دهیم؟

پاسخ فراگیر: فقط او را عبادت کنیم.

بله، حق آن است که اکنون به درگاه او برویم و اعلام کنیم که فقط بنده تو هستیم؛

ارائه درس

پس فقط تو را می‌پرستیم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، نه غیر تو را و فقط از تو یاری می‌جوییم: «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، نه از غیر تو را. اینکه در این سوره می‌گوییم: «همه ما فقط از تو مدد می‌خواهیم»، کمک‌گرفتن از دیگران را نفی نمی‌کند؛ بلکه این مفهوم را می‌رساند که دیگران وسیله هستند و کارها فقط در دست خداست.

براساس روایتی از پیامبر اکرم ﷺ وقتی بنده‌ای بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، پروردگار متعال می‌فرماید: «بنده‌ام راست گفت و به راستی مرا عبادت کرد؛ به همین دلیل شما را گواه می‌گیرم که در برابر عبادتش پاداشی به او می‌دهم که هرکس در عبادت، راه مخالف او را رفته است، به حال او غبطه خورد» و وقتی می‌گوید: «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، پروردگار متعال می‌فرماید: «بنده‌ام از من کمک خواست و به من پناه آورد؛ من نیز شما را شاهد می‌گیرم که در کارهایش او را یاری کنم و در سختی‌ها فریادرس او باشم و در روز گرفتاری دستش را بگیرم».

خداوند در سوره حمد، در حقیقت، ادب دعا در برابر خود را به بندگان آموزش می‌دهد. خداوند به او می‌آموزد که قبل از تقاضا، سپاس خدایش را گفته و اعلام دارد که فقط برای او عبادت می‌کند و فقط از او یاری می‌جوید؛ سپس به بیان تقاضا و نیاز خود بپردازد.

ارزشیابی مستمر: خُب، نیاز ما انسان‌ها چیست؟

اینکه خدایا همه ما را به راه راست هدایت فرما: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۲ **ارزشیابی مستمر:** تمام انسان‌ها در فکر و حرف و رفتار خود راهی را انتخاب می‌کنند. یکی راهی را انتخاب می‌کند که براساس خواسته‌هایش باشد. یکی به دوستش نگاه می‌کند و همان راهی را انتخاب می‌کند که او می‌رود و یکی هم راه پدر و مادرش را انتخاب می‌کند. آیا انتخاب این راه‌ها درست است؟ **پاسخ فراگیر:** ممکن است درست نباشد و ما به بیراهه برویم.

ارزشیابی مستمر: آیا همه خواسته‌های ما صحیح است؟ آیا مسیری که دوستان یا پدر و مادر ما می‌روند، درست است؟ آیا آن‌ها اشتباه نمی‌کنند؟ انسان باید راهی را برود که درست باشد و خطا نداشته باشد. آیا انسان در میان این همه راه، برای پیدا کردن راه راست، به راهنما نیاز ندارد؟!

به همین دلیل در هر نماز از خدا می‌خواهیم، ما را به راه روشن و مطمئن خود راهنمایی کند، یعنی صراط مستقیم: همان راهی که درست و بی‌خطاست و ما را به خدا می‌رساند و خوشبختی دنیا و آخرت‌مان در آن است.

ما باید در انتخاب راه و همچنین ماندن در راه مستقیم، از خدا کمک بخواهیم؛ زیرا ما همواره در معرض اشتباه و گمراهی هستیم. گمان نکنیم اگر تابه حال در

۱. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲. حمد، ۶.

ارائه درس



مسیر زندگی دچار سقوط یا انحراف نشده‌ایم، بقیه مسیر را نیز سالم طی خواهیم کرد. انسان‌های زیادی بوده‌اند که عمری را با ایمان گذرانده‌اند، اما وقتی به پول یا مقام رسیده‌اند خدا را فراموش کرده‌اند.

ارزشیابی مستمر: چرا ما به هدایت خدا نیاز داریم؟

فراگیر باتوجه به توضیحات، پاسخ می‌گوید.

ارزشیابی مستمر: چرا آیه، درخواست هدایت را به صورت جمعی بیان کرده است؛ یعنی نگفته خدایا من را به صراط مستقیم هدایت کن و گفته ما را هدایت کن؟

پاسخ فراگیر: ممکن است فراگیر پاسخ دهد: اگر همه دعا کنیم بهتر است. در تکمیل می‌گوییم: باید دقت کنیم که هدایت به این راه را نه فقط برای خود، بلکه برای دیگران هم بخواهیم. اگر دیگران هم هدایت شوند، باعث می‌شود ما در جامعه هدایت شده‌ای زندگی کنیم که اغلب مردم کارهای خداپسندانه انجام می‌دهند و این باعث سعادت همه ما می‌شود.

خوب، باید دید چه کسانی در این راه مستقیم قرار دارند تا ما نیز با الگوگیری و اقتدا به آن‌ها در این راه قرار بگیریم؛ برای همین در ادامه این آیه می‌فرماید: این راه، راه کسانی است که به آن‌ها نعمت داده‌ای: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ منظور از نعمت در این آیه، باتوجه به درخواست هدایت در آیه قبل، نعمت هدایت است، نه نعمت‌های مادی که همه موجودات از آن برخوردارند. در ادامه می‌فرماید: نه آنان که در معرض غضب تو هستند و نه گمراهان: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾.

پس یکی از نعمت‌های خوبی که خدا به همه بندگان بخشیده است، نعمت هدایت است. چون خدا دوست دارد همه بندگان هدایت شوند و به سعادت و خوشبختی برسند؛ برای همین، خدای مهربان، ما را به مسیر سعادت راهنمایی می‌کند و آن را به ما نشان می‌دهد و دوست دارد ما وارد این مسیر شویم و در آن باقی بمانیم. ما هم برای اینکه قدر این نعمت خدا را بدانیم، با ایمان و کارهای خوب سعی می‌کنیم که در این مسیر بمانیم؛ برای همین، بعضی وقت‌ها که دچار وسوسه‌های شیطان می‌شویم و آن وسوسه‌ها می‌خواهد ما را از مسیر خدا خارج کند، دعا می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که به ما کمک کند و دستمان را بگیرد و به مسیر درست بیاورد تا راه سعادت را گم نکنیم. خدا هم به دعای ما پاسخ مثبت می‌دهد و دستمان را می‌گیرد.

ارزشیابی مستمر: چرا بعضی‌ها در معرض غضب خدا قرار می‌گیرند؟ اصلاً مگر خدای به این مهربانی، غضب هم دارد؟

بعضی‌ها هستند که قدر این نعمت را نمی‌دانند و به این نعمت کفر می‌ورزند

و با لجبازی آن را رد می‌کنند و نه تنها شکر را به جا نمی‌آورند، بلکه دشمنی هم می‌کنند! آن‌ها با لجبازی و دشمنی می‌خواهند از مسیر هدایت خارج شوند و راه نادرست خودشان را بروند و حتی اگر خدا بخواهد دستشان را بگیرد، دستشان را عقب می‌کشند! به همین خاطر در معرض خشم و غضب خدا قرار می‌گیرند، مانند قوم یهود که اسلام را نپذیرفتند و با مسلمانان نیز دشمنی کردند.

خشم الهی به معنای دور شدن رحمت و لطف از کسانی است که مرتکب اعمال زشت شده‌اند. خداوند صاحب رحمتی گسترده است. او بندگان و مخلوقات خود را دوست دارد و لطف و رحمت بی‌نهایت خود را شامل حال آن‌ها می‌کند. چنین خدایی چطور می‌تواند به کسی خشم کند!

باران رحمت الهی همیشه سرازیر است؛ مهم این است که آیا ما خود را زیر این باران قرار داده‌ایم تا از آن بهره ببریم یا گناهان مانند ظرفی وراونه که آبی را جای نمی‌دهد، مانع از این می‌شود که باران رحمت خدا به ما برسد. وقتی بنده‌ای از دستور خداوند سرپیچی می‌کند، اثرش دوری از رحمت خداست، نه اینکه خداوند خود بخواهد بر آن فرد غضب کند؛ درواقع اثر گناه، دوری فرد از رحمت خداست. یادمان باشد آنچه که از خداوند به ما می‌رسد، نعمت است و قهر و غضب الهی نتیجه اعمال خودمان است.

ارزشیابی مستمر: خدا، مثل رهبری عادل و مهربان است که ملتش را دوست دارد و برای آنان تمام وسایل راحتی را فراهم می‌کند. حال اگر کسی بخواهد در این جامعه خوب و دوست‌داشتنی فساد کند؛ مثلاً شیشه‌های مردم را بشکند، اموال مردم را بدزدد و... به نظر شما حاکم مهربان با چنین فرد خلاف‌کاری باید چگونه رفتار کند؟ نباید جلوی او را بگیرد و او را از تجاوز و ظلم به دیگران باز دارد؟! اگر حاکم مهربان به جای اینکه با دزد خلاف‌کار برخورد کند، هربار به او آفرین بگوید و دست او را برای ظلم و ستم باز بگذارد، آیا به سایر مردم ظلم نکرده است؟! ترس از خدا هم جلوه‌ای از رحمت و مهربانی خداست. اگر مردم از عدالت خدا نمی‌ترسیدند، به یکدیگر ظلم می‌کردند، حقوق یکدیگر را پایمال می‌کردند و همیشه افراد ضعیف، محکوم و زیر دست و پای افراد زورمند و ظالم بودند. وقتی ما، در برخورد با مادرمان بی‌ادبی و لجبازی می‌کنیم، او ما را دعوا می‌کند. مگر مادر که این قدر مهربان است، دوست دارد بچه‌اش را دعوا کند؟! باید ببینیم ما چه کار کرده‌ایم که باعث شده‌ایم او ناراحت شده و ما را دعوا کند. حال آفریدگار توانایی که سرچشمه خورشید مهربانی است و همه مهرها و خوبی‌های جهان، پرتویی از مهربانی اوست و از او جز اقیانوس رحمت و صمیمیت جاری نمی‌شود، یعنی خدایی که از مادر مهربان‌تر است، آیا دوست دارد جز خوبی چیزی به ما برسد؟!

<p>۳۰</p>	<p>ارزشیابی مستمر: نگاه کنید اسرئیلی‌ها چقدر به مردم بی‌گناه ظلم می‌کنند؛ آیا امکان دارد این‌ها با همه جنایاتشان از رحمت خدا هم برخوردار باشند؟! آیا خداوند نباید لطف و رحمت خود را از آنان دریغ کند و به آن‌ها غضب کرده و دچار عذابشان کند؟</p> <p>گروهی دیگر نیز هستند که از نعمت هدایت غافل شده‌اند و راه سعادت را گم کرده‌اند و به همین خاطر شکر آن را به جا نمی‌آورند؛ اما دشمنی هم نمی‌کنند. اینان اگر متوجه شوند که دارند به بیراهه می‌روند، امید است که به مسیر اصلی هدایت برگردند.</p> <p>آری ما باید از نعمت هدایت، خوب استفاده کرده و با الگوگیری از کسانی که در مسیر هدایت خدا قرار دارند، شکر این نعمت را به جا آوریم و مواظب باشیم که با کج‌روی و انحراف از مسیر هدایت، ناسپاسی نکنیم.</p>	<p>ارائه درس</p>
<p></p>	<p>پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «خداوند مهربان می‌فرماید: 'بندگان من! کسی که من او را هدایت کنم، گمراه نمی‌شود؛ پس، از من هدایت بخواهید تا به شما بدهم.'»^۱</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>
<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس، با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>
<p></p>	<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. فضای نزول سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۲. جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) ۳. چرا باید در شروع هر کاری «بسم الله» بگوییم؟ (حیطه شناختی) ۴. «رحمان» و «رحیم» چه فرقی با هم دارند؟ (حیطه شناختی) ۵. چرا ستایش فقط مخصوص خداست؟ (حیطه شناختی) ۶. منظور از [رَبِّ الْعَالَمِينَ] چیست؟ (حیطه شناختی) ۷. منظور از [الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] چیست؟ (حیطه شناختی) ۸. منظور از [مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ] چیست؟ (حیطه شناختی) ۹. چرا در این سوره [الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] تکرار شده است؟ (حیطه شناختی) ۱۰. منظور از [إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ] چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۱. در این سوره، درخواست مهم بنده چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۲. منظور از [إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ] چیست؟ (حیطه شناختی) ۱۳. صراط مستقیم، راه چه کسانی است؟ (حیطه شناختی) ۱۴. منظور از [غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ] چه کسانی هستند؟ (حیطه شناختی) 	<p>ارزشیابی پایان درس</p>

<p>۸</p>	<p>۱۵. چرا بعضی‌ها در معرض غضب خدا قرار می‌گیرند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۶. مردم در برابر نعمت هدایت چند گروه می‌شوند؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۷. سوره حمد چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۱۸. شروع کار با نام خدا چه تأثیری در زندگی شما داشته است؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۱۹. چقدر برایتان اهمیت دارد که کارهایتان را با نام خدا آغاز کنید؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۰. به نظر شما چرا تنها خداوند شایسته عبادت است؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۲۱. آیا می‌توانید نعمتی را نام ببرید که خالقش کسی جز خدا باشد؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۲. باتوجه به اینکه با تدبیر در سوره حمد آشنا شدید، فکر می‌کنید چه تأثیری در نمازهایتان داشته باشد؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۳. چقدر دعا می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۴. چقدر عبادت خدا برای شما لذت بخش است؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۵. علاقه شما به خدا برای چیست؟ (حیطه عاطفی)</p> <p>۲۶. چطوری دعا می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۷. مهم‌ترین چیزهایی که در دعاهایتان از خدا مطالبه می‌کنید، چیست؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۸. آیا برای دیگران هم دعا می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۲۹. الگوهای شما در زندگی چه کسانی هستند؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۳۰. به نظر شما یک الگوی خوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۳۱. آیا ما به تنهایی می‌توانیم مسیر سعادت را طی کنیم؟ (حیطه شناختی)</p> <p>۳۲. در برابر نعمت هدایت، چه می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۳۳. قرآن و اهل بیت نمونه‌هایی از الگوهای هدایت هستند؛ چقدر در زندگی خود به آن‌ها اهمیت می‌دهید؟ (حیطه عملکرد)</p> <p>۳۴. اتفاق افتاده با اینکه نماز می‌خوانید و خدا را عبادت می‌کنید، بازهم دچار وسوسه‌های شیطان شوید؟ برای خلاص شدن از دست وسوسه‌های شیطان چه می‌کنید؟ (حیطه عملکرد)</p>	<p>ارزشیابی پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p>

۱	<p>از فراگیر خواسته می‌شود درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد.</p> <p>در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>
	<p>۱. معلم باید توجه کند که خطاهای جزئی، در سطح نوجوانان به‌عنوان مصداق [الْمَعْصُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ] مطرح نشود؛ چراکه این دو به بدترین انحرافات اعتقادی و عملی اشاره دارد، مانند انحراف قوم یهود.</p> <p>۲. معلم مواظب باشد که مفهوم [الْمَعْصُوبِ عَلَيْهِمْ] را طوری بیان نکند که به ارائه تصویری نامطلوب از خدا منجر شود.</p>	<p>بایسته‌ها برای معلم</p>
	<p>قمی (صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا <small>علیه السلام</small>، چ ۱، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.</p> <p>مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.</p>	<p>منابع</p>

درس دهم

تدبیر سوره ماعون

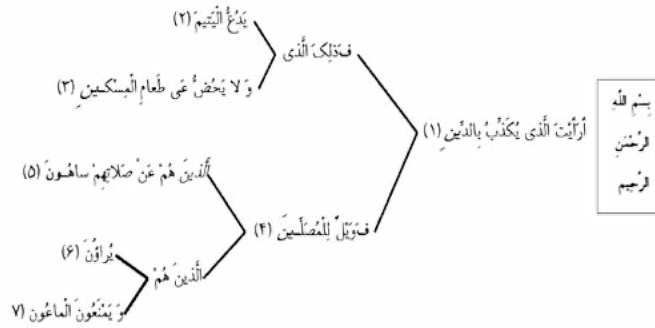


۲. شناسه سوره را که شامل تعداد آیات، مکان نزول، سال نزول و جایگاه

سوره در مصحف است، روی تخته می نویسیم:



۳. سوره را به شکل ساختاری پای تخته ترسیم می کنیم:



۴. بر اساس ترجمه آقای رحمان دوست، ترجمه ای ساده و روان از آیات ارائه می دهیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! آیا کسی را که به دین خدا ایمان ندارد و آن را دروغ می شمارد، دیده ای؟

(۱) او کسی است که حق یتیمان را نمی دهد و دل آن ها را می شکند و با خشونت از خود دور می کند؛ (۲) همچنین او کسی است که علاقه ای به غذا دادن به بینوایان ندارد و دیگران را نیز به این کار تشویق نمی کند؛ (۳) پس وای به حال نمازگزارانی که از نماز خویش غافل اند و نماز را کوچک می شمارند و در خواندن نماز سهل انگاری می کنند؛ (۴ و ۵) همچنین وای به حال کسانی که برای خودنمایی و فریب دادن دیگران نماز می خوانند (۶) و نیز وای به حال کسانی که نمی گذارند نیازمندان به نیازهای ضروری زندگی دست یابند و از کمک به دیگران خودداری می کنند. (۷)

۵. فضای سوره را بیان می کنیم؛ فضا بهتر است به شکل داستان مطرح شود.

در این قسمت می توانیم از اطلاعات قبلی فراگیران در این زمینه استفاده کرده، آن ها را تصحیح و تکمیل کنیم:

زمان می گذشت و به تعداد مسلمانان به تدریج افزوده می شد؛ اما برخی از مسلمانان فکر می کردند که تنها با گفتن شهادتین و انجام دادن بخشی از عبادات، ایمانشان حفظ می شود و در دنیا و آخرت سعادتمند خواهند شد. متأسفانه آن ها فقط ادعای مسلمانی داشتند؛ اما در عمل بویی از مسلمانی نبرده بودند. خودشان را مسلمان نشان می دادند، اما در عمل دنیا دوست بودند و رفتارهایی از آن ها سر می زد که جز از کافران سر نمی زد؛ برای همین یتیمان را به شدت از خود می راندند و مسلمانان را به غذا دادن افراد نیازمند تشویق نمی کردند؛ چون اصلاً برایشان اهمیتی نداشت.

ارائه درس

مشخصات کلی	نام درس: تدریس در قرآن درس: دهم موضوع: تدریس در سوره ماعون مقطع تحصیلی: ششم ابتدایی تا چهارم دبیرستان تعداد فراگیران: ۲۰ نفر نام معلم:	مدت زمان: ۶۰ دقیقه
فعالیت های معلم قبل از تدریس	۱. سلام و احوالپرسی؛ ۲. حضور و غیاب؛ ۳. بیان تاریخ و مناسبت هفته یا روز؛ ۴. پرسش از درس قبل.	۱۰
ایجاد انگیزه	ارزشیابی مستمر: به نظر شما خدا چه کسی را به عنوان مسلمان واقعی دوست دارد؟ آیا فردی که خودش را نمازخوان نشان می دهد، ولی حتی یک کار کوچک هم برای دیگران انجام نمی دهد و کمک نمی کند که مشکلشان حل شود یا فردی که نمازش را می خواند، اما در کنارش دلسوز و مهربان هم هست و دوست دارد به افراد نیازمند کمک کند، به آن ها محبت کند یا چیزی به آن ها بدهد؟ پاسخ فراگیر: کسی که هم نمازش را می خواند و هم به دیگران کمک می کند. ارزشیابی مستمر: مگر ما نماز نمی خوانیم تا با خدای مهربان ارتباط برقرار کنیم؟ و این ارتباط باعث شود ما هم مثل او مهربان باشیم؟ پس چطور می شود که کسی خودش را اهل نماز می داند، اما دیگران را اذیت می کند و توجه نمی کند که فقرا گرسنه اند یا سیرند و حتی یک ظرف آب هم به دست کسی نمی دهد؟! پاسخ فراگیر: نمازش حتماً درست نیست. آری او نمازخوان واقعی نیست. او می خواهد با نمازش بقیه را فریب دهد تا درباره اش بگویند چه آدم مذهبی و خوبی هست؛ وگرنه اگر نمازخوان واقعی بود که این کارها را نمی کرد! تازه او به همین نمازش هم اهمیت نمی دهد؛ هر وقت دلش خواست می خواند و هر وقت دلش نخواست، نمی خواند! توجه کنید کسی که کافر است، از همان اول تکلیفش مشخص است. او خودش بیان می کند که دین را قبول ندارد و به آن ایمان ندارد. ارزشیابی مستمر: آیا قبول کردن دین و ایمان داشتن به آن فقط به زبان است؟ پاسخ فراگیر: نه، باید کارهای خوب هم انجام دهیم. بله، اما متأسفانه کسانی هستند که می گویند دین را قبول داریم و می پذیریم؛ اما کارهایی می کنند که نشان می دهد دین را قبول ندارند و ما از همین نشانه ها می فهمیم که آنها منکر دین اند؛ هر چند در ظاهر خود را مسلمان و اهل نماز معرفی کنند.	۵
ارائه درس	۱. سوره را با فراگیران قرائت می کنیم: بهتر است تلاوت سوره، با صوت دل نشین یک قاری نوجوان صورت پذیرد و در غیر این صورت، چنانچه معلم مهارت ترتیل نداشت، با استفاده از اسلاید یا ضبط صوت یا تلفن همراه انجام شود؛	۳۰

آن‌ها خودشان را نمازخوان به حساب می‌آوردند؛ اما به اصل نمازی توجه بودند و در خواندن نماز هم ریا می‌کردند و از کارهای خیر و مفید جلوگیری می‌کردند.

۶. جهت هدایتی سوره را پای تخته می‌نویسیم:

در چنین شرایطی سوره ماعون نازل شد تا هشدار دهد که فقط داشتن ادعای مسلمانی و خود را در ظاهر مسلمان دانستن کافی نیست. مسلمان واقعی کسی است که مسلمانی‌اش را در رفتار صحیحش با خدا و دیگران نشان دهد؛ برای همین این سوره، نشانه‌های عملی منکران دین را بیان کرد: آن‌که می‌گوید مسلمان است، اما یتیم را می‌راند و به طعام دادن فقرا تشویق نمی‌کند و حاضر نیست حتی مشکل کوچکی را از مردم برطرف کند، مسلمان نیست. کسی که خود را نمازخوان نشان می‌دهد، اما نماز را سبک می‌شمارد و حتی برای ریا نماز به جا می‌آورد و آن قدر بخیل است که به دیگران کوچک‌ترین کمکی نمی‌کند، مسلمان واقعی نیست؛ بلکه منکر دین است و با کافر و منافق چندان فرقی ندارد. با این توضیحات، جهت هدایتی سوره مبارکه ماعون عبارت است از:

بیان نشانه‌های عملی منکران دین

۳۰

۷. قسمت اصلی سوره، یعنی تفهیم متن ارائه می‌شود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره مبارکه ماعون می‌خواهد نشانه‌های عملی انکار دین را بیان کند؛ برای همین، خداوند از پیامبر اکرم ﷺ می‌پرسد: «آیا دیدی، کسی که دین را تکذیب می‌کند؟»: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ﴾

ارزشیابی مستمر: وقتی سؤال می‌پرسیم که بخواهیم از مسئله و موضوعی که نمی‌دانیم، باخبر شویم. پس خدا که عالم هست و همه چیز را می‌داند، چرا سؤال می‌کند؟

فراگیر ممکن است پاسخ کاملی ندهد. پاسخ این است:

پرسش خدا به این دلیل نیست که خبر ندارد؛ بلکه سؤال می‌کند تا اهمیت مطلب را برساند و بگوید موضوع ساده‌ای نیست، جای فکر دارد، دیدی چه خبر بود؟! روی رفتار چنین فردی دقت کردی؟! درواقع خداوند سؤال می‌کند تا پیامبر ﷺ در پاسخ، این مسئله را تأیید کند.

مثلاً در کلاس، یکی از بچه‌ها هنگام پرسش کلاسی به سؤالات معلم خیلی کامل و خوب جواب می‌دهد و شما به دوست کناریتان می‌گویید: «دیدی چه

ارائه درس

۱۰۴

جواب داد؟» مطمئناً او نیز این صحنه را دیده؛ اما برای اینکه اهمیت مطلب را برساند و شما نیز گفته او را تأیید کنید، این‌گونه سؤال کرد.

منظور از «الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ» این است که این فرد، دین را انکار می‌کند و قبول ندارد و این انکار و تکذیب هم، این‌طور نیست که فقط یک بار یا چند بار از او سر زده باشد؛ بلکه اصلاً کارش تکذیب است. او هر روز با اعمال خودش نشان می‌دهد که به دین کاری ندارد! آیات بعدی سوره این موضوع را نشان می‌دهد.

ارزشیابی مستمر: آیا فرد با چند بار تکذیب دین، مصداق آیه اول می‌شود؟

پاسخ فراگیر: خیر، منظور کسی است که همیشه تکذیب می‌کند.

آیه بعد، مکذِّب دین را معرفی می‌کند. البته ما منتظریم که وقتی می‌خواهد او را معرفی کند، بگوید: این همان کسی است که نماز نمی‌خواند، بت می‌پرستد یا به خدا و رسولش اهانت می‌کند؛ اما چیز دیگری را بیان می‌کند! اولین علامت کسی که به دین اعتقاد ندارد، نحوه برخورد نادرستش با کودک بی‌سرپرست است! می‌گوید: «این همان کسی است که بچه یتیم را با خشونت از خود می‌راند!» ﴿فَذَالِكَ الَّذِي يُدْعُ الْيَتِيمَ﴾ و دومین علامت این است که به غذا دادن مسکین و بینوا هم تشویق نمی‌کند: ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ یعنی نه تنها خودش به مسکین غذا نمی‌دهد، بلکه حتی افراد دیگری را که توان کمک به آن مسکین دارند نیز به کمک کردن تشویق نمی‌کند.

ارائه درس

۳۰

ارزشیابی مستمر: آیا این تکذیب فقط قلبی و زبانی است؟

پاسخ فراگیر: خیر، در عمل دین را انکار می‌کند.

ارزشیابی مستمر: چگونه در عمل، دین را انکار می‌کند؟

پاسخ فراگیر: طبق آیه، با راندن یتیم و تشویق نکردن به اطعام مسکین.

ارزشیابی مستمر: سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا در اینجا از راندن یتیم صحبت کرده نه غذا دادن به او؟

ممکن است فراگیر نتواند به این پرسش پاسخ گوید یا پاسخش ناقص باشد. پاسخ این است:

نیاز اصلی یتیم، نیاز مالی یا غذا نیست؛ بلکه یتیم تشنه محبت است تا کمبود عاطفی نبود پدر و مادرش تأمین شود و منکر دین، همین را هم از یتیم دریغ می‌کند! محبت که نمی‌کند هیچ، حتی حاضر نیست دست نوازشی بر سرش بکشد و او را به شدت کنار می‌زند!

۱. ماعون، ۲.

۱. ماعون، ۳.

۱. ماعون، ۱.



ارزشیابی مستمر: آیا کسی که با یتیم این طور برخورد می‌کند، اعتقادی به دین و روز قیامت دارد؟

پاسخ فراگیر: خیر.

احسنت درست گفتید. اگر اعتقاد داشت، این کار را نمی‌کرد؛ چون در این صورت، از روزی که جلوی خدا بایستد و خدا بگوید که چرا با بنده من این طور رفتار کردی، می‌ترسید؟

ارزشیابی مستمر: به نظر شما نیاز اصلی مسکین، یعنی کسی که زمین‌گیر شده است و قدرت برطرف کردن نیازهای خود را ندارد و جانش در خطر است، چیست؟
پاسخ فراگیر: غذا و کمک‌های مالی.

ارزشیابی مستمر: آیا می‌شود کسی به دین اعتقاد داشته باشد، ولی ذره‌ای برایش اهمیت نداشته باشد که مسکین طعام دارد یا نه؟!
پاسخ فراگیر: خیر، نمی‌شود.

ارزشیابی مستمر: ممکن است در میان دوستان و آشنایان و هم‌کلاسی‌های شما افراد یتیمی باشند. به نظر شما باید با آن‌ها چطور رفتار کنیم؟
پاسخ فراگیر: باید به آن‌ها محبت کنیم.

بله درست است، همیشه مواظب باشید که به آن‌ها محبت کنید و کاری نکنید که دلشان بشکند.

ممکن است کسانی باشند که وضع مالی خانواده‌شان خوب نباشد و نتوانند غذا و چیزی همراه او کنند که با خود به مدرسه بیاورد. خدا دوست دارد کسانی که کمک‌کردن برای آن‌ها امکان دارد، هوای محرومان را داشته باشند؛ بنابراین طوری که به دوستانم برنخورد و خجالت نکشد، می‌توانیم از غذای خودمان به او بدهیم یا چیزی بخریم و همراه او بخوریم.

آیه چهارم، نمازگزاران را تهدید می‌کند؛ پس وای بر نمازگزاران! ﴿فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ﴾

ارزشیابی مستمر: صحبت از مکذب دین بود؛ چه ربطی به نمازگزار دارد؟! این نشان می‌دهد که منظور از انکار دین، انکار عملی آن است. صحبت از کسانی است که ادعای اعتقاد به دین را دارند و خود را نمازخوان می‌دانند، اما در عمل با رفتارهایی مثل راندن یتیم، آن را انکار می‌کنند. قرآن می‌خواهد بگوید: «نمی‌شود مؤمن بود و این رفتارها را هم داشت.»

ارزشیابی مستمر: نمازخواندن که عمل خوبی است؛ چرا خدا باید نمازخوان را تهدید کند؟! آیا منظور همه نمازخوان‌هاست؟

پاسخ فراگیر: خیر.

آری، قطعاً خیر؛ چون در آیات بعدی، سه خصوصیت برای این نمازخوان‌ها بیان می‌کند. اولین خصوصیت، نمازگزارانی هستند که به علت نداشتن ارتباط صحیح با پروردگار، در اصل فریضه نماز سهل‌انگارند: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾

ارزشیابی مستمر: در اصل نماز سهل‌انگارند، یعنی چه؟

پاسخ فراگیر: یعنی در نماز حضور قلب ندارند.

نه عزیزم؛ یعنی نماز برایشان مهم نیست و آن را دست‌کم می‌گیرند. فقط اسمشان نمازخوان است؛ اما اهل نماز نیستند یا اصلاً نماز را نمی‌خوانند یا همیشه آن را به تأخیر می‌اندازند، طوری که نزدیک است نمازشان قضا شود! چون نماز را سبک می‌شمارند، اگر نمازشان قضا شود هم اهمیتی نمی‌دهند؛ اما مؤمن و نمازخوان واقعی این طور نیست؛ او سعی‌اش بر این است که نماز را در اول وقت بخواند. امام علی (علیه السلام) در اهمیت نماز اول وقت می‌فرماید: «هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از نماز نیست؛ پس مراقب باشید که هیچ کاری شما را از نماز در اول وقتش باز ندارد.»

ارزشیابی مستمر: به نظر شما هرکه چند بار نمازش به هر علتی قضا شد، مصداق این آیه و در معرض تهدید خداست؟

پاسخ فراگیر: فکر نمی‌کنم این طور باشد.

بله، روشن است این مطلب اگر يك يا چند بار اتفاق بیفتد ممکن است از کوتاهی باشد؛ اما کسی که پیوسته نماز را فراموش می‌کند و آن را به دست فراموشی می‌سپارد، پیدا است که برای آن اهمیتی قائل نیست یا اصلاً به آن ایمان ندارد و اگر گهگاه نماز می‌خواند، برای جلب نظر مردم و خوش‌نام شدن بین آن‌ها و دوری از طعنه‌ها و سرزنش آن‌هاست؛ از این رو دومین خصوصیت این نمازگزاران را این‌گونه معرفی می‌کند که اهل ریا هستند و پیوسته خودنمایی می‌کنند: ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ﴾ اگر عمل و عبادتی انجام می‌دهد، برای خدا نیست؛ برای خوشایند خلق خداست. می‌خواهند با عبادتشان میان مردم اعتباری به دست آورند. باید توجه کرد که اگر کاری برای خدا باشد، ارزشمند است؛ ولی اگر به قصد نشان دادن به مردم باشد، نزد خدا پاداشی ندارد.

پس دانش‌آموزان عزیز، همیشه سعی کنید هنگامی که در مدرسه حضور دارید،

ارائه درس

ارائه درس

۳۰

۳۰

۱. ماعون، ۵.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱.

۳. ماعون، ۶.

	<p>در نماز جماعت شرکت کنید تا دیگران هم به این کار خوب ترغیب شوند. در خانه نیز سعی کنید که نمازتان را در اول وقت بخوانید؛ اما اگر گهگاهی سستی کردید و نمازتان به تأخیر افتاد، سعی کنید که دیگر تکرار نشود و از خدا بخواهید کمکتان کند که همیشه نمازتان را در اول وقت بخوانید. مطمئن باشید که اگر نمازتان را در اول وقت بخوانید، به آدم منظمی تبدیل می‌شوید که کارهای دیگرش را هم سر موقع انجام می‌دهد.</p> <p>مواظب باشید هیچ وقت نمازتان را به این نیت نخوانید که دوستانتان بگویند چه آدم خوبی هست؛ چون نماز فقط برای خدا خوانده می‌شود و اگر این طور نباشد، متأسفانه نه ثوابی می‌کنیم و نه از نظر معنوی این نماز در ما تأثیر می‌گذارد. امام باقر <small>علیه السلام</small> در اهمیت نماز می‌فرماید: «اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود، نماز است؛ اگر نماز کسی پذیرفته شود، سایر اعمال او پذیرفته خواهد شد؛ اگر نماز کسی در اول وقت به درگاه خدا بالا رود، درخشان و تابان به سوی صاحبش باز می‌گردد.»</p>	
<p>۳۰</p>	<p>آری، دین به نمازی این قدر اهمیت می‌دهد که سبک شمرده نشود و در آن ریا نشود و البته در کنارش به مردم هم رسیدگی شود؛ بنابراین سومین خصوصیت این نمازگزاران چنین معرفی می‌شود: این افراد اسمشان را نمازخوان گذاشته‌اند؛ اما نیازهای دیگران را در حدّ توان رفع نمی‌کنند و چیزهایی اندک در حدّ وسایل زندگی را از مسلمانان دریغ می‌کنند و به قول معروف، آب از دستشان نمی‌چکد: ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾^۲ مردم این‌ها را به عنوان آدم مذهبی و نمازخوان می‌شناسند؛ اما چون بخیل‌اند، هیچ وقت خیرشان به کسی نمی‌رسد و گره از کار کسی باز نمی‌کنند؛ درحالی که برخی وسایل کوچکی که افزون بر نیازشان دارند، گاه نیازهای بزرگی را برطرف می‌کند و کمبودشان، مشکلات زیادی در زندگی مردم ایجاد می‌کند.</p> <p>ارزشیابی مستمر: می‌توانید بگویید که منظور از ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾، چه کسانی هستند؟</p> <p>فراگیر طبق توضیحات معلم پاسخ می‌گوید.</p> <p>مثلاً یک نفر از بچه‌های کلاس خودش را نمازخوان به حساب می‌آورد؛ اما هروقت همکلاسی‌هایش از او چیزی مثل خودکار یا مداد می‌خواهند، با اینکه می‌تواند بدهد، همیشه از دادن این چیزها دریغ می‌کند و کار آن‌ها را راه نمی‌اندازد یا همسایه‌شان هروقت درب منزلشان می‌آید و از آن‌ها ظرف یا چیز دیگری</p>	<p>ارائه درس</p>

<p>۳۰</p>	<p>می‌خواهد، همیشه از دادنش به آن‌ها دریغ می‌کند. این، یعنی منع ماعون! این چه جور نماز خوانی است که هیچ وقت به دیگران کمک کوچکی هم نمی‌کند! پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> می‌فرماید: «کسی که وسایل ضروری و کوچک را از همسایه‌اش دریغ کند، خدا او را از خیر خود در قیامت محروم می‌کند و به حال خود وامی‌گذارد.»</p> <p>ابوبصیر از امام صادق <small>علیه السلام</small> در تفسیر ماعون، نقل کرده که ایشان فرمود: «آن (ماعون) قرض است که به دیگران می‌دهی یا کار خیری که می‌کنی یا اسباب خانه که امانت می‌دهی، زکات نیز از آن جمله است. گفتم: ما همسایگانی داریم که چون چیزی به آن‌ها امانت می‌دهیم می‌شکنند و فاسد می‌کنند؛ اگر ندهیم، گناه کرده‌ایم؟ فرمود: اگر چنین باشد، مانعی نیست که ندهید.»^۱</p> <p>همان طور که مشاهده شد، ریاکردن و منع ماعون در کنار هم بیان شده است. این امر ظاهراً به این خاطر است که آنچه برای خداست، برای خلق انجام می‌دهند و آنچه برای مردم است از آن‌ها دریغ می‌کنند.</p> <p>سوره این را می‌رساند که تکذیب دین، تنها به این نیست که به کلی آن را انکار کرد؛ بلکه کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و خود را نمازخوان می‌داند؛ اما طوری رفتار می‌کند که در عمل نشان می‌دهد دین را قبول ندارد، او نیز مکذب دین است.</p>	<p>ارائه درس</p>
	<p>پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> فرموده‌اند: «هرکه روز خود را آغاز کند و به مشکلات مسلمانان اهمیتی ندهد، از آنان نیست و هرکه فریاد کمک‌خواهی فردی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.»^۲</p> <p>پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> فرموده‌اند: «چند چیز است که در هر فرد وجود داشته باشند، مؤمن حقیقی است و درهای بهشت به سویش باز است؛ از جمله: کسی که وضویش را شاداب بگیرد، نمازش را نیکو به جا آورد، زکات مالش را بپردازد و خشم خود را نگه دارد.»^۳</p>	<p>بیان حدیثی مناسب با موضوع درس</p>
<p>۵</p>	<p>معلم به منظور تثبیت درس با تأکید بر جهت هدایتی سوره، آن را مروری اجمالی می‌کند.</p>	<p>خلاصه کردن درس</p>

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله علیه)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۹.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۴. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله علیه)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۹.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. ماعون، ۷.

<p>از فراگیر سؤال می‌کنیم تا اطمینان پیدا کنیم که درس را یاد گرفته است:</p> <ol style="list-style-type: none"> جهت هدایتی سوره را بیان کن. (حیطه شناختی) منظور از «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ» چیست؟ (حیطه شناختی) منظور از «يَدْعُ الْيَتِيمَ» چیست؟ (حیطه شناختی) منظور از «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ» چیست؟ (حیطه شناختی) چرا برای یتیم از «يَدْعُ» و برای مسکین از «يَحْضُ عَلَى طَعَامِ» استفاده کرد؟ (حیطه شناختی) منظور از «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» چیست؟ (حیطه شناختی) منظور از «وَيَمْتَعُونَ الْمَاعُونَ» چیست؟ (حیطه شناختی) منظور از «الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ» چیست؟ (حیطه شناختی) سوره ماعون چه پیام آموزنده‌ای برای ما دارد؟ (حیطه شناختی) آیا از تدبیر سوره ماعون لذت بردید؟ (حیطه عاطفی) تدبیر در سوره ماعون چه تأثیری بر شما گذاشت؟ (حیطه عاطفی) این آخرین سوره‌ای بود که در این دوره با تدبیر در آن آشنا شدید؛ آیا دوست دارید با تدبیر در سوره‌های دیگر نیز آشنا شوید؟ (حیطه عاطفی) چه کسی علاقه‌مند است آنچه از سوره ماعون دریافت کرده، برای دیگران هم توضیح بدهد؟ (حیطه عاطفی) وقتی نمازتان را اول وقت می‌خوانید چه احساسی دارید؟ (حیطه عاطفی) وقتی به دیگران کمک می‌کنید، چه احساسی دارید؟ (حیطه عاطفی) چقدر دوست دارید به دیگران کمک کنید؟ (حیطه عاطفی) چقدر سعی می‌کنید نمازتان را اول وقت بخوانید؟ (حیطه عملکرد) اگر نمازتان قضا شود، چه حالی به شما دست می‌دهد؟ (حیطه عملکرد) با افراد یتیم اطراف خود چگونه رفتار می‌کنید؟ (حیطه عملکرد) اگر کسی خیلی محتاج بود، اما یکی از اقوام یا والدین شما، دیگران را به کمک به آن نیازمند تشویق نکردند، شما چه کار می‌کنید؟ (حیطه عملکرد) آیا می‌شود کسی اهل نماز باشد، ولی به نیازمندان اصلاً توجهی نداشته باشد و به دیگران کمک نکند؟ (حیطه شناختی) 	<p>۸</p>	<p>ارزشیابی پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>برای تکمیل یادگیری، قرائت متدبّرانه انجام می‌شود.</p>	<p>قرائت دوباره سوره و دعای پایان درس</p>
<p>۱</p>	<p>از فراگیر خواسته می‌شود درس امروز را مرور کند تا در جلسه بعد بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ همچنین سوره‌ای که در جلسه بعد تدریس خواهد شد، مشخص می‌شود و باتوجه به اینکه در تدبیر، قرائت چندباره اهمیت دارد، از</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>

<p>۱</p>	<p>فراگیر خواسته می‌شود که سوره را چندین بار قرائت کند و ترجمه‌ای آسان و روان از آن را فرا گیرد. در پایان، خدا قوت می‌گوییم و خدا حافظی می‌کنیم.</p>	<p>تعیین تکلیف برای جلسه بعد</p>
<p>۱</p>	<ol style="list-style-type: none"> معلم توجه کند که نشانه‌های تکذیب دین طوری القاء نشود که اگر فردی چند بار نمونه‌هایی را انجام داده است، خود را مکذّب تلقی کند؛ چراکه این نشانه‌ها مربوط به کسانی می‌شود که این کارها را همیشه و با قصد انجام می‌دهند. معلم دقت کند که نشانه‌های تکذیب دین، مثل راندن خشونت‌آمیز یتیم، به احتمال قوی با این شدت برای این مقطع سنی پیش نمی‌آید؛ پس طوری القا نشود که هر درجه از رفتار با یتیم، تکذیب دین محسوب می‌شود. باتوجه به اینکه نشانه‌های معرفی شده در تکذیب دین، بیشتر مبتلا به والدین فراگیران است، معلم بحث را به سمتی سوق دهد که در واقع فراگیر اگر در اطرافیان خود این نشانه‌ها را دید، آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کند. در بحث نماز نیز بچه‌ها اغلب در مدرسه در نماز جماعت شرکت می‌کنند، اما در منزل ممکن است مواقعی پیش بیاید که در نماز سهل‌انگاری صورت پذیرد. در اینجا باید روی اهمیت نماز و اول وقت بودن آن بیشتر مانور دهیم تا بچه‌ها به نماز اول وقت رغبت پیدا کنند؛ ولی نباید مسئله طوری مطرح شود که دانش‌آموز خود را مصداق ساهون و یراءون بداند؛ به‌ویژه این را در نظر بگیریم که شرکت در نماز جماعت اهمیت دارد و این سهو و ریا برای کسی است که همیشه در خانه نمازش را به تأخیر می‌اندازد، ولی برای خودنمایی و تظاهر، در نماز جماعت شرکت می‌کند. اگر لازم شد و بحث فلسفه نمازخواندن پیش آمد، معلم به نمونه‌هایی همچون ارتباط با خدا و مصون ماندن از لغزش‌ها و غفلت و... اشاره کند. دقت کنید که مطرح کردن مباحث طوری باشد که فراگیر متوجه شود، دین فقط نماز نیست و دین دار بودن هم فقط، نماز خوان بودن نیست. او باید درک کند که دین دار واقعی کسی است که هم نمازش را خوب به جا می‌آورد و هم به مردم جامعه و نیازهایشان توجه دارد. معلم باید فراگیر را متوجه این امر کند که اگر در اطراف خودشان افراد به ظاهر نمازخوانی می‌بینند که خود را مسلمان می‌پندارند، اما کارهای نادرستی مثل یتیم‌رانی و توجه نکردن به فقرا انجام می‌دهند، این اعمال را به پای دین ننویسد و او را متوجه کند که مؤمن واقعی از همه مهربان‌تر و دلسوزتر است. 	<p>بایسته‌ها برای معلم</p>

قمی (شیخ صدوقؑ)، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، قم:
دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین ۱۳۶۲.
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه،
۱۴۰۷ق.

منابع

